۱۵۵/۲

آموزش ۲-۲

متن تعالیم اجتماعی ۱

این جزوه امانی است
مخصوص جامعه بهائی است

۱۶ - ۰۱
۱۵۳/۱

فهرست — صفحات

ضمیمه ۱ مبادی اجتماعی امر بهائی — ۲۰ – ۳۸

ضمیمه ۲ سوءالات خطابات مبارکه جلد ۱ — ۳۹ – ۵۱

ضمیمه ۳ سوءالات خطابات مبارکه جلد ۲ — ۵۲ – ۶۴

ضمیمه ۴ اعلام و اصطلاحات — ۶۵ – ۷۷

ضمیمه ۵ مآخذ و منابع آیات کتب مقدسه — ۷۸ – ۸۶

ضمیمه ۶ اسامی اشخاص مهمی که به حضور مبارک در اسفار اروپا و آمریکا مشرف شدند — ۸۷ – ۸۹

ضمیمه ۷ معانی لغات — ۹۰ – ۹۴

کتابنامه — ۹۵

۱۵۳/۳

اصلاحیه درس تعالیم اجتماعی ۱

دوستان عزیز

لطفا موارد زیر را در جزوات این درس اصلاح فرمایید:

۳ – صفحهٔ ۳۹ سطر ۷ سوءال شمارهٔ ۳ : بعد از کلمهٔ توضیح دهید عبارت که چگونه اضافه شود.

۴ – صفحهٔ ۳۴ سطر ۶ : صفحهٔ ۲۰۱ به ۲۰۰ تغییر یابد.

۳ – صفحهٔ ۳۴ سطر ۱۲: داخل پرانتز بعد از جلد ۴، عبارت صفحهٔ ۲۰۱ اضافه شود.

" ... در جمیع احوال عباد را وصیت نمودیم به امانت و دیانت ..."

تذکرات :

۱ ـ روی جزوات چیزی ننویسید.

۲ ـ از علامت گذاری ـ حتی با مداد ـ اجتناب فرمائید.

۳ ـ رعایت پاکیزگی در حفظ جزوات بشود.

۴ ـ راس موعد مقرر و پس از پایان نیمسال ، جزوات متون درسی را به دوستان معارف محل مرجوع فرمائید.

* رعایت این نکات بدین سبب ضروری است که دوستان دیگر شما نیز قرار است از این متون بعدا استفاده کنند.

خطابات مبارکه جلد ۱

شماره سوءال	تغییرات ماخذپاسخ سوءال
۱۲	ص ۱۰ سطر ۱۵
۳۹	ص ۳۴ و ۳۳
۱۰۲	ص ۸۶ و ۸۵
۱۳۲	ص ۱۲۳ و ۱۲۲
۲۱۲	ص ۱۹۸
۲۱۳	ص ۱۹۸ و ۱۹۷
۲۱۷	ص ۲۰۵ و ۲۰۴
۲۲۰	ص ۲۱۲ و ۲۱۱
۲۲۷	ص ۲۱۸ و ۲۱۷
۲۲۸	ص ۲۲۳ و ۲۲۲
۲۴۸	ص ۲۴۸ و ۲۴۷

خطابات مبارکه جلد ۲

شماره سوءال	تغییرات ماخذپاسخ سوءال
۱۸	ص ۱۴ و ۱۳
۲۱	ص ۱۸ و ۱۷
۴۱	ص ۵۰ و ۴۹
۵۲	ص ۵۹ و ۵۸
۵۷	ص ۶۲ و ۶۱
۶۱	ص ۶۷ و ۶۶
۶۵	ص ۷۲ و ۷۱
۶۶	ص ۷۳ و ۷۲
۷۵	ص ۸۱ و ۸۰
۸۱	ص ۸۹ و ۸۸
۸۲	ص ۹۱ و ۹۰
۸۳	ص ۹۲ و ۹۱
۸۶	ص ۹۵ و ۹۴
۱۰۸	ص ۱۳۰ و ۱۲۹
۱۱۵	ص ۱۳۴
۱۲۲	ص ۱۳۹
۱۲۹	ص ۱۴۶
۱۵۲	ص ۱۶۶ و ۱۶۵
۱۵۳	ص ۱۶۷ و ۱۶۶
۱۵۵	ص ۱۶۹ و ۱۶۸
۱۷۶	ص ۱۹۲ و ۱۹۱
۱۹۳	ص ۲۱۳
۱۹۵	ص ۲۱۵ و ۲۱۴
۲۴۹	ص ۲۸۱ و ۲۸۰
۲۵۹	ص ۲۹۹ و ۲۹۸
۲۶۳	ص ۳۰۳
۲۶۶	ص ۳۱۰ و ۳۰۹

شماره سوءال	خطابات مبارکه	تغییرشماره سوءال
۲۱۲	جلد ۱	۲۱۳
۲۱۳	جلد ۱	۲۱۲
۱۷۳	جلد ۲	۱۷۴
۱۷۴	جلد ۲	۱۷۳

خطابات مبارکه جلد ۲

صورت تغییریافتهٔ سوءال

شماره سوءال

۴۰ توضیح دهید چرا اساس ادیان الهی واحد است و این اختلافات بین پیروان ادیان ناشی از چیست ؟

۴۳ حضرت عبدالبهاء می فرمایند " مظاهر مقدسه که انبیاء هستند مانند مرآتند." این بیان مبارک را توضیح دهید.

۵۸ اگر اساس ادیان الهی یکی است پس اختلافات بین پیروان ادیان از کجا ناشی شده است ؟

۷۷ چرا تحصیل هر دو علوم مادیه و علوم الهیه در عالم انسانی ضروری است ؟

۸۷ با توجه به تبیینات مبارک چرا در عالم وجود مسالهای مهمتر از وحدت عالم انسانی و صلح عمومی یافت نمی شود؟

۸۸ توضیح دهید الف) چرا به قوهٔ جنسی و وطنی و سیاسی نمی توان صلح عمومی را در عالم مستقر نمود؟ ب) به چه قوهای می توان صلح عمومی را تاسیس کرد؟

۸۹ حصول هر شئ مشروط به چه عواملی است ؟

۹۴ " در کائنات جمادیه فیض الهی مستمر است." از این مطلب ، استمرار فیض روح القدس در عالم انسانی را نتیجه بگیرید.

۱۰۵ بر اساس تعلیم تعدیل معیشت ، قوانین اجرت و مزد را چگونه باید اصلاح نمود؟

۱۰۶ با ذکر مثال توضیح دهید اخذ مالیات به چه شکل باید صورت پذیرد؟

۱۱۵ چرا تقالید سبب بروز اختلاف ادیان است ؟

۱۲۲ حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " از بدایت خلقت آدم تا یومنا هذا در عالم انسانی دو طریقت بوده." اولا این دو طریق را ذکر نمایید. ثانیا خصوصیات هر یک را توضیح دهید.

۱۳۰ چرا باید دین مطابق علم و عقل باشد؟ نتایج آن را توضیح دهید.

۱۳۴ چگونه می توان اعتقاد به وحدت عالم بشر را از صغر سن در قلوب جای داد؟

۱۳۵ یکی از طرق انتخاب لسان واحد چیست ؟ چه نتایجی دارد؟ توضیح دهید.

۱۳۹ در اصطلاح روحانی مقصود از " میت " چیست ؟

۱۷۶ سرور حقیقی و فرح روحانی به چه چیز ممکن است ؟ چرا ؟

۱۹۲ توضیح دهید نتیجهٔ حاصل از عدم تربیت انسان چیست ؟ مثال بزنید.

۱۹۴ چرا انسان هر چه ترقیات مادیه حاصل کند باز محتاج به نفثات روح القدس است ؟ توضیح دهید.

۲۱۸ با توجه به تبیین مبارک حضرت عبدالبهاء که می فرمایند " عالم طبیعت ناقص است." با ذکر شاهدی توضیح دهید چگونه می توان آن را کامل نمود؟

۲۲۰ خدا انبیاء را برای چه فرستاده است ؟

۲۲۸ وضعیت قوم حضرت موسی را الف) قبل از ظهور ایشان و ب) بعد از ظهور ایشان توضیح دهید.

۲۳۱ بر اساس چه اصل اعتقادی اهل ادیان نباید با هم در نزاع و جدال باشند؟

۲۳۲ با توجه به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء علت بوجود آمدن اختلاف و ضدیت بین پیروان ادیان چه می باشد ؟

۲۳۶ قوهٔ محبت در هر یک از کائنات (جماد/ نبات / حیوان / انسان) به چه صورت است ؟ توضیح دهید.

۲۳۷ حیات و ممات عالم به چیست ؟

۲۴۱ حضرت عبدالبهاء از اینکه " جمیع مظاهر مقدسه، ستایش یکدیگر را کرده اند"، چه نتیجه ای می گیرند؟

۲۴۴ حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " هر کائنی از کائنات عبارت از جمیع کائنات است ". بیان مبارک را توضیح دهید.

۲۵۹ چرا حس ، میزان تام برای ادراک نیست ؟ توضیح دهید.

۲۸۴ به فرمودهٔ مبارک حضرت عبدالبهاء ، عمل به تعالیم الهی چه نتایجی دربردارد؟

۲۷۳ جمیع فضایل و امتیازاتی که انسان را از طبیعت ممتاز می نمایند منبعث از چیست ؟

۲۰۹ با توجه به تبیین مبارک حضرت عبدالبهاء علت اصلی پیدایش جنگها و خونریزیها چیست ؟

۲۱۹ به چه قوایی می توان مقاومت قوهٔ مادیون نمود؟

خطابات مبارکه جلد ۱

صورت تغییریافتهٔ سؤال

شماره سؤال

۳ با ذکر شواهدی توضیح دهید تفاوت مراتب مانع از این است که رتبهٔ مادون، رتبهٔ مافوق را درک کند.

۲۰ "لزوم ذاتی" چه خصوصیتی دارد؟ مثالی بزنید.

۲۷ چرا اگر دین سبب الفت و محبت نباشد، عدم آن بهتر از وجودش است؟

۳۵ الف) چرا دین باید از سیاست جدا باشد ب) وظیفهٔ روسای ادیان در این خصوص چیست؟

۴۳ چرا تجاذب و توافق اشیاء سبب حصول ثمره و نتایج مفیده و تخالف و تنافر آنها سبب انقلاب و اضمحلال است؟ این مورد را در عالم انسانی تعمیم دهید.

۵۵ فرق مابین انسان و حیوان چیست؟ توضیح دهید.

۵۷ منظور حضرت مسیح از اینکه می فرمایند: "واگذارید مرده‌ها را تا دفن کنند مرده‌ها" چیست؟

۶۱ با استناد به بیانات مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء، فصول روحانی را در مورد ادیان گذشته ذکر نمایید.

۶۲ الف) چگونه و ب) در چه زمانی، دین که سبب حیات و دانایی بود، علتی برای جهل و نفاق شد؟

۵۰ الیوم مقرب درگاه کبریا کیست؟

۵۱ حضرت عبدالبهاء وضعیت عالم را از لحاظ صلح و آرامش چگونه توضیح می فرمایند؟

۷۰ با ذکر شواهدی توضیح دهید که تفاوت مراتب، مانع از ادراک است؟

۷۹ حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "محبت را روابطی لازم است." اولا این روابط را نام ببرید. ثانیا کدامیک سبب محبت عمومی و اتحاد می شود؟ چرا؟

۸۳ مرکز میثاق می فرمایند: "حقیقت این است که جمیع ملل عالم را بندهٔ یک خداوند بدانید." طرق عملی چنین نگرشی را چگونه تبیین می فرمایند؟ (دوطریق)

۸۸ الف) خرق عادت و هتک قوانین طبیعت مختص به چیست؟ ب) چگونه باید از این قوه استفاده نمود؟

۹۶ در انجیل می فرمایند: "هر وقت مسیح می آید سوار بر ابر است." تبیین مبارک در مورد از آسمان آمدن و سوار بر ابر بودن مسیح، چیست؟

۱۰۱ طریق عملی که حضرت عبدالبهاء برای رفع سوء تفاهم بین مسیحیان و مسلمین ارائه می فرمایند، چیست ؟

۱۰۳ کدام مطلب، منطوق صریح قرآن بود در حالیکه جمیع فلاسفه و ریاضیون سلف در تشخیص آن به خطا رفتند؟ توضیح دهید.

۱۰۴ حضرت عبدالبهاء چه دلائلی را دال بر بطلان محاربه و جنگ در روی زمین بیان می فرمایند؟

۱۱۰ چرا صرفا از ترقی مادیه، عالم انسانی سعادت صحیحه نمی یابد؟ توضیح دهید.

۱۱۳ تورات و انجیل و قرآن و الواح مبارکه، انسانها را به چه چیز دلالت و راهنمایی می فرمایند؟

۱۸۳ در عالم انسان چند مقام است ؟ نام ببرید و توضیح دهید.

۱۸۹ چرا مساوات در عالم انسانی ممکن نیست ؟ با ذکر مثالی توضیح دهید.

۱۹۳ مجازات و مکافات چند نوع است ؟ نام ببرید. توضیح دهید کدامیک اکمل است ؟

۲۰۹ در چه صورت ترقی مادی می تواند سبب آسایش عالم انسانی گردد؟ چرا ؟

۲۱۷ مرکز میثاق چه شاهدی را دال بر وجود تعصب وطنی در عالم می آورند؟

۲۳۷ الف) تعالیم هر یک از ادیان مقدسه بر چند قسم است ؟ نام ببرید. ب) خصوصیات هر یک را بنویسید.

۲۳۹ مرکز میثاق دین الهی را به چه چیز تشبیه نموده اند؟ توضیح دهید.

۲۴۱ حضرت عبدالبهاء " حکمت " را چگونه تعریف می فرمایند؟

۲۴۵ تبیین مبارک حضرت عبدالبهاء در خصوص اینکه " انسان جامع جمیع کمالات است." را توضیح دهید.

۲۴۷ چرا انسان بر جمیع کائنات غالب و قاهر است ؟

۲۵۲ حضرت عبدالبهاء می فرمایند " نفوسی که موءید به روح القدس هستند نفوذشان کامل." تبیین مبارک در این خصوص چیست ؟ درجهٔ این نفوذ تا چه حد است ؟

۴۶ چگونه با وجود آداب و رسوم مختلفه وحدت حقیقی جلوه نماید؟

ضمیمه ۱

مبادی اجتماعی امر بهائی

جهت آشنائی کلی دانشجویان عزیز با مبادی اجتماعی امر مبارک، به توضیحاتی چند در این خصوص تحت عناوین ذیل می پردازیم:

الف ـ مفهوم مبادی اجتماعی

ب ـ جایگاه مبادی اجتماعی در امر مبارک

ج ـ معرفی مبادی اجتماعی

د ـ شاخصهای کلی مبادی اجتماعی

هـ ـ هدف تعالیم و مبادی اجتماعی امر بهائی

قسمت اول :

الف ـ مفهوم مبادی اجتماعی

مبادی جمع مبداء و در لغت به معنای اصول و قواعد اساسیه [۱][۲] و اجتماعی نیز عبارت از مواردی است که به اجتماع [۳] و به همگان بستگی داشته باشد. [۴][۵]

بر این اساس مبادی اجتماعی را می توان به تعبیری عبارت از اصول و قواعد اساسیه‌ای دانست که مربوط به اجتماع است.

اما در عرف امر بهائی، مبادی اجتماعی [۶]، در حقیقت همان اصول تعالیم اجتماعی امر است که ریشه‌های آن در مبانی اعتقادی آئین بهائی نهفته است و بخشی از مبادی روحانی می باشد.

بنا بر این تعالیم اجتماعی امر مبارک را بدین لحاظ که مبانی اعتقادی دارند "مبادی" و به لحاظ آن که تحقق آنها در اجتماع است " اجتماعی" می نامیم.

ب ـ جایگاه مبادی اجتماعی امر مبارک

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

> " تاروپود این نظم الهی، احکام مقدسهٔ متعالیهٔ مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیهٔ روحانی و اداری که در الواح و خطابهای مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدون و مسطور " [۷]

بر اساس بیان فوق، نظم بدیع الهی شامل دو قسمت احکام و مبادی ، و مبادی نیزشامل مبادی روحانی و اداری می باشد. [۸]

اصول اساسی کلیهٔ تعالیم و مبادی اجتماعی امر مبارک در آثار شارع قدیر آن ازجمله کتاب مستطاب اقدس [۹] و متممات آن شامل الواح اشراقات ، بشارات ، کلمات فردوسیه، طرازات ، تجلیات ، لوح دنیا و لوح مقصود، و ....، نازل [۱۰][۱۱]، و حتی در برخی مواقع، حکمت های بالغهٔ وضع و تأسیس تعالیم [۱۲] و یا طرق تحقق آنها [۱۳] نیز ذکر گردیده است.

بر اساس همین اصول و مبانی است که مرکز عهد و پیمان این آئین الهی در الواح وآثار کثیرهٔ خود و خصوصاً در طی خطابات مبارکه در سفر به اروپا و امریکا [۱۴]، به ارائهٔ توضیحات مبسوط و تشریحات کامل در خصوص تعالیم و مبادی اجتماعی امر مبارک ،شامل معرفی [۱۵]، بیان مبنای اعتقادی تعالیم [۱۶]، تشریح موانع و مشاکل موجود [۱۷] و چگونگی حل و رفع آنها [۱۸]، تبیین وسائل و وسائط و طرق تحقق هر یک از تعالیم [۱۹]

و همچنین توضیح ارتباط تعالیم با یکدیگر (۲۰) و بالاخص تأثیر و نقش هر یک از آنها در تحقّق وحدت عالم انسانی (۲۱)، پرداخته و مبادی اجتماعی امر مبارک را به نحوی بدیع اعلان و ابلاغ فرموده‌اند.

ج ـ معرفی مبادی اجتماعی

آنچه از آثار مبارکه به عنوان اهم مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی امر مبارک مستفاد می گردد و منابع غنی آن همانا الواح متممات کتاب مستطاب اقدس و خطابات مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء می باشد تقریبا تحت دوازده عنوان شکل گرفته است که عبارت از موارد ذیل می باشد: (۲۲)(۲۳)(۲۴)

۱ ـ تحری حقیقت و ترک تقالید

۲ ـ وحدت عالم انسانی

۳ ـ دین باید سبب الفت و محبت باشد (دین اساس الفت و محبت است)

۴ ـ دین باید مطابق علم و عقل باشد (دین و علم توأم است)

۵ ـ ترک تعصبات (تعصبات هادم بنیان انسانی است)

۶ ـ تعلیم و تربیت عمومی و اجباری

۷ ـ تعدیل معیشت عمومی

۸ ـ صلح اکبر و تأسیس محکمهٔ کبری

۹ ـ وحدت لسان و خط

۱۰ ـ تساوی حقوق رجال و نساء

۱۱ ـ عالم انسانی محتاج به استفاضه از نفثات روح القدس است

۱۲ ـ وحدت اساس ادیان

د ـ شاخصهای کلی مبادی اجتماعی

اگر چه توضیح شاخصها ، خصوصیات و کیفیات ممتازهٔ نظم جهانی بهائی وبالنتیجه مبادی اجتماعی امر مبارک مباحث وسیعی را ایجاب می نماید و تشریح مسئله، محتاج به تدوین و تألیف کتب و رسائل متعدد و کثیر می باشد ولی بطور اختصار می توان شاخصهای ممتاز مبادی اجتماعی بهائی را در چند اصل زیر خلاصه و مورد بررسی ومطالعه قرار داد:

ـ شاخص اول : مبادی اجتماعی بهائی، اصولی لایتغیر می باشند

ـ شاخص دوم : مبادی اجتماعی امر مبارک ، مبنای " الهی ـ اعتقادی " دارند.

- شاخص سوم : مبادی اجتماعی در همدیگر تأثیر متقابل دارند.
- شاخص چهارم: مبادی اجتماعی دامنه شمول " جهانی" دارند.
- شاخص پنجم: مبادی اجتماعی بهائی " بدیع" می باشند.

قسمت دوم :

شاخص اول مبادی اجتماعی بهائی، اصولی لایتغیر می باشد

مبادی و اصول اجتماعی بهائی همانطور که از نام و عناوینش پیدا است از نوامیس و تعالیم ثابت و اصول اعتقادی لایتغیر بهائی محسوب و در جمیع ادوار تاریخ و اعصار مختلفه، مصون از نسخ و تغییر می باشد و به هیچ وجه مقید در زمان ومکانی محدود نبوده و از تغییر اوضاع و احوال انسان و از حوادث زمان تأثیر نمی پذیرد. فی المثل وقتی که در این مبادی تعلیم داده می شود که دین باید سبب الفت و محبت باشد و یا حقوق و آزادی افراد انسانی باید مساوی باشد و یا تعصبات باید فراموش شود و یا باید صلح و وحدت بشر، تأسیس یابد؛ واضح است اصول مذکور جمیعاً لایتغیربوده و در کلیهٔ ادوار تاریخ مورد نیاز نسلهای بشری و در همه جا و همه وقت قابل قبول و پذیرش می باشد.

اعتقاد اهل بهاء بر لایتغیر بودن این اصول به حدی است که پس از آن که جامعهٔ انسانی به وحدت و صلح حقیقی که شریعت حضرت بهاءالله تعلیم و تحققش را تبشیر فرموده است واصل گردد و وحدت اصلیه همچنان که در آثار بیان گشته است در بسیط زمین استقرار یابد، هرگز چنین اصل روحانی و اجتماعی یعنی صلح عمومی، منسوخ نشود و متروک نگردد، و در حقیقت ظهورات آینده نیز که در ظل شریعت حضرت بهاءالله مبعوث می گردند مبیّن و مروّج همین اصول و مبادی خواهند بود،(۲۵) و جمیع، اصل صلح عمومی و وحدت عالم انسانی را ترویج خواهند نمود.(۲۶)

شاخص دوم مبادی اجتماعی امر مبارک، مبنای " الهی ـ اعتقادی " دارند

الف: مبنای الهی : " امر مبارکی که منسوب به حضرت بهاءالله است قوامش منبعث از سرچشمهٔ غیبی آسمانی است که قدرت هیچ انسانی هر قدر فریبنده و بلند پایه باشد با آن برابری نمی کند و نقطهٔ اتکاء و اتکالش به منبعی پیوسته است که هیچ یک از مزایای این جهان از علم و ثروت و شهرت با آن قیاس نگردد، بسط و انتشارش به وسائل و وسائط غیبی است که با موازین عادی بشری مطابقت ننماید."(۲۷)

مبادی اجتماعی امر بهائی، الهی بوده و ساخته و پرداختهٔ افکار و اندیشه های انسان عادی نیست، به عبارت دیگر تعالیم امر بهائی، به ارادهٔ الهی وضع و نظم

بهائی بر صخرهٔ مشیت الهی استوار گردیده و دست قدرت الهی چنین نظمی را طرح و چنین مبانی و اصولی را تشریع و به جهانیان عرضه فرموده است.

ب: مبانی اعتقادی: در دیانت بهائی، تعالیم اجتماعی با اصول و معتقدات روحانی پیوند می گیرد و مبادی از آنها نتیجه می شود. فی المثل در مراتب توحید و وحدت، به اعتقاد به یگانگی ذات حق و وحدت عالم امر تصریح شده و وحدت نوع بشر و یگانگی انسان از آن منتج می شود.(۲۸) همین ارتباط تعالیم اجتماعی با اصول معتقدات امر مبارک به مبادی اجتماعی، شکل اعتقادی و ایمانی می بخشد و مبادی اجتماعی امر مبارک را بدان جهت که مبنای اعتقادی-روحانی دارد از آراء و نظریات دانشمندان و مشربهای اجتماعی و فلسفی ممتاز می دارد. زیرا جنبهٔ اعتقادی مبادی اجتماعی، آن را از کلیت فوق العاده زیادی برخوردار می سازد، بطوری که می تواند در میان طبقات مختلفهٔ مردم نفوذ و گسترش یافته و قلب و عواطف آنان را به خود مربوط و معطوف سازد و نتیجتاً با بوجود آوردن حالت انفعالی(۲۹)، تعالیم را از ضمانت اجرائی بیشتر و تأثیر و نفوذ شدیدتری برخوردار می نماید(۳۰) و همچنین با استقرار مبادی اجتماعی بر پایهٔ اعتقادات قلبی و وجدانی(۳۱) موجب پایداری نظم اجتماعی می گردد.(۳۲)

شاخص سوم مبادی اجتماعی در همدیگر تأثیر متقابل دارند.

اگر چه مبادی اجتماعی بهائی، هر یک مطلب مجزا و مستقلی را تعلیم می دهند و هریک از آنها در تأمین حوائج و نیازمندیهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جوامع انسانی نقش مخصوصی برعهده داشته و اثرات خاصی را بوجود می آورند، لکن کلیهٔ این تعالیم و مبادی، در عین استقلال ذاتی با هم مربوط و مرتبط بوده و هر یک مانند حلقات سلسلهٔ زنجیر به دیگری متصل می باشد به حدی که یکی بدون دیگری قابل اجراء نبوده و هیچ یک به تنهائی نمی تواند در حل معضلات و مشکلات مادی و معنوی نوع انسان کافی و موءثر باشد و به عبارت دیگر، مبادی اجتماعی، مکمّل و لازم و ملزوم یکدیگر می باشند.

فی المثل یکی از تعالیم روحانی و اجتماعی امر مبارک، صلح عمومی است و این تعلیم با مبادی دیگر از جمله تعدیل معیشت و حل مسئلهٔ اقتصاد و ترک تعصبات و تحری حقیقت، تأثیرات متقابل و مستمر دارد، تا جائیکه بدون ایجاد صلح عمومی هرگز نمی توان مسئلهٔ فقر و مشاکل اقتصادی را حل کرد، زیرا زمانی که نوای جنگ ساز می گردد، هر دولتی باید خود را برای جنگ آماده نماید و برای حفظ موجودیت و بقاء خویش ناچار است قسمت عمدهٔ درآمد خود را خرج تهیهٔ تسلیحات کند. واضح است

وقتی که درآمد ملی صرف آلات حرب و جنگ گردد یکی از نتائج شوم آن بحران اقتصادی و فقر وفاقهٔ عمومی می باشد و در چنین حالتی با هیچ تئوری اقتصادی نمی توان عدالت اقتصادی و تعدیل معیشت بوجود آورد. پس شرط اصلی ایجاد عدالت اقتصادی و رفاه معیشت افراد جامعه، تضمین و حفظ صلح و آرامش است. مسئلهٔ صلح عمومی از طرفی با مسئلهٔ اقتصاد مرتبط بوده و از طرف دیگر با تأسیس حکومت جهانی ملازم می باشد یعنی بدون ایجاد یک محور و مرکز جهانی و ایجاد قوای مقننه و قضائیه و اجرائیهٔ بین المللی در رأس حکومات ملی نمی توان صلحی پایدار در بسیط زمین بوجود آورد پس صلح و حکومت جهانی نیز ملازم هم بوده یکی بدون دیگری قابل اجرا نمی باشد. ازطرف دیگر تأسیس حکومت جهانی، مستلزم آن است که تعصبات که به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء " هادم بنیان انسانی است "(۳۳)، ترک شود زیرا با وجود تعصبات ملی و نژادی و مذهبی و اقتصادی و سیاسی هرگز نمی توان صلحی پایدار بوجود آورد. و همچنین تقالید نیز عامل نزاع و جدال است (۳۴) و باید متروک گردد. بنا بر این با ترک تعصبات و تقالید و تحری حقیقت می توان وحدت اصلیهٔ بین اقوام و ملل عالم را ایجاد نمود زیرا حقیقت واحد است و تعدد نمی پذیرد. (۳۵) با این توضیح، بخوبی معلوم می گردد که تحری حقیقت و ترک تعصبات با مسئلهٔ حکومت جهانی و حکومت جهانی با مسئلهٔ صلح و صلح با تعدیل معیشت، ارتباطی نزدیک و بر یکدیگر تأثیراتی کلی و مستمر داشته و مانند حلقات زنجیر به هم مربوط و مرتبط می باشند. (۳۶)

حضرت عبدالبهاء در این خصوص می فرمایند:

" ... این تعالیم متعدده که اساس عظیم سعادت عالم انسانی است و از سنوحات رحمانی باید منضم به مسئلهٔ صلح عمومی گردد و ممزوج آن شود تا اینکه نتیجه ببخشد والا تنها مسئلهٔ صلح عمومی را درعالم انسانی تحققش مشکل است ... اگر مسئله منحصر در صلح عمومی باشد نتائج عظیمه چنان که منظور و مقصود است حصول نیابد." (۳۷)

شاخص چهارم مبادی اجتماعی دامنه شمول " جهانی" دارند

حضرت بهاءالله می فرمایند، قوله تعالی:

" این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینهٔ نبوده و نیست. باید اهل عالم طرّاً به آنچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند تا به آزادی حقیقی فائز شوند." (۳۸)

بر این اساس است که دیانت بهائی، نظم بهائی و نتیجتاً مبادی اجتماعی دیانت بهائی، جهانی است زیرا هدفش وحدت عالم انسانی و تحکیم مبانی اخوت و برادری در

بسیط زمین می باشد.(۳۹)

همچنین چون منشاء امر بهائی، الهی است، تعالیم مبارکه که فیض روح القدس است منطبق بر روابط ضروریهٔ منبعث از حقائق اشیاء بوده(۴۰) و متوجه به کلیهٔ آمال و نیازهای عالم انسانی(۴۱)، اعم از مادی و اقتصادی، عقلانی و فرهنگی، و روحانی و عاطفی می باشد.(۴۲)

گرچه در ادوار سابقه، سایر ادیان الهیه نیز توجهی خاص به کلیهٔ نیازهای انسانی داشته‌اند، اما نظر به عدم ارتباط بین ملل و اقوام (آن گونه که در این دور مبارک موجود است)، بناچار این توجه معطوف به مناطقی خاص از حدود جغرافیائی و لاجرم محدود به تعدادی معدود از افراد بشر بوده است. به همین دلیل نیز" در دوره‌های سابق هر چند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلی ائتلاف من علی الارض، غیرقابل قبول بود زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسهٔ عالم ارتباط و اتصال معدوم... لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم در یک نقطه اتّحاد و اتصال و تبادل افکار ممتنع و محال. اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسهٔ عالم حکم یک قطعه یافته... لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است..."(۴۳)

با توجه به همین روابط گستردهٔ بین ملل و اقوام است که این ظهور برخلاف ادیان سلف که جنبهٔ محلی، منطقه‌ای و ملی داشته‌اند، جنبهٔ جهانی دارد و هدف آن (بر اساس روابط ضروریهٔ منبعث از حقائق اشیاء در این دور) وحدت نوع بشر بر کرهٔ زمین تعیین گردیده است.

هر چند در این زمان برخی مکاتب مادی نیز مدعی هدایت نوع بشر به سوی سعادت هستند و عقاید و نظرات خود را جهانی می پندارند اما به لحاظ آن که اصولاً مکاتب غیرالهی توجهشان معطوف به نیازی خاص از نیازهای انسانی است، قادر به توجه به کلیهٔ جوانب وجودی انسانها و تأمین سعادت حقیقیهٔ عمومیه نمی باشند، زیرا " موجد این نهضت‌ها عقل محدود بشری است و زادهٔ اوهام... و غالباً محصول نقشه‌هائی نادرست است."(۴۴) بنا بر این بر این عقیده‌ایم که جهانی بودن با توجه به کلیهٔ نیازهای بشریت، خاص تعالیم امر مبارک است.

شاخص پنجم مبادی اجتماعی بهائی " بدیع" می باشند.

مبادی اجتماعی امر مبارک را به سبب دارا بودن دو خصوصیت الهی و جهانی در کنار یکدیگر، بدیع می دانیم. بدین مفهوم که چون تعالیم اجتماعی امر مبارک، الهی است، متوجه به کلیهٔ نیازهای بشری و از سوی دیگر تنها تعالیمی است که در سطح

جهانی متوجه به کلیهٔ نیازهای بشری می باشد، بنا بر این بدیع است.

امر بهائی اولین نهضت روحانی در تاریخ شش هزار سالهٔ بشری است که سعادت و وحدت کلیهٔ ابناء نوع بشر در جهان را هدف مستقیم و مصرّح خویش قرار داده است. اگرچه این هدف در سطح محدودتری یعنی به شکل وحدت ملی یا وحدت مدنی و یا وحدت عشیره و قبیله در ادیان سالفه منظور نظر بوده است لکن اتحاد جمیع ادیان و ملل و اجناس و طوائف هدف خاص امر بهائی بوده و برای نخستین بار در تاریخ بشری چنین هدف عالی و بزرگ در رأس و سرلوحهٔ تعالیم یک شریعت قرار می گیرد (۴۵)، بطوری که " اگر به دیدهٔ امانت و وفا بنگریم به یقین ملاحظه می کنیم امر حضرت بهاءالله که مقصد اقصایش اتحاد صوری و معنوی اقوام و ملل عالم است، آغاز دوران بلوغ نوع بشر محسوب می گردد." (۴۶) " آئین بهائی را نباید فقط ظهوری دیگر از ظهوراتی دانست که مقصدشان احیاء روحانی در سرنوشت دائم التغییر بشر بوده است، نباید آن را فقط دینی دیگر در سلسلهٔ ادیان شمرد که یکی بعد از دیگری ظاهر می شوند و نباید آن را حتّی به منزلهٔ اوج و ذروهٔ ادوار دورهٔ نبوت انگاشت، بلکه آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی ترین مرحلهٔ تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کرهٔ زمین" (۴۷) که همانا وحدت عالم انسانی است، دانست. و چنین مسئله‌ای، نه تنها در تاریخ ادیان بلکه در میان مکاتب اجتماعی و سیاسی نیز فرید و بی مثیل می باشد.

بر این اساس است که امر بهائی (۴۸)، نظم بهائی (۴۹) و مبادی و تعالیم اجتماعی این آئین نازنین را بدیع و بی نظیر و مثیل می دانیم.

هـ ـ هدف تعالیم و مبادی اجتماعی امر بهائی

" اصل وحدت عالم انسانی ... محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله است." (۵۰)

هدف تعالیم و مبادی اجتماعی امر بهائی، بطوری که در آثار مبارکهٔ جمال قدم (۵۱) و همچنین آثار حضرت عبدالبهاء (۵۲) و در توقیع حضرت ولی امرالله (۵۳) بیان گردیده است، عبارت از تأسیس وحدت عالم انسانی در جامعهٔ بشری می باشد و این بزرگترین هدفی است که تاکنون بنا به مقتضای زمان و رشد و تکامل عالم انسانی (۵۴) به جامعهٔ بشریت عرضه شده است.

امر بهائی، آئین وحدت است. آئینی که بر مبنای وحدت ذات اقدس الهی (وحدت حق) و وحدت مظاهر مقدسه (وحدت عالم امر)، در پی تحقّق وحدت عالم انسانی است. (۵۵) وحدت عالم انسانی که همانا تجلّی و انعکاس وحدت حق در عالم خلق است و بصورت وحدت

مادی و معنوی بین جمیع ملل و اقوام رخ خواهد گشود (۵۶)، به عنوان هدف اصلی و اساسی امر بهائی مطرح گردیده و بر این اساس، کلیهٔ تعالیم بهائی حول محور وحدت عالم انسانی طائف و درصدد تحقق آن می باشند. در واقع مبادی و تعالیم روحانی و اجتماعی این ظهور اعظم را می توان به مثابه اعمده و ارکان و لوازم و مصالح کاخ رفیع ـ البنیان مدنیت روحانی و جهانی شریعت مقدس بهائی دانست که بر فراز آن علم وحدت عالم انسانی در موج و اهتزاز است. (۵۷)

یادداشتها و مراجع:

۱ ـ نوزده هزار لغت

۲ ـ در نوزده هزار لغت، مبداء به صورت اصل، سبب، قاعده و روش که در عرف فارسی بیشتر به معنای آغاز و ابتدا و سرچشمه مصطلح است، تعریف شده، همچنین در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد ۳، مبداء به مفهوم آغاز، اصل و اساس آورده شده است.

۳ ـ اجتماع به معنای گرد آمدن، مجتمع، جمع شدن، فراهم آمدن، اتفاق کردن بر چیزی، گروه فراهم آمده، دسته‌ای که برای هدفی مشترک گرد هم جمع شوند می باشد (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد ۱)

۴ ـ فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد ۱

۵ ـ "اجتماعی" منسوب به اجتماع بوده و عبارت است از کاری که به اجتماع و همگی بستگی داشته باشد و آنچه مربوط به گروهی باشد که با هم زندگی می کنند. (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد ۱)

۶ ـ برخی از فضلای امر بهائی نیز، اصطلاح مبادی اجتماعی را در مورد برخی تعالیم مندرج در الواح منتخبات کتاب مستطاب اقدس، از جمله لزوم توجه به دین و جهت اتحاد آن، صلح اکبر، اهمّیّت مشورت و برقراری عدل بر دو رکن مجازات و مکافات، خط و زبان واحد، تعلیم و تربیت اطفال و لزوم کسب صنعت و اقتراف ... بکار برده‌اند. (رجوع شود به مقالهٔ منتخبات ام الکتاب، جناب وحید رأفتی، مندرج در آهنگ بدیع، سال ۳۱، شمارهٔ ۳۴۱)

۷ ـ حضرت ولی امرالله، توقیع مبارک ۱۰۵ بدیع، صفحهٔ ۲۰

۸ ـ جهت دریافت توضیحات بیشتر در این خصوص به نوار نظم اداری، شمارهٔ ۸، جناب هوشنگ محمودی رجوع شود.

۹ – تذکر این مطلب ضروری است که کتاب مستطاب اقدس ، صرفاً کتاب احکام نیست و شامل بسیاری موارد دیگر از جمله تعالیم و مبادی اجتماعی امر مبارک نیز می شود و در حقیقت می توان آن را اصل و منشاء کلیهٔ مبانی روحانی و اعتقادی امر مبارک دانست . از جمله تعالیم نازله در کتاب مستطاب اقدس ، تعلیم وحدت لسان و خط است که در خصوص آن می فرمایند ، قوله تعالی: " یا اهل المجالس فی البلاد اختاروا لغة من اللغات لیتکلم بها من علی الارض و کذلک من الخطوط ... هذا سبب الاتحاد لو انتم تعلمون و العلة الکبری للاتفاق و التمدن لو انتم تشعرون "

۱۰ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " ... احتیاج به تعالیم کلیّه است و آن تعالیم بهاء الله است که جامع جمیع تعالیم است . امروز هر نفسی اطلاع بر وصایا و نصایح بهاء الله یابد و الواح کلمات و تجلیات و اشراقات و طرازات و بشارات را بخواند ابداً از برای او شبهه نماند که این تعالیم رزق امروز عالم انسانی است و سبب حیات ابدی است ." (مکاتیب مبارکه ، جلد ۳، صفحهٔ ۴۵۳)

۱۱ – فی المثل در لوح مبارک دنیا در خصوص تعلیم وحدت لسان و خط می فرمایند ، قوله الاعلی: " باید لغات ، منحصر به لغت واحده گردد و در مدارس عالم به آن تعلیم دهند ." (لوح دنیا ، مندرج در دریای دانش ، صفحهٔ ۹۱)

و همچنین در کلمات فردوسیه به ترک افتخارات و تعصبات وطنی اشاره می فرمایند ، قوله تعالی: " این یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است . از افتخار که سبب اختلافست بگذرید و به آنچه علت اتفاقست توجه نمائید . نزد اهل بهاء ، افتخار به علم و عمل و اخلاق و دانش است نه به وطن و مقام " (کلمات فردوسیه ، ورق هفتم ، مندرج در نبذة من تعالیم حضرت بهاء الله ، صفحات ۵۳ – ۵۲)

۱۲ – مثلاً در خصوص حکمت های تعلیم صلح اکبر ، در لوح مبارک دنیا چنین نازل ، قوله الاعلی: " باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود . این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اشّ زحمت و مشقت است ." (لوح دنیا ، مندرج در دریای دانش ، صفحهٔ ۹۱)

۱۳ – از جمله در مورد طریق تحقق تعلیم وحدت لسان و خط در لوح مبارک مقصود می فرمایند ، قوله تعالی: "... باید جمیع ملل ، نفوسی معین نمایند از اهل ادراک و کمال ، تا مجتمع شوند و به مشاورت یکدیگر یک لسان اختیار کنند ، چه از السن مختلفهٔ موجوده و چه لسان جدید تازه اختراع نمایند و در جمیع مدارس عالم ، اطفال را به آن تعلیم دهند ." (لوح مقصود ، مندرج در دریای دانش ، صفحهٔ ۱۷)

۱۴ – جهت دریافت توضیحات مبسوط در مورد مبادی و تعالیم اجتماعی امر مبارک و

همچنین مواضیع متنوعهٔ موجود در خطابات مبارکه ، به قسمت معرفی منبع مطالعه مندرج در همین جزوهٔ درسی مراجعه شود .

۱۵ ـ در این خصوص به خطابات مبارکه ، جلد ۱، صفحات ۳۴ ـ ۳۰ و جلد ۲، صفحات ۷ ـ ۵، ۱۵۱ ـ ۱۴۴ ، ۲۳۲ ـ ۲۲۴ و مکاتیب مبارکه ، جلد ۳ ، صفحات ۶۹ ـ ۶۷ ، ۱۱۸ ـ ۱۰۲ (لوح لاهه)، ۲۷۶ ، ۳۳۴ ـ ۳۳۲ رجوع شود .

۱۶ ـ فی المثل در مورد مبنای اعتقادی تعلیم تساوی حقوق رجال و نساء در خطابهٔ مبارک در کلیسای موحدین دوبلین مورخ ۱۱ آگوست ۱۹۱۲ مطابق با ۲۸ شعبان ۱۳۳۰ ـ مندرج در خطابات مبارکه ، جلد ۲ ، صفحات ۲۲۳ ـ ۲۱۲ ، می فرمایند : " دیگر آن که خدا جمیع را یکسان خلق کرده حضرت بهاء الله اعلان مساوات رجال و نساء فرمود که مرد و زن هر دو بندگان خدا هستند و کل بشر ودرحقوق متساوی ، نزد خدا مردی وزنی نیست ، هر کس اعمالش بهتر و ایمانش بهتر ، در درگاه الهی مقرب تر است در عالم الهی ذکور و اناث نیست ." (صفحات ۲۲۰ ـ ۲۱۹)

۱۷ ـ از جمله به تقالید و عواقب آن (خطابات مبارکه ، جلد ۱ صفحهٔ ۶۶ و جلد ۲ صفحات ۱۴۵ ـ ۱۴۴ ، ۱۶۳ و ۲۱۹ ـ ۲۱۸ و ...)، تعصبات و اثرات سوء آن (خطابات مبارکه ، جلد ۱ ، صفحهٔ ۱۵۹ و جلد ۲ صفحات ۱۴۷، ۲۱۸ و ۲۵۳ و مکاتیب مبارکه جلد ۳ صفحات ۶۶، ۶۸ و ۱۰۶ ـ ۱۰۴ و ...) ، افزایش و ترقی آلات حرب (خطابات مبارکه ، جلد ۱، صفحات ۹۵ ، ۱۸۵ و ۱۹۴ و مکاتیب مبارکه جلد ۳ صفحات ۱۰۸ و ۲۸۵) جنگ و جدال و عواقب آن (خطابات مبارکه ، جلد ۱، صفحهٔ ۴۱ و جلد ۲ صفحهٔ ۴۴ و مکاتیب مبارکه ، جلد ۳، صفحات ۶۶ ـ ۶۵ ، ۱۱۵ ، ۱۲۰ ـ ۱۱۹ ، ۲۵۹ و ۲۸۵ ـ ۲۸۴ و ...) و بسیاری موارد دیگر اشاره می فرمایند .

۱۸ ـ از جمله طرق حل و رفع مشاکل و بیماریهای عالم، توجه به خدا و تمسک به دین (خطابات مبارکه ، جلد ۱، صفحهٔ ۶۶)، اجرای تعالیم الهیه (خطابات مبارکه ،جلد ۱، صفحات ۱۰۶ ـ ۱۰۵ و مکاتیب مبارکه ، جلد ۳، صفحات ۵۹ ، ۶۲ ، ۱۱۰ و ۲۵۰ و ...)، صرف علم در خیر عمومی و صلح و صلاح (خطابات مبارکه ، جلد ۱، صفحهٔ ۷۱) و اساساً تعالیم و مبادی اجتماعی امر مبارک را به عنوان داروی درمان بخش دردهای عالم معرفی فرموده و به شرح و بسط آنها می پردازند .

۱۹ ـ فی المثل در خصوص طرق تحقق تعدیل معیشت در نطق مبارک در پاریس مورخ ۲۵ ذی قعده سنهٔ ۱۳۲۹ مطابق با ۱۶ نوامبر ۱۹۱۱، مندرج در خطابات مبارکه جلد ۱ صفحات ۱۷۳ ـ ۱۷۰ ، می فرمایند : " نفس اغنیاء باید خودشان زیادی مال خود را به فقراء انفاق کنند و همچنین قوانین مملکت باید نوعی باشد که به موجب شریعت الله

هرگونه آسایش داشته باشد." (صفحهٔ ۱۷۳)

و همچنین در مورد طریق تحقق تعلیم صلح عمومی در رسالهٔ مدنیه می فرمایند :

" بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم عَلَم افرازد که جند ملوک بزرگوار بلندهمت چون آفتاب رخشندهٔ عالم غیرت و حمیت به جهت خیریت و سعادت عموم بشر به عزمی ثابت و رأیی راسخ قدم پیش نهاده و مسئلهٔ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و به جمیع وسائل و وسائط تشبث نموده، عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهدهٔ قویّه و میثاق و شروط محکمهٔ ثابته تأسیس نمایند و اعلان نمودهٔ باتفاق عموم هیأت بشریه مؤکد فرمایند... و در این معاهدهٔ عمومیه تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط و ضوابط مابین هیأت حکومتیهٔ بشریه مقرر و معین گردد و کذلک قوهٔ حربیهٔ هر حکومتی بحدی معلوم مخصص شود... باری اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کل دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیأت بشریه به کمال قوت بر تدمیر آن حکومت برخیزد."

۲۰ ـ از جمله در بیان ارتباط تعالیم وحدت تربیت، وحدت رجال و نساء و استقرار صلح در خطابهٔ مبارک در کلیسای موحدین فیلادلفیا مورخ ۸ جون ۱۹۱۲ مطابق با ۲۲ جمادی الاخر ۱۳۳۰ مندرج در خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحات ۱۳۸ ـ ۱۲۹ می فرمایند :

" همین طور حضرت بهاءالله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجالاً و نساءً، دختر و پسر تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تام بین بشر حاصل شود و چون نوع بشر یک نوع تعلیم یابد وحدت رجال و نساء اعلان گردد. بنیان جنگ وجدال برافتد و بدون تحقّق این مسائل ممکن نیست زیرا اختلاف تربیت مورث (موجب) جنگ و نزاع، مساوات حقوق بین ذکور و اناث مانع حرب و قتال است زیرا نسوان راضی به جنگ و جدال نشوند..." (صفحات ۱۳۶ ـ ۱۳۵)

۲۱ ـ فی المثل در خصوص تأثیر ترک تقالید و تحری حقیقت در تحقق اتحاد و اتفاق و وحدت عالم انسانی درخطابهٔ مبارک در فیلادلفیا مورخ ۸ جون ۱۹۱۲ مطابق با ۲۲ جمادی الاخر ۱۳۳۰، مندرج در خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحات ۱۵۱ ـ ۱۳۸، می فرمایند :

" اول تعلیم حضرت بهاءالله، تحری حقیقت است باید انسان تحری حقیقت کند و از تقالید دست بکشد زیرا ملل عالم هر یک تقالیدی دارند و تقالید مختلف است واختلاف تقالید سبب جنگ و جدال شده است و تا این تقالید باقی است وحدت عالم انسانی

مستحیل است پس باید تحری حقیقت نمود تا به نور حقیقت ، این ظلمات زائل شود ، زیرا حقیقت ، حقیقت واحده است تعدّد و تجزّی قبول نکند و مادامی که حقیقت تجزی و تعدد قبول نکند اگر جمیع ملل تحری حقیقت کنند شبههٔ نیست که کل متحد ومتفق شوند ." (صفحات ۱۴۵ ـ ۱۴۴)

همچنین در مورد نقش وحدت لسان در تحقق اتحاد و اتفاق در نطق مبارک درمونترال مورخ اول سپتامبر ۱۹۱۲ مطابق با رمضان ۱۳۳۰، مندرج در خطابات مبارکه ، جلد ۲، صفحات ۲۳۲ ـ ۲۲۴، می فرمایند : " سابعاً وحدت لسان لازم است که لسانی ایجاد نمایند که جمیع بشر تحصیل آن لسان نمایند پس هر نفسی محتاج دو لسان است یکی خصوصی یکی عمومی تا جمیع بشر زبان یکدیگر بدانند و به این سبب سوء تفاهم بین ملل زائل شود زیرا جمیع یک خدا را می پرستند کل بندگان یک خداوندند سوء تفاهم سبب این اختلافات است چون زبان یکدیگر را بدانند سوء تفاهم نماند جمیع با هم الفت ومحبت نمایند شرق و غرب اتحاد و اتفاق کنند ." (صفحهٔ ۲۳۰)

و نیز در مورد تأثیر تعلیم وحدت تربیت در تحقق وحدت عالم بشر در خطابهٔ مبارک در فیلادلفیا مورخ ۸ جون ۱۹۱۲ مطابق با ۲۲ جمادی الاخر ۱۳۳۰ مندرج در خطابات مبارکه جلد ۲ صفحات ۱۵۱ ـ ۱۳۸ ، می فرمایند : " تربیت عموم لازم است و وحدت اصول و قوانین تربیت نیز از ألزم امور تا جمیع بشر تربیت واحده گردند یعنی تعلیم و تربیت در جمیع مدارس عالم باید یکسان باشد اصول وآداب یک اصول و آداب گردد تا این سبب شود که وحدت عالم بشر از صغر سن در قلوب جای گیرد ." (صفحهٔ ۱۴۸)

۲۲ ـ با استناد به خطابات مبارکه جلد ۱ صفحات ۳۴ ـ ۳۰ و جلد ۲ صفحات ۷ ـ ۵ ، ۱۵۱ ـ ۱۴۴ و ۲۳۲ ـ ۲۲۴

۲۳ ـ نکتهٔ قابل ذکر آن که نباید تعالیم و مبادی اجتماعی امر مبارک را محدود به این موارد نمود چرا که صرف نظر از برخی تعالیم اجتماعی دیگر که در متممات کتاب مستطاب اقدس (در این خصوص به مقالهٔ متممات ام الکتاب ، جناب وحیدرأفتی، مندرج در آهنگ بدیع ، سال ۳۱، شمارهٔ ۳۴۱ مراجعه شود) و سایر آثار حضرت بهاءالله نازل شده و همچنین در الواح و آثار دیگر حضرت عبدالبهاء تبیین گردیده، موارد دیگری نیز در خطابات مبارکه موجود است . در این تقسیم‌بندی ، صرفاً تعالیمی که اهم از سایر موارد بوده و بیش از بقیهٔ تعالیم توضیح داده و تشریح شده‌اند ، مورد نظر قرار گرفته است .

۲۴ ـ این تقسیم‌بندی همچنین مورد توجه بعضی فضلای امر از جمله جناب اشراق خاوری در کتاب پیام ملکوت و جناب احمد یزدانی در رسالهٔ مبادی روحانی، قرار گرفته‌است .

۲۵ ـ حضرت ولی امرالله می فرمایند: " ... انبیای الهی مظاهر مقدسه که من بعد در این کور جلیل متتابعاً مبعوث می گردند و بعضی از آنان مانند انبیای اولوالعزم از پیشینیان صاحب کتاب و شارع شرع جدید و بعضی دیگر مانند انبیای بنی اسرائیل که در ظل شارعین آلهیه مستظلند کل من دون استثناء به منزلهٔ قمر مقتبس از نور آن آفتابند و مستمد و مستفیض از فیض نیر اعظم ..." (توقیع ۱۰۵، صفحهٔ ۱۴)

و نیز می فرمایند: " مظاهر آنیه نیز که پس از اشراق شمس الشموس از مطلع اعظم ابهی در این عالم ادنی مبعوث می گردند در مدت پانصد هزار سال او أزْید کل .... مقتبس از آن نورالانوار و طائف حول آن حقیقة الحقایق و مستمد از آن بحرالبحور خواهند بود. الی ان یتم الله نوره و یخرج من بطون هذا الکور اللمع الامنع الخطیر ما اراده و یظهر فی حیز الوجود کل ما قدره من خفیات هذا الامر الاعظم الاوعر العزیز." (توقیع ۱۰۵، صفحهٔ ۱۶)

۲۶ ـ اقتباس و تلخیص از مقالهٔ خصوصیات کلی مبادی روحانی بهائی ـ جناب بخت آور، مندرج در ترانهٔ امید، سال ۳۰ ، شمارهٔ هفتم، صفحات ۲۴۲ ـ ۲۳۹

۲۷ ـ حضرت ولی امرالله ـ توقیع عصر ذهبی امر بهائی ـ مندرج در مجموعه نظم جهانی بهائی ـ ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم صفحهٔ ۴۷

۲۸ ـ حضرت عبدالبهاء در این خصوص می فرمایند: " اول تعلیم او وحدت عالم انسانی است فرمود همه بندگان یک خداوندند و در ظلّ یک مربی حقیقی" (خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحهٔ ۵) و نیز می فرمایند: " حضرت بهاءالله از افق شرق ظاهر گشت و اعلان وحدت فیوضات الهیه و وحدت انسانیه فرمود که جمیع بشر بندگان یک خداوندند و جمیع از فیض ایجاد الهی وجود یافته..." (خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحهٔ ۱۳۲) وهمچنین: " حضرت بهاءالله... اولاً اعلان وحدت عالم انسانی فرمود که جمیع خلق بندگان خداوندند و جمیع ادیان در ظلّ رحمت یزدان ، خدا به جمیع مهربان است جمیع را دوست می دارد جمیع انبیاء در نهایت الفت بودند کتب آسمانی تأیید یکدیگر می نماید با وجود این چرا باید بین بشر نزاع و جدال باشد..." (خطابات مبارکه، جلد ۲، صفحهٔ ۲۲۶)

۲۹ ـ گوستاو لبن در کتاب آراء و عقاید، فرق بین علم و اعتقاد را که اولی جنبهٔ ادراکی و دومی جنبهٔ انفعالی دارد، مفصلاً توضیح داده است . همچنین این بحث در کتاب اخلاق و شخصیت جان دیوئی تحت عنوان فرق علم و میل و نیز در کتاب نوامیس اندیشه جناب بخت آور آمده است .

۳۰ ـ مثلاً کسی که فکر می کند صلح مفید است با کسیکه به صلح ایمان و اعتقاد قلبی

دارد متفاوت می باشد زیرا در حالت اول ممکن است هیچ نوع فداکاری برای تحقق صلح دیده نشود اما در حالت دوم، کسی که به صلح ایمان قلبی دارد حاضر است بخاطر اثبات اصالت و حقانیت این آرمان و تحقق آن در عالم بشری به خدمت و فداکاری قیام نموده و حتی جان و مال خود را نثار این مقصد عظیم و جلیل نماید. به همین جهت است که حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " صلح جوئی ما منبعث از افکار نیست بلکه امریست اعتقادی و دینی" (مکاتیب مبارکه ، جلد ۴ ، صفحهٔ ۲۰۱)

و نیز می فرمایند: " امروز صلح عمومی در بین بشر فوائدش مسلم است و مضرات جنگ در نزد کل معلوم و محتوم ولی در این قضیه به دانستن کفایت نمی شود قوهٔ تنفیذ به می خواهد تا در جمیع عالم اجباری گردد شما در فکر این باشید که یک قوهٔ مجبرهٔ وجدانی در میان آید تا این مقصد جلیل از حیّز تصور به حیّز تحقق آید، این معلوم است بواسطهٔ احساسات عادیه تنفیذ این امر عظیم ممکن نه بلکه احساسات شدیدهٔ روحانیه می خواهد تا از قوه به فعل آید." (مکاتیب مبارکه، جلد ۴)

در این خصوص همچنین مراجعه شود به سایر قسمتهای لوح لاهه مندرج در مکاتیب مبارکه جلد ۳ ، صفحات ۱۱۸ - ۱۰۰ و بیانیهٔ وعدهٔ صلح جهانی معهد اعلی

۳۱ - حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " صلح عمومی امری است عظیم ولکن وحدت وجدان لازم است تا اساس این امر عظیم گردد." (لوح لاهه ، مندرج در مکاتیب مبارکه ، جلد ۳ ، صفحهٔ ۱۰۲)

۳۲ - زیرا اگر در آن عمق اعتقادی وجود نداشته باشد و تنها بوسیلهٔ قوهٔ مجریه اعمال شود، حالت ناپایدار داشته و با از بین رفتن قوهٔ مجریهٔ خارجی، آن نظم نیز از بین خواهد رفت. به همین جهت معهد اعلی در خصوص تحقق صلح جهانی می فرمایند: " اول آن که منسوخ کردن جنگ تنها به امضاء قراردادها و عقدمعاهدات وابسته نیست بلکه به اقداماتی معضل و پیچیده بستگی دارد که مستلزم یک نوع تعهد و اهتمام جدید در حل مسائلی است که معمولاً کمتر کسی آنها را مسائلی مربوط به حصول صلح جهانی می شمارد. اساساً حصول امنیت اجتماعی فقط بر مبانی پیمانهای سیاسی، خیالی واهی و باطل است. دیگر آن که اول و الزم قدم در راه حل مسائل مربوط به صلح جهانی آن است که موضوع صلح از مرحلهٔ صرفاً عملی و اجرائی باید به سطحی بالاتر یعنی توجه به موازین اخلاقی و اصولی ارتقاء داده شود، زیرا جوهر صلح و آرامش چکیدهٔ یک امر درونی است که با مفاهیم روحانی و معتقدات معنوی تقویت می گردد و فقط با بکار بستن این مفاهیم و معتقدات است که راه حل ثابت و استواری را برای تأمین صلح جهانی می توان پیدا کرد. (بیانیهٔ وعدهٔ صلح جهانی)

۳۳ ـ حضرت عبدالبهاء ، خطابات مبارکه ، جلد ۱ ، صفحهٔ ۱۵۹ و جلد ۲ صفحات ۲۱۸ ، ۲۵۳

۳۴ ـ حضرت عبدالبهاء ، خطابات مبارکه ، جلد ۱ ، صفحهٔ ۶۶ و جلد ۲ صفحات ۱۴۵ ـ ۱۴۴ ، ۱۶۳ ، ۲۱۹ ـ ۲۱۸ و ...

۳۵ ـ حضرت عبدالبهاء در این خصوص می فرمایند : " اما ظهور حقیقت کاشف این ظلمات است و سبب وحدت اعتقاد ، زیرا حقیقت تعدد قبول نکند ." (خطابات مبارکه ، جلد ۱ ، صفحهٔ ۳۱) و نیز می فرمایند : " چون حقیقت یکیست تعدد قبول نمی کند ، لهذا افکار مختلفه منتهی به فکر واحد گردد ." (لوح لاهه ، مندرج در مکاتیب مبارکه ، جلد ۳، صفحهٔ ۱۰۳)، همچنین مراجعه شود به خطابات مبارکه جلد ۱ صفحهٔ ۶۶ و جلد ۲ صفحهٔ ۱۴۵ .

۳۶ ـ اقتباس و تلخیص از مقالهٔ خصوصیات کلی مبادی روحانی بهائی ـ جناب بخت آور مندرج در ترانهٔ امید ، سال ۳۰ ، شمارهٔ هفتم ، صفحات ۲۴۲ ـ ۲۳۹

۳۷ ـ حضرت عبدالبهاء ، لوح لاهه ، مندرج درمکاتیب مبارکه ، جلد ۳، صفحات ۱۱۰ ـ ۱۰۹

۳۸ ـ حضرت بهاءالله ، لوح مبارک دنیا ، مندرج در مجموعه الواح مبارکه ، طبع مصر ، صفحهٔ ۲۹۱ و دریای دانش ، صفحهٔ ۹۰

۳۹ ـ حضرت ولی امرالله در این خصوص می فرمایند : " امری که حضرت بهاءالله اعلان فرمود ... ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعهٔ متحدالمرام عالمگیر است که در میقات معین تأسیس نماید ." (توقیع تولد مدنیت جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم ، صفحهٔ ۱۵۴)

۴۰ ـ حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " مظاهر کلیهٔ الهیه مطلع بر حقائق اسرار کائناتند لهذا شرایعی تأسیس نمایند که مطابق و موافق حال عالم انسانست زیرا شریعت روابط ضروریه است که منبعث از حقائق کائناتست " (مفاوضات ، صفحهٔ ۱۱۹)

۴۱ ـ حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " حال تعالیم حضرت بهاءالله چنین است که منتهی آرزوی جمیع فرق عالم چه از فرق دینی و چه از فرق سیاسی و چه از فرق اخلاقی ، چه از فرق قدیمه و چه از فرق حدیثه کل نهایت آرزوی خویش را در تعالیم حضرت بهاءالله می یابند مثلا اهل ادیان در تعالیم بهاءالله تأسیس دین عمومی می یابد که در نهایت توافق با حال حاضره است فی الحقیقه هر مرض لاعلاج را علاج فوریست و هر دردی را درمان و هر سمّ نقیع را درمان اعظم است ... اساس اصلی جمیع ادیان الهی که تعلق به فضائل عالم انسانی دارد و سبب سعادت عالم بشر است در تعلیمات حضرت بهاءالله به نحو اکمل موجود و همچنین مللی که آرزوی حریت نمایند حریت معتدله که کافل سعادت عالم انسانیست و ضابط روابط عمومی درنهایت قوت و وسعت

در تعالیم حضرت بهاءالله موجود، و همچنین حزب سیاسی آنچه اعظم سیاست عالم انسانیست بلکه سیاست الهی در تعالیم حضرت بهاءالله موجود و همچنین حزب مساوات که طالب اقتصاد است. الی الان جمیع مسائل اقتصادیه از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرا نه مگر مسائل اقتصادیه که در تعالیم حضرت بهاءالله قابل الاجراست و از آن اضطرابی در هیئت اجتماعیه حاصل نگردد و همچنین سایر احزاب. چون به نظر عمیق دقت نمائید ملاحظه می کنید که نهایت آرزوی آن احزاب در تعالیم بهاءالله موجود. این تعالیم قوهٔ جامعه است در میان جمیع بشر و قابل الاجرا" (لوح لاهه، مندرج در مکاتیب مبارکه، جلد ۳، صفحات ۱۱۱ - ۱۱۰)، همچنین مراجعه شود به لوح دکتر فورال، مندرج در مکاتیب مبارکه، جلد ۳، صفحات ۴۹۰ - ۴۸۹

۴۲ - جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به نوار لزوم دین، شمارهٔ ۳۹، جناب بخت آور مراجعه شود.

۴۳ - حضرت عبدالبهاء، مکاتیب مبارکه، جلد ۱، صفحات ۳۵۷ - ۳۵۶

۴۴ - حضرت ولی امرالله، توقیع عصر ذهبی امر بهائی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۷۵

۴۵ - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "... موازینی که در اعلان مهیمن حضرت بهاءالله راجع به وحدت عالم انسانی مصرح است ... از خصوصیات بارز و ممتاز امرش به‌شمار می رود." (توقیع هدف نظم بدیع جهانی، ترجمهٔ جناب جمشید فنائیان، موسسهٔ ملی مطبوعات امری، ۱۳۳ بدیع)

۴۶ - حضرت ولی امرالله، توقیع تولد مدنیت جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۱۰۱

۴۷ - حضرت ولی امرالله، توقیع تولد مدنیت جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۱۰۱

۴۸ - حضرت ولی امرالله می فرمایند: "باید دانست که حضرت بهاءالله فقط روحی جدید در کالبد بیجان عالم امکان ندمیده و فقط کلیاتی را از اصول عمومی بیان ننموده و فقط فلسفهٔ مخصوصی را عرضه نفرموده است. بلکه علاوه بر آنها حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، یک سلسله قوانینی را وضع و موسسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمهٔ تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده‌اند و چنین امری در ادیان گذشته هرگز سابقه نداشته است." (توقیع ملاحظات بیشتر در بارهٔ نظم جهانی آرای الهی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۲۵)

۴۹ ـ حضرت ولی امرالله می فرمایند: " قیاس این نظم فرید الهی با نظامات متنوعه‌ای که عقول بشری در ادوار مختلفهٔ تاریخیه برای ادارهٔ موسسات خویش ایجاد کرده است کاملا خطاست نفس این قیاس به خودی خود می رساند که به شأن و منزلت صنع بدیع موسس عظیم الشانش پی نبرده‌ایم و چون درنظر آریم که این نظم بدیع عینا همان مدنیت الهیه‌ایست که شریعت غرای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد، البته چنین مقایسه‌ای را جائز نشماریم. هیچ یک از انظمهٔ مختلفه و دائم التغییر بشری چه در گذشته و چه در حال چه شرقی و چه غربی علائم مشخصه‌ای که بوسیلهٔ آن بتوان استحکام اساس و قدرت فضائل مکنونه در آنها را سنجید ارائه نمی دهند."
(توقیع مبارک دور بهائی ، صفحهٔ ۹۰)

۵۰ ـ حضرت ولی امرالله ، توقیع هدف نظم بدیع جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم ، صفحهٔ ۵۹

۵۱ ـ حضرت بهاءالله می فرمایند، قوله تعالی:" دین الله و مذهب الله از برای حفظ اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است." و نیز می فرمایند:" نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد... این مقصد سلطان مقاصد و این امل ملیک آمال است " (از بیانات حضرت بهاءالله ، نقل توسط حضرت ولی امرالله در توقیع تولد مدنیت جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم ،صفحهٔ ۱۶۴)

۵۲ ـ حضرت عبدالبهاء می فرمایند:" در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود... اما در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسانست "(از بیانات حضرت عبدالبهاء ، نقل توسط حضرت ولی امرالله در توقیع هدف نظم بدیع جهانی،مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۵۰)

۵۳ ـ حضرت ولی امرالله می فرمایند:" ... امر حضرت بهاءالله... مقصد اقصایش اتحاد صوری و معنوی اقوام و ملل عالم است." (توقیع تولد مدنیت جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۱۰۱)

۵۴ ـ حضرت ولی امرالله می فرمایند:" قرون طفولیت و صباوت بشر اکنون گذشته ودیگر بازنخواهد گشت در حالیکه قرن عظیم آینده که نتیجهٔ تمام قرون و نشانهٔ بلوغ تمام نوع بشر است باید در آینده ظاهر شود... در آن قرن اختلاف و انشقاق ابناء بشر جای خود را به صلح و آشتی عمومی و وحدت کامل عناصر مختلفهٔ متشکلهٔ جامعهٔ

انسانی واگذار خواهدکرد. این در حقیقت اوج شایستهٔ سیر کمالی خواهد بود که از خانواده یعنی کوچکترین واحد در مراتب تشکیلات جامعهٔ بشری شروع شده و باید پس از آن که متتابعاً قبیله و شهر و ملت را بوجود آورد عملیات خود را ادامه داده منجر به وحدت تمام عالم انسانی گردد که آخرین منظور و تاج افتخار تکامل انسانی در این سیاره است." (توقیع قد ظهر یوم المیعاد، قرن عظیم آینده) ، همچنین مراجعه شود به توقیع تولد مدنیت جهانی ، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحات ۱۶۴ ـ ۱۶۳ و نیز توقیع هدف نظم بدیع جهانی، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه واقتباس جناب هوشمندفتح اعظم ، صفحهٔ ۶۰

۵۵ ـ جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص به نوار وحدت در کثرت ، شمارهٔ ۶۱، جناب دکتر داودی ، مراجعه شود.

۵۶ ـ در این خصوص رجوع شود به بیانات حضرت ولی امرالله در توقیع تولد مدنیت جهانی ، مندرج در مجموعهٔ نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم، صفحهٔ ۱۰۱ و همچنین یادداشت شمارهٔ ۵۴ در همین قسمت .

۵۷ ـ جهت دریافت توضیحات بیشتر در این خصوص به مقالهٔ وحدت عالم انسانی، جناب دکتر مجذوب ، مندرج در آهنگ بدیع ، سال ۱۹، شماره‌های ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ و ۱۲ مراجعه شود.

ضمیمهٔ ۲

سؤالات خطابات مبارکه جلد اول

صفحات هفته اول :

۳ | ۱ – حضرت عبدالبهاء نبوت را به آینه تشبیه فرموده‌اند. تشابه نبوت و آینه در چیست؟ توضیح دهید.

۴ – ۶ | ۲ – چرا حقیقت الوهیت مقدس و منزه از ادراک انسان است؟

۵ | ۳ – با ذکر شواهدی توضیح دهید تفاوت مراتب مانع از ادراک ما فوق است.

۶ | ۴ – انسان جامع چه کمالاتی است؟ نام ببرید.

۱۲ | ۵ – تبیین حضرت عبدالبهاء از علت ارسال رسل و انبیاء چیست؟

هفته دوم :

۱۶ – ۱۷ | ۶ – کدام سرور و گشایش ابدی است و چه سروری موقت است؟ چرا؟

۱۸ | ۷ – حضرت عبدالبهاء از چه جهت تیا سوفی ها را مقبول درگاه احدیت می دانند؟

۱۸ – ۱۹ | ۸ – اساس تعالیم الهی چیست و نقش حضرت بهاءالله در این امر چه بود؟

۱۸ – ۱۹ | ۹ – بر اساس چه شواهدی می توان بیان کرد که اساس تعالیم الهی وحدت عالم انسانی است؟

۲۰ | ۱۰ – تعصبات مورث چیست و اساس چه امری می باشد؟

۲۰ | ۱۱ – حیات عالم چیست؟

۲۰سطر۱۹ | ۱۲ – مبنای اعتقادی تعلیم " اساس ادیان الهی یکی است " چیست؟

۲۲ | ۱۳ – مفهوم این شعر را بیان نمائید: " چرخ گردون کین چنین نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی."

۲۴ – ۲۵ | ۱۴ – چگونه تعلیم " اساس ادیان الهی یکی است " سبب ایجاد وحدت و یگانگی بشر می گردد؟

۲۵ | ۱۵ – جمال مبارک با تحمل شداید و بلایا تمام عمرشان را صرف چه کردند؟

۲۶ | ۱۶ – به چه دلیلی الوهیتی که از مدرکات عالم انسانی است تصورات خیالیه محض است؟

۲۶ – ۲۸ | ۱۷ – چرا حقیقت الوهیت مقدس از ادراک بشر است؟ (۳ دلیل)

۲۷ | ۱۸ – چرا حیوان هر چه در رتبه خویش ترقی نماید باز از قوهٔ عاقله انسان خبر ندارد؟

۲۸ | ۱۹ – حضرت عبدالبهاء فرد کامل را به چه تشبیه می فرمایند؟ توضیح دهید.

۲۹–۳۰	۲۰	خصوصیت " لزوم ذاتی" چیست ؟ مثال بزنید .
۳۰	۲۱	لزوم ذاتی عالم امکان چیست و چگونه می توان لزوم استمرار مظاهر مقدسه را از آن نتیجه گرفت ؟
۳۰–۳۱	۲۲	نتیجه تشبّث جمیع ملل به تقالیدی عامیانه چیست ؟
۳۰	۲۳	در چه شرایطی حضرت بهاءالله اظهار امر فرمودند؟
۳۰–۳۱	۲۴	چرا تعلیم تحرّی حقیقت سبب وحدت اعتقاد است ؟
۳۱	۲۵	نتایج تحرّی حقیقت را نام ببرید . چرا منتج به این نتایج می شود؟
۳۱	۲۶	وحدت عالم انسانی یعنی چه و چرا به وحدت عالم انسانی معتقدیم؟
۳۱	۲۷	" دین" اساس چیست ؟ چرا در غیر این صورت عدم آن بهتر از وجودش است؟
۳۱–۳۲	۲۸	چرا دین و علم باید توأم باشند؟
۳۲	۲۹	توضیح دهید چرا " تعلیم" از فرائض دینی است ؟
۳۲	۳۰	انواع تعصبات را نام ببرید .
۳۲	۳۱	توضیح دهید به چه علت تعصبات دینی باطل است ؟
۳۲	۳۲	از جمله لوازم ذاتیه هیئت اجتماعیه چیست ؟ توضیح دهید .
۳۲–۳۳	۳۳	نتیجه تعلیم تعدیل معیشت چیست ؟ توضیح دهید .
۳۳	۳۴	تشکیل محکمه کبری از لوازم اجرای کدام تعلیم است ؟ طرز تشکیل و وظایف آن کدامست ؟
۳۳	۳۵	چرا دین از سیاست باید جدا باشد و وظیفه روسای ادیان در این خصوص چیست ؟
۳۳	۳۶	چرا تربیت و تعلیم و ترقی و رعایت و حرمت زنان باید صورت پذیرد؟
۳۳	۳۷	مدنیت روحانیه چگونه تأسیس می شود؟
۳۳	۳۸	چرا مدنیت مادیه به تنهائی کافی نیست وچه عاملی باید به آن منضم شود تا سبب سعادت انسان شود؟
۳۴	۳۹	جمالقدم در چه شرایطی تعالیم مبارکه را بنیان نهادند؟
۳۵	۴۰	آنچه درعالم معمور یا مطمور است هر یک از آثار چیست ؟
۳۶	۴۱	" وجود هر شئ فرع ترکیب است " بیان مبارک را توضیح دهید .
۳۶	۴۲	وجود و انعدام هر شئ منوط به چیست ؟ توضیح دهید .
۳۶	۴۳	چرا تجاذب و توافق اشیاء سبب حصول ثمره و نتایج مستفیده است وتنافر و تخالف اشیاء سبب انقلاب و اضمحلال است ؟ این مورد را در عالم انسانی تعمیم دهید .

۳۷–۳۹ ۴۴ – انواع اختلاف را توضیح داده و بنویسید کدامیک و تحت اثر چه عاملی نتایج مطلوب می دهد؟

۳۷ ۴۵ – با مثالی مشخص نمائید که الفت والتیام دلیل بر تربیت مربی حقیقی است.

۳۸ ۴۶ – چگونه با وجود آداب و رسوم و عادات و افکار و آراء و طبایع مختلفه وحدت حقیقی جلوه نماید؟

۳۹ ۴۷ – اکنون چه عاملی می تواند عقول و افکار و قلوب و ارواح انسانی را در ظل شجره واحده جمع نماید؟

۳۹ ۴۸ – نتایج طلوع شمس حقیقت چیست ؟

۴۰ ۴۹ – جمالقدم می فرمایند" همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار" تبیین مبارک حضرت عبدالبهاء در این خصوص را توضیح دهید. وظیفه احباء در این خصوص چیست ؟

۴۰ ۵۰ – الیوم مقرّب درگاه کبریا چیست ؟

۴۱ ۵۱ – حضرت عبدالبهاء وضعیت عالم از لحاظ صلح و آرامش را چگونه ترسیم می نمایند؟

۴۲–۴۳ ۵۲ – هیکل مبارک با توجه به مشکلات جهان و جنگ و جدال نوع انسان رئوس وظائف احباء را چه اموری بیان می فرمایند؟(حداقل ۶ مورد)

هفته سوم : ————————

۴۳ ۵۳ – چرا جسد محتاج روح است ؟

۴۴ ۵۴ – روح عالم امکان چیست ؟ اگر این روح نباشد عالم امکان چگونه است ؟

۴۴ ۵۵ – فرق مابین انسان و حیوان در چیست ؟ توضیح دهید.

۴۵ ۵۶ – عامل ظهور کمالات انسان چیست ؟ نتیجه محرومیت عالم انسان از آن چه می باشد؟

۴۵ ۵۷ – چرا حضرت مسیح می فرمایند" واگذارید مرده‌ها را تادفن کنند مرده‌ها "؟

۴۸ ۵۸ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند:" همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده لکن در غرب سطوع شدید یافته." مرکز میثاق با ذکر چه سابقه تاریخی این مطلب را مدلّل می فرمایند؟

۴۸–۴۹ ۵۹ – حضرت عبدالبهاء بر اساس چه شواهد تاریخی می فرمایند:" شما اعتماد به ملکوت ابهی داشته باشید بر لیاقت خود نظر مکنید."؟

۵۱ ۶۰ – اول معلمین و مروجین حقیقت چه کسانی هستند و در چه زمانی ظاهر می شوند؟ با توجه به شواهد تاریخی مطلب را شرح داده نتیجه‌گیری نمائید.

۵۳	۶۱ – حضرت عبدالبهاء با یادآوری تغییر فصول در عالم جسمانی می فرمایند: " روحانیات مطابق جسمانیات است " با استناد به بیان مبارک فصول روحانی را در مورد ادیان گذشته ذکر نمائید.
۵۴	۶۲ – چگونه دین که سبب حیات و دانائی بود علتی برای جهل ونفاق شد؟
۵۴	۶۳ – بنا به چه اصلی در عالم امکان "بعد از هر معموری مطموری است و بعداز هر آفتابی شب یلدائی"؟ مصداق آن در عالم ادیان چیست؟
۵۵	۶۴ – چرا جمعی از اهل معارف و علوم از دین بری شدند؟
۵۵	۶۵ – چرا اگر دین سبب اتحاد نشود عدمش بهتر از وجود است؟
۵۶–۵۷	۶۶ – اصل اعتقادی مشترک ادیان درمورد اینکه انسان به صورت و مثال الهی است در ادیان موسوی، مسیحی، اسلام، بهائی به چه صورت ذکرشده است؟
۵۷	۶۷ – ادراک فرع چیست؟ توضیح دهید.
۵۷–۵۸	۶۸ – آیا حقیقت الوهیت لذاته بذاته قابل درک است؟ چرا؟ (سه دلیل)
۵۷	۶۹ – ادراکات انسان درمورد حقیقت الوهیت چیست؟ چرا؟
۵۷–۵۸	۷۰ – با ذکر شواهدی توضیح دهید که تفاوت مراتب چگونه در ادراک تأثیردارد؟
۵۸	۷۱ – چرا از حضرت الوهیت فیض صادر می شود؟
۵۸	۷۲ – فیض الهی چگونه بر کائنات اشراق می نماید؟
۵۸–۵۹	۷۳ – چرا انسان نصیبش از فیض الهی بیشتر از سایر کائنات است؟
۵۹	۷۴ – " انسان جامع جمیع کمالات است " با استناد به بیانات مبارکه در این مورد توضیح دهید.
۵۹–۶۰	۷۵ – حضرت مسیح می فرمایند " الاب فی الابن " با استناد به بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء در این مورد توضیح دهید.
۶۰	۷۶ – چرا خداوند انسان را مأمور به شناسایی ذات حق ننموده است؟
۶۱سطر ۱۶	۷۷ – چه اصل اعتقادی ما را قادر می سازد که بکلی از تعصبات مختلفه، گذشته و با جمیع طوائف عالم محبت و مهربانی نمائیم؟
۶۴	۷۸ – الف: سبب حیات عالم انسانی، ب: اسباب سعادت بشر را ذکر نمائید.
۶۵	۷۹ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " محبت را روابطی لازم است. " هفت نوع محبت که از روابط مادی است را نام برده و بگوئید چرا این انواع محبت سبب محبت عمومی و اتحاد نمی شود؟
۶۶	۸۰ – چه چیز اعظم روابط و وسیله به جهت اتحاد است؟
۶۶	۸۱ – حاصل تقالید چیست؟

۶۶ | ۸۲ – چرا تحری حقیقت سبب اتحاد عالم می شود؟

۶۷ | ۸۳ – مرکز میثاق می فرمایند: " حقیقت این است که جمیع ملل عالم را بندگان الهی ببینند." طرق عملی چنین نگرشی را چگونه تبیین می فرمایند؟ (دوطریق)

۶۹ | ۸۴ – چرا " اعظم فضائل عالم انسانی علم است " ؟

۶۹ | ۸۵ – این بیان مبارک را توضیح دهید: " علم ... هر فردی از افراد انسانی را عبارت از جمیع بشر می کند."

۶۹ | ۸۶ – نتایج داشتن علم چیست ؟

۷۰ | ۸۷ – با ذکر شواهدی ثابت نمائید انسان حاکم بر طبیعت است .

۷۱ | ۸۸ – خرق عادت و هتک قوانین طبیعت توسط چه انجام می شود؟

۷۱ | ۸۹ – انسان از فضیلت علم چگونه باید استفاده کند؟

هفته چهارم : ———————

۷۲ | ۹۰ – محبت در عالم مادیات دارای چه خصوصیتی است ؟

۷۲–۷۳ | ۹۱ – از جمله وسائط محبت در عالم مادی روابط وطنی، سیاسی .... است . چرا هر یک از این روابط سبب محبت حقیقی و غیرمحدود نمی شوند؟

۷۲–۷۳ | ۹۲ – پنج نوع از انواع روابطی که سبب محبت مادی می شود را نام ببرید.

۷۳ | ۹۳ – مرکز میثاق می فرمایند: " محبت بی سبب حاصل نشود." سبب اصلی محبت و وحدت چیست ؟ چرا ؟

۷۴ | ۹۴ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " انسان اسیر مادیات نیست ." چه شواهدی را در این مورد ذکر می فرمایند؟

۷۴–۷۵ | ۹۵ – القای محبت در قلوب انسانها به چه وسیله باید باشد و نفوس را ازبرای که باید دوست داشت ؟

۷۶–۷۷ | ۹۶ – در انجیل می فرمایند: " هر وقت مسیح می آید سوار بر ابر است ." تبیین مبارک در مورد از آسمان آمدن مسیح و ابر بنویسید.

۷۹–۸۰ | ۹۷ – سبب اصلی اختلاف و جدال بین پیروان ادیان مختلف چیست ؟ چرا ؟ در جهت جلوگیری و از بین بردن آن چه باید نمود؟

۸۱ | ۹۸ – وقایع ازمنه سابقه را به چه میزان باید سنجید؟

۸۲ | ۹۹ – با توجه به بیانات مبارکه رئوس مطالبی که در قرآن در ارتباط با حضرت مریم آمده را ذکر نمائید.

۸۳ | ۱۰۰ – وضع مدنیت و تربیت قوم حضرت محمد در زمان مبعوث شدن ایشان به پیامبری چگونه بود؟ نتیجه تربیت روحانی ایشان را ذکر نمائید.

۸۵ – ۸۴	۱۰۱ – طریق عملی که برای رفع سوء تفاهم بین مسیحیان و مسلمین ارائه می فرمایند چیست ؟
۸۵	۱۰۲ – براهین اثبات حقانیت حضرت محمد بر اساس تبیین حضرت عبدالبهاء را ذکر نمائید .
۸۶	۱۰۳ – توضیح دهید کدام مطلب بود که منطوق صریح قرآن بود و جمیع فلاسفه و ریاضیون سلف برخطا رفتند؟
۸۷	۱۰۴ – حضرت عبدالبهاء چه دلائلی را در بطلان محاربه و جنگ در روی زمین بیان می فرمایند؟
۸۸	۱۰۵ – بر اساس تبیین حضرت عبدالبهاء اسباب سعادت عالم انسانی و عزت بشر چیست ؟
۸۹	۱۰۶ – چرا حصول صلح مقصد عظیمی است ؟ توضیح دهید .
۹۰	۱۰۷ – چرا تنزل حق در عالم خلق مستحیل است ؟ توضیح دهید .
۹۱	۱۰۸ – چهار مورد از فیوضات روح القدس را ذکر نمائید .
۹۲ – ۹۱	۱۰۹ – جمیع فیوضاتی که از عالم حق به عالم خلق می رسد به چه واسطه است ؟ اگر بطور مثال حق را آفتاب درنظر آریم این واسطه به منزلهٔ چیست ؟
۹۶ – ۹۵	۱۱۰ – چرا صرفاً از ترقی مادیه عالم انسانی سعادت صحیحه نمی یابد؟ توضیح دهید .
۹۷	۱۱۱ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند:" در انسان دو مقام است " (دوجنبه نفس) این دو مقام کدامند؟ توضیح دهید .
۹۸	۱۱۲ – تغییر احوال حواریون را قبل و بعد از ایمان به مسیح با هم مقایسه کنید .
۹۹	۱۱۳ – تورات و انجیل و قرآن و الواح مبارکه دلالت بر چه می کند؟
۱۰۰	۱۱۴ – تبیین حضرت عبدالبهاء از روح چیست ؟
۱۰۱ – ۱۰۰	۱۱۵ – بر اساس تبیین حضرت عبدالبهاء ارواح بر چند قسمند و فرق آنها چیست؟ توضیح دهید .
۱۰۳	۱۱۶ – چرا جمیع مظاهر الهیه یکی هستند؟
۱۰۳	۱۱۷ – " انسان حقیقی صورت و مثال الهی است ." منظور چیست ؟
۱۰۴ – ۱۰۳	۱۱۸ – توضیح دهید معلم اول عالم انسانی کیست ؟
۱۰۶	۱۱۹ – حضرت عبدالبهاء از بیان " تعالیم الهیه عبارت از هندسه و خریطهٔ بناست " . چه نتیجه‌ای می گیرند؟

۱۰۷ | ۱۲۰ – در قرآن می فرمایند: " و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس واللّه یحب المحسنین ." اولاً مفهوم آیه مبارکه چیست؟ ثانیاً حضرت عبدالبهاء با ذکر این آیه چه نتیجه‌گیری می فرمایند؟

۱۱۰ | ۱۲۱ – خداوند بشر را به جهت چه اموری خلق نموده است؟

۱۱۲ – ۱۱۱ | ۱۲۲ – با توجه به بیانات مبارکه توضیح دهید نور ظاهر، نور بصر، نورعقل و نورالهی به ترتیب چه می باشند؟

۱۱۲ | ۱۲۳ – توضیح دهید چرا با وجود اینکه "نور عقل اعظم انوار است" لکن "نور الهی فائق بر نور عقل است" ؟

۱۱۴ | ۱۲۴ – منظور از نور در آیه مبارکه" اللّه نور السموات و الارض" چیست؟

۱۱۴ – ۱۱۵ | ۱۲۵ – دلائل رد نظریه کسانی که می خواهند نسبت انسان را به میمون بدهند چیست؟

۱۱۵ | ۱۲۶ – اسباب ترقی انسان چیست؟

۱۱۸ – ۱۱۷ | ۱۲۷ – در دور بابی حضرت بهاءاللّه چند بار به حبس افتادند و در کجا؟

۱۱۸ | ۱۲۸ – اولاً بیان مبارک " محو الموهوم و صحو المعلوم" از کیست؟ ثانیاً به چه مناسبت بیان شده است و ثالثاً جمال مبارک در بیان معنی آن چه می فرمایند؟

۱۱۹ | ۱۲۹ – حضرت بهاءاللّه را به امر چه کسی و در کجا به چوب بستند؟

۱۲۱ | ۱۳۰ – مدت سرگونی جمال مبارک در بغداد، اسلامبول را بنویسید.

۱۲۱ | ۱۳۱ – علت سرگونی جمال مبارک از بغداد به اسلامبول چه بود؟

۱۲۳ – ۱۲۲ | ۱۳۲ – کدامیک از الواح خطاب به ملوک و سلاطین توسط قاصد مخصوص فرستاده شد نام قاصد و عاقبت او را بنویسید.

۱۲۴ – ۱۲۳ | ۱۳۳ – مضامینی از لوح مبارک سلطان که حضرت عبدالبهاء ذکر می فرمایند را بنویسید.

هفتهٔ پنجم : _____

۱۲۵ | ۱۳۴ – توضیح دهید چرا محبت اللّه را به آب و آتش تعبیر و تفسیر می فرمایند؟

۱۲۹ | ۱۳۵ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " اگر چنانچه اعمال نبود اقوال بود آیا ممکن بود این مدنیت مادی حاصل شود." بیان مبارک را توضیح دهید.

۱۳۱ | ۱۳۶ – در انجیل می فرمایند: " اورشلیم از آسمان نازل می شود." تبیین مبارک از این بیان چیست؟

۱۳۳ – ۱۳۲ | ۱۳۷ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " انسان به جسم انسان نیست. انسان به روح انسان است." چرا؟ توضیح دهید.

۱۳۳	۱۳۸ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " از برای روح دو تصرف است ." آن دو را شرح دهید .
۱۳۳	۱۳۹ – چرا تحری حقیقت می تواند سبب ظهور روح باشد؟
۱۳۴	۱۴۰ – اگر در انسان جسم تناقض پیدا کند آیا روح هم تناقض پیدا می کنند؟ با ذکر مثال توضیح دهید .
۱۳۴	۱۴۱ – روح انسانی چگونه روح حقیقی می گردد؟
۱۳۵	۱۴۲ – نفثات روح القدس چیست ؟
۱۳۸	۱۴۳ – بقای جسد مشروط به چیست ؟
۱۳۸	۱۴۴ – به چه دلایلی می توان اثبات نمود که روح محتاج به جسم نیست ؟
۱۴۰ – ۱۳۹	۱۴۵ – بر اساس تبیین حضرت عبدالبهاء مقصود از تحری حقیقت چیست ؟
۱۴۲	۱۴۶ – نتیجه تحری حقیقت چیست ؟
۱۴۳	۱۴۷ – چرا در کائنات توقف نیست ؟
۱۴۳	۱۴۸ – حرکت جوهری یعنی چه؟ توضیح دهید .
۱۴۳	۱۴۹ – حرکت جوهری در عالم ارواح را توضیح دهید .
۱۴۳	۱۵۰ – اولاً توضیح دهید به چه علت از برای جمیع کائنات حرکت موجود است ؟ ثانیاً انواع حرکت را نام ببرید .
۱۴۳	۱۵۱ – چرا از برای روح ترقی دائمی است ؟
۱۴۴	۱۵۲ – امر ادیان الهی برای علو درجات و طلب عفو و مغفرت جهت ارواح متصاعده چیست ؟
۱۴۴	۱۵۳ – تفاوت حرکت در عالم ناسوت و عالم ارواح چیست ؟
۱۴۵	۱۵۴ – با بیان مفهوم تحلیل و ترکیب توضیح دهید چرا روح انسان حیّ و باقی است ؟
۱۴۶	۱۵۵ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " آثار مترتب بر وجود است ." توضیح دهید چگونه از این مسئله بقای روح را نتیجه می گیرند؟
۱۴۷ – ۱۴۶	۱۵۶ – عالم وجود اوهام محض نیست . چگونه می توان از این مسئله بقای روح را نتیجه گرفت ؟
۱۴۸ – ۱۴۷	۱۵۷ – با توجه به مفهوم تفاوت مراتب ثابت نمائید حتی با وجود آنکه روح به احساس ما در نمی آید وجود دارد .
۱۴۹	۱۵۸ – " نفس ظلمت دلیل بر نور است نفس فقر دلیل بر غناست ..." مرکز میثاق با این بیان چگونه اثبات بقای روح می نمایند؟

۱۵۰ – ۱۴۹ | ۱۵۹ – چگونه از حیات مظاهر مقدسه به بقای روح پی می بریم؟

۱۵۰ – ۱۵۱ | ۱۶۰ – حضرت مسیح می فرمایند: " چشم دارند ولی نمی بینند ، گوش دارند ولی نمی شنوند ..." بر اساس تبیین مرکز میثاق منظور حضرت مسیح از این نفوس چه کسانی هستند؟

۱۵۲ | ۱۶۱ – حضرت عبدالبهاء شرایط تحری حقیقت را چه بیان می فرمایند؟

۱۵۲ | ۱۶۲ – مفهوم وحدت عالم انسانی چیست؟

۱۵۳ | ۱۶۳ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " در عالم وجود الفت سبب وجود، محبت سبب حیات است ، جدایی سبب ممات است ..." اولاً با ذکر مثالی مطلب فوق را توضیح دهید ثانیاً نتیجه حاصله از این اعتقاد چیست؟

۱۵۵ – ۱۵۴ | ۱۶۴ – وظیفه احباء برای حصول الفت میانهٔ جمیع بشر چه می باشد؟

۱۵۵ | ۱۶۵ – توضیح دهید چرا دین باید مطابق علم و عقل باشد؟

۱۵۵ – ۱۵۶ | ۱۶۶ – آیا اساسی که جمیع انبیاء گذاشته‌اند مطابق علم و عقل است؟ چرا؟ مثالی بزنید.

۱۵۷ | ۱۶۷ – شریعت الله منقسم بر چند قسم است؟ توضیح دهید.

۱۵۷ | ۱۶۸ – اصل دین الله چیست؟

۱۵۸ | ۱۶۹ – چرا تقالید سبب بغض و عداوت بین بشر گشته؟ چگونه می توان آن را رفع نمود؟

۱۵۹ – ۱۵۸ | ۱۷۰ – از جمله امراض مستولیه به عالم انسانی چیست؟ نتایج آن را بنویسید.

۱۵۹ | ۱۷۱ – انواع تعصبات را نام ببرید.

۱۵۹ | ۱۷۲ – توضیح دهید چرا تعصب دینی مردود است؟

۱۶۰ | ۱۷۳ – توضیح دهید چرا تعصب جنسی و وطنی وهم است؟

۱۶۱ | ۱۷۴ – امتیاز بشر نزد خداوند به چیست؟

۱۶۱ | ۱۷۵ – منظور از تعصب سیاسی چیست؟

۱۶۱ – ۱۶۲ | ۱۷۶ – چرا تعصب سیاسی مردود است؟ توضیح دهید.

۱۶۲ | ۱۷۷ – سیاست الله چیست؟

هفته ششم : _____

۱۶۳ | ۱۷۸ – آیا جنس ذکور در ایجاد الهی ممتاز از اناث هستند؟

۱۶۴ | ۱۷۹ – علت تفاوت زنان و مردان چیست؟ توضیح دهید.

۱۶۴ | ۱۸۰ – به چه علت زنان و مردان باید با یکدیگر مساوی باشند؟ (۴ دلیل)

۱۶۴ | ۱۸۱ – زنان چگونه می توانند مقدمات تحقق تساوی رجال و نساء را فراهم آورند؟

۱۸۲ – چگونه می توان بهائی حقیقی شد و چگونه می توان تأییدات الهی را پیاپی یافت؟	۱۶۷
۱۸۳ – در عالم انسان چند مقام است؟ نام ببرید.	۱۶۷ – ۱۶۸
۱۸۴ – نفس ناطقه واسطه چیست؟	۱۶۸
۱۸۵ – نفس ناطقه در چه صورتی کاشف اسرار کائنات است؟	۱۶۸
۱۸۶ – دو جنبه نفس چیست؟ توضیح دهید.	۱۶۸ – ۱۶۹
۱۸۷ – فرق میانه نفس امارة بالسوء و نفس مطمئنه چیست؟	۱۶۸ – ۱۶۹
۱۸۸ – چرا اصلاح معیشت از برای بشر لازم است؟ توضیح دهید.	۱۷۱
۱۸۹ – چرا مساوات در عالم انسانی ممکن نیست؟	۱۷۱
۱۹۰ – روش اصلاح اقتصادی لکورغه پادشاه یونانی را توضیح دهید.	۱۷۰ – ۱۷۲
۱۹۱ – چگونه می توان تعدیل معیشت را محقق ساخت؟ (۲ مورد)	۱۷۳
۱۹۲ – چرا در حکومت استبدادی امور بر محور عدل و انصاف دوران ندارد؟	۱۷۴ – ۱۷۵
۱۹۳ – مجازات و مکافات چند نوع است؟ توضیح دهید کدامیک اکمل است؟	۱۷۵
۱۹۴ – در چه صورت انسان از ظلم اجتناب می کند؟	۱۷۶ – ۱۷۵
۱۹۵ – چرا دین در امور سیاسی مدخلی ندارد؟	۱۷۶
۱۹۶ – وظیفه روسای ادیان در خصوص امور سیاسی چیست؟	۱۷۶
۱۹۷ – مقصود از عدل چیست؟	۱۷۷
۱۹۸ – آیا عدل فقط مختص به ارباب حکومت است؟ توضیح دهید.	۱۷۷ – ۱۷۸
۱۹۹ – چگونه می توان عادل بود؟	۱۷۸
۲۰۰ – توضیح دهید چرا بشر هر قدر ترقی کند باز محتاج به نفثات روح القدس است؟	۱۷۹ – ۱۸۱
۲۰۱ – با ذکر شواهدی توضیح دهید چگونه قدرت روح القدس قادر بر تربیت نفوس است؟	۱۸۰
۲۰۲ – عالم اخلاق را به چه وسیله‌ای می توان تعدیل نمود؟	۱۸۱
۲۰۳ – در چه صورت تأییدات الهی شامل حال یک جمع خواهد شد؟	۱۸۴
۲۰۴ – شواهدی تاریخی از نفوذ کلمة‌الله و عدم توانایی مقابله اهل جهان در مقابل آن ذکر فرمائید. (حداقل ۳ مورد)	۱۸۶ – ۱۸۷
۲۰۵ – طریق عملکرد احباء در مقابل اوراق افتراآمیز به امر مبارک چگونه باید باشد؟	۱۸۹
۲۰۶ – دشمنان چگونه باعث نشر کلمة‌الله بین خلق می شوند؟ شاهدی از تاریخ ادیان ذکر نمائید.	۱۸۹ – ۱۹۰

۱۹۲	۲۰۷ – هدف از ظهور انبیاء و نزول کتب سماویه چیست ؟
۱۹۳ – ۱۹۴	۲۰۸ – با ذکر شواهدی توضیح دهید چرا ترقی مادی سبب تحسین اخلاق نمی شود؟
۱۹۴ – ۱۹۵	۲۰۹ – ترقی مادی باید منضم به چه گردد تا نتیجه حاصل شود؟ چرا ؟
۱۹۵	۲۱۰ – سرور قلب انسان به چیست ؟
۱۹۶ – ۱۹۷	۲۱۱ – چرا جائز نیست که انسان اسیر و بنده طبیعت باشد؟
۱۹۷ – ۱۹۸	۲۱۲ – احساس سرور و حزن هر یک ناشی از چه می باشد؟
۱۹۷	۲۱۳ – تأثیر حزن و سرور در انسان چیست ؟
۲۰۰	۲۱۴ – انسان در چه صورتی تسلّی خاطر دارد؟
۲۰۳	۲۱۵ – انسان از برای چه خلق شده است ؟
۲۰۳	۲۱۶ – نتیجه متابعت از تعالیم الهیه چیست ؟ چرا ؟
	هفته هفتم : ————
۲۰۴ – ۲۰۵	۲۱۷ – مرکز میثاق چه شاهدی دال بر تعصب وطنی در عالم می آورند؟
۲۰۹	۲۱۸ – طرز عملکرد احباء در مقابل اذیت و ملامت سایر اقوام چگونه بایدباشد؟
۲۱۱	۲۱۹ – با چه اعتقادی می توان نزاع و جدال را ازبین برد؟ (سطر ۳ تا ۷) مبنای اعتقادی .
۲۱۱ – ۲۱۲	۲۲۰ – چرا احساسات مادیه غالب بر قلوب بشر گشته و اکثر خلق طبیعی شده اند؟ (دو دلیل)
۲۱۴	۲۲۱ – مرکز میثاق از اتحاد و اتفاق انبیاء چه نتیجه‌ای می گیرند؟
۲۱۴	۲۲۲ – دلائل وحدت ادیان چیست ؟ (دو دلیل)
۲۱۴	۲۲۳ – چرا ما باید با یکدیگر مهربان و در صلح باشیم؟(مبنای اعتقادی)
۲۱۵	۲۲۴ – اساس ادیان الهی چیست ؟
۲۱۶ – ۲۱۷	۲۲۵ – حضرت عبدالبهاء چه شواهدی را برای عدم اعتقاد بشر به عدالت الهی بیان می فرمایند؟
۲۱۷	۲۲۶ – مشاکلی که بین دول و ملل حاصل می شود توسط چه مرجعی باید فیصل یابد؟
۲۱۷ – ۲۱۸	۲۲۷ – آشکار شدن صلح اکبر مشروط و موکول به چیست ؟
۲۲۲ – ۲۲۳	۲۲۸ – هفت مورد از وظایف محافل و اعضای آن را ذکر فرمائید.
۲۲۵ – ۲۲۶	۲۲۹ – دو علت از عللی که سبب اختلاف و عداوت بین بشر است را نام ببرید و بنویسید این اختلافات جمیع منبعث از چیست ؟
۲۲۵ – ۲۲۶	۲۳۰ – چرا دین را باید با عقل کلی و علم مطابقت نمود ؟

۲۲۷	۲۳۱ ـ اگر بعضی از اصول دین را عقل درک نکند علت از چیست ؟
۲۲۷	۲۳۲ ـ چرا دین را باید با علم وعقل موازنه نمود؟
۲۲۹	۲۳۳ ـ پرواز روح ـ عقل ـ قلب انسان هر یک به چه چیز است ؟
۲۳۴ ـ ۲۳۵	۲۳۴ ـ سه دلیل بیاورید که نشان دهد لسان و خط واحد برای عالم لازم است .
۲۳۴	۲۳۵ ـ دانستن چند لسان برای هر فرد ضروری است ؟ توضیح دهید .
۲۳۵	۲۳۶ ـ نحوهٔ انتخاب لسان عمومی چگونه است ؟ چرا ؟
۲۳۶ ـ ۲۳۷	۲۳۷ ـ هر یک از ادیان مقدسه الهی بر چند قسم است ؟ و کدام ثابت و کدام متغیرند؟
۲۳۷	۲۳۸ ـ کدام قسمت از شریعت الله تغییر و تبدیل حاصل می کند؟ چرا ؟
۲۳۸	۲۳۹ ـ مرکز میثاق دین الهی را به چه چیز تشبیه نموده‌اند و دو قسم آن را چگونه در این تشبیه بیان می نمایند؟
۲۴۲	۲۴۰ ـ حضرت بهاء الله به چه علت به اثر قلم مبارک عهد و میثاق گرفتند؟
۲۴۳	۲۴۱ ـ حکمت چیست ؟
۲۴۳	۲۴۲ ـ به چه وسیله‌ای علم و احاطه بر حقایق اشیاء ممکن است ؟
۲۴۳	۲۴۳ ـ علم بر چند قسم است ؟ توضیح دهید .
۲۴۴	۲۴۴ ـ مراتب وجود را نام ببرید .
۲۴۴	۲۴۵ ـ انسان جامع جمیع کمالات است . این کمالات را شرح دهید . (پنج مورد)
۲۴۴	۲۴۶ ـ به چه دلیل انسان اشرف جمیع کائنات است ؟
۲۴۵	۲۴۷ ـ چرا انسان بر جمیع کائنات غالب و ماهر است ؟
۲۴۶ ـ ۲۴۷	۲۴۸ ـ مادیون معتقدند که ترکیب و تحلیل عناصر سبب حیات و موت است . لذا احتیاج به صانع نیست . مرکز میثاق چگونه این مسئله را رد می فرمایند؟
۲۴۸	۲۴۹ ـ چرا عقل و روح انسان مدرک حقایق اشیاء است ؟
۲۴۸ ـ ۲۴۹	۲۵۰ ـ با ذکر شواهدی نشان دهید که نفس ناطقه و روح انسانی هر چند در نهایت نفوذ است لکن نفوذش محدود است .
۲۴۸ ـ ۲۵۰	۲۵۱ ـ با ذکر شواهدی نشان دهید که تنها انبیای الهی که مؤید به نفثات روح القدسند می توانند حرکتی عمومی در افکار بشر اندازند .
۲۵۰	۲۵۲ ـ " نفوسی که مؤید به روح القدس هستند نفوذشان کامل" میزان این نفوذ را بنویسید .
۲۵۱	۲۵۳ ـ دینی که مصدّق عقل و علوم و فنون نباشد چیست ؟ چرا ؟
۲۵۲	۲۵۴ ـ خصیصه دینی که حق است چه می باشد؟

۲۵۳ | ۲۵۵ – سیاست الهیه چیست و ما چگونه می توانیم مطابق آن عمل نمائیم؟

۲۵۴ – ۲۵۵ | ۲۵۶ – حضرت عبدالبهاء دور دائم تغییر فصول را از لوازم ذاتیه عالم وجود می دانند. توضیح دهید چگونه مسئله را در مورد ادیان تعمیم می دهند؟

۲۵۷ | ۲۵۷ – مرکز میثاق کسانی که با وجود طلوع شمس حقیقت هنوز به مظهر ظهور قبل متشبث هستند را به چه کسانی تشبیه می فرمایند؟

ضمیمه ۳

سؤالات خطابات مبارکه جلد ۲

صفحه	
	هفته دهم :
۱	۱ – انسان دارای چه کمالاتی است ؟
۲	۲ – حضرت عبدالبهاء با استناد به چه مسئله‌ای می فرمایند" عالم انسانی هنوز به کمال نرسیده " است ؟
۲	۳ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند:" درندگی سزاوار عالم حیوانی است نه عالم انسانی." توضیح دهید .
۲	۴ – چرا حضرت عبدالبهاء می فرمایند:" انسان غافل ظالم از حیوان درنده‌تر است " ؟
۲	۵ – یکی از دلایل ظهور انبیاء را بنویسید .
۳	۶ – چرا هر نوع حربی(اعم از جنسی، دینی، سیاسی، وطنی) مردود است ؟
۳ – ۴	۷ – سیاست الهیه چیست و چرا باید متابعت آن را نمود؟
۴	۸ – توضیح دهید چرا شایسته این قرن وحدت عالم انسانی است ؟
۵	۹ – چرا به وحدت عالم انسانی معتقدیم ؟(مبنای اعتقادی)
۵	۱۰ – نتیجه تحرّی حقیقت چیست ؟
۵	۱۱ – توضیح دهید چرا علم و دین توأم است ؟
۶	۱۲ – مفهوم تعدیل معیشت عمومی چیست ؟
۶	۱۳ – چرا عالم انسانی هرقدر ترقی طبیعی نماید باز محتاج نفثات روح القدس است ؟(دو دلیل ذکر نمائید .)
۷	۱۴ – چرا باید امور خصوصی را فدای امر عمومی نمائیم؟ توضیح دهید .
۹	۱۵ – محبت الله چگونه حاصل می شود؟
۹ – ۱۰	۱۶ – اولاً حضرت عبدالبهاء وضعیت عالم را چگونه ترسیم می فرمایند؟ ثانیاً وظیفه احباء را چگونه مشخص می فرمایند؟ توضیح دهید .
۱۱	۱۷ – حضرت عبدالبهاء ایام ظهور مظاهر مقدسهٔ را به چه تشبیه فرموده وعلت تجدید آن را چه می فرمایند؟
۱۴	۱۸ – چرا انسان اعظم از طبیعت است ؟ توضیح دهید .
۱۵	۱۹ – به چه قوائی می توان مقاومت قوهٔ مادیون نمود؟(۳ مورد)
۱۷	۲۰ – حضرت عبدالبهاء مدنیت جسمانیه و مدنیت روحانیه را به‌چه‌تشبیه‌میفرمایند؟

۱۸ | ۲۱ – توضیح دهید چرا استقرار وحدت عالم انسانی و صلح عمومی بواسطه قوای ۱ – سیاسی ۲ – جنسی و وطنی میسر نمی شود؟ به چه قوه‌ای حاصل می شود؟

۱۹ | ۲۲ – آسایش عالم چگونه میسر است ؟

۲۱ | ۲۳ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " افکار اتحاد و اتفاق دلیل بر فیض الهی است ." چرا ؟

۲۲ | ۲۴ – چگونه می توان برای کسب فیوضات الهی کسب استعداد نمود؟

۲۲ | ۲۵ – اعظم فیض الهی چیست ؟ چرا ؟

۲۴ | ۲۶ – با توجه به بیانات مبارکه توضیح دهید چگونه می شود هر جزئی عبارت از کل باشد؟

۲۵ | ۲۷ – چرا ترقیات مادیه به تنهایی کفایت نکنند؟ توضیح دهید .

۲۷ | ۲۸ – الفت و محبت واقعی به چه قوه‌ای حاصل می شود؟ با ذکر شاهد تاریخی توضیح دهید .

۳۱ | ۲۹ – آیا انسان می تواند مانند سایر کائنات منفرداً زندگانی کند؟ چرا ؟

۳۴ | ۳۰ – توضیح دهید چرا با وجود اینکه اساس ادیان الهیه واحد است پیروان ادیان با یکدیگر در اختلافند و چگونه می توان این اختلاف را رفع نمود؟

۳۴–۳۵ | ۳۱ – هدف از ظهور انبیاء چیست ؟ توضیح دهید .

۳۶ | ۳۲ – انسان دارای دو جنبه است . آن دو را نام ببرید و نتیجه غلبه هریک را بنویسید .

۳۶ | ۳۳ – مضرت رجوع به تقالید چیست ؟ چرا ؟

۳۷ | ۳۴ – حضرت مسیح کدام اقوام را متحد فرمودند و چگونه؟

۴۰ | ۳۵ – استدلال مبارک در خصوص اینکه رنگهای مختلف سبب اختلاف نمی باشند چیست؟ (۲ مورد)

۴۴ | ۳۶ – اعظم مصائب عالم چیست ؟ چه زیانهایی دارد؟ توضیح دهید .

۴۵ | ۳۷ – بر اساس چه اصل اعتقادی همه تعصبات مردود است ؟

۴۵ | ۳۸ – از جمله نتایج اتحاد و اتفاق را نام ببرید . (۳ مورد)

۴۷ | ۳۹ – چرا این عصر " عصر وحدت عالم انسانی" است ؟

۴۸ | ۴۰ – توضیح دهید چرا اساس ادیان الهی واحد است و این اختلافات ناشی از چیست ؟

هفته یازدهم : _____

۴۹ | ۴۱ – دلایل عدم ادراک الوهیت را بیان کنید . (۳ مورد)

۵۰ | ۴۲ – چرا خداوند مظاهر مقدسه را مبعوث می فرماید؟

۵۱ – ۵۰ ۴۳ – " مظاهر مقدسه که انبیاء هستند مانند مرآتند." توضیح دهید.

۵۱ ۴۴ – وحدت مظاهر مقدسه را با توجه به تشبیه شمس و مرآت توضیح دهید.

۵۶ ۴۵ – بر اساس چه اصل اعتقادی به وحدت عالم انسانی معتقدیم؟

۵۶ ۴۶ – توضیح دهید چرا باید علم با دین توأم باشد و برای تحقق آن چه باید کرد؟

۵۶ ۴۷ – نتیجه صلح اکبر چیست؟

۵۷ – ۵۶ ۴۸ – طریق نیل به مساوات حقوق رجال و نساء چیست؟

۵۷ ۴۹ – وظیفه پدران و مادران در قبال اطفال چیست؟

۵۸ ۵۰ – در چه صورت می توان مستفیض از فیوضات الهیه گردید؟

۵۸ ۵۱ – توضیح دهید چگونه می توان دوستدار عالم بود؟

۵۸ ۵۲ – تعلیم مبارک " خلق را از برای خدا دوست دارید نه برای خود." چه نتایجی دربردارد؟

۶۰ ۵۳ – علل وقوع جنگ را ذکر نمائید. (ذکر سه مورد کافی است.)

۶۱ – ۶۰ ۵۴ – چرا " موسی شبان حقیقی بود" ؟

۶۱ ۵۵ – حضرت مسیح بین چه مللی الفت و محبت برقرار ساختند؟ توضیح دهید.

۶۱ ۵۶ – توضیح دهید چرا دین اگر علت اختلاف شود بی دینی بهتر است؟

۶۲ ۵۷ – زمان ظهور حضرت محمد اعراب درچه وضعیتی بودند و در اثر ظهور به چه مرتبه‌ای رسیدند؟

۶۲ ۵۸ – اگر اساس ادیان الهی یکی است پس این اختلافات از کجا ناشی شده است؟

۶۲ ۵۹ – توضیح دهید به چه علت امتیازات جنسی و قومی وهم محض است؟

۶۵ ۶۰ – تفاوت نزاع و جدال در عالم انسانی و عالم حیوانی چیست؟

۶۷ ۶۱ – سیاست الهیه چیست؟

۶۸ ۶۲ – چرا نفوسی که قبول تعالیم حضرت بهاءالله نمودند مروج وحدت عالم انسانی هستند؟

۷۰ ۶۳ – وضعیت مردم جهان از نظر پذیرش صلح چگونه است؟

۷۰ ۶۴ – اعظم سبب صلح چیست؟

۷۱ ۶۵ – استدلال مبارک را در خصوص لزوم تجدید ادیان توضیح دهید. (دو دلیل)

۷۲ ۶۶ – با ذکر دو دلیل توضیح دهید چرا تقالید ادیان ماضیه امروز ثمری ندارد و نتیجه تقلید در هر مورد چیست؟

۷۳ ۶۷ – نتیجه ترک تقالید چیست؟

۷۳ ۶۸ – چگونه با تعلیم ترک تقالید جاهلیه می توان به وحدت عالم انسانی رسید؟

۷۵ ۶۹ – ترقی بر چند نوع است؟ توضیح دهید. (نتایج هر یک چیست؟)

۷۵ ۷۰ – اخوت بر چند قسم است؟ کدامیک ارتباط تام بین بشر حاصل می نماید؟

۷۵ ۷۱ – چگونه می توان بین بشر اخوت روحانی برقرار نمود؟ توضیح دهید.

۷۶ ۷۲ – چرا این قرن قرن تأسیس صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است؟

۷۸ – ۷۷ ۷۳ – بر اساس چه دلایلی علم اعظم منقبت عالم انسانی است؟

۷۸ ۷۴ – توضیح دهید انسان به چه وسیله خرق قانون طبیعت می کند؟

۸۰ ۷۵ – چگونه علم سبب اتحاد عالم و صلح می شود؟

۸۳ ۷۶ – علم بر چند قسم است؟ خصوصیات هر یک را بنویسید.

۸۳ ۷۷ – چرا عالم انسانی باید تحصیل هر دو علم کند؟

۸۴ ۷۸ – مقصود از علم لاهوتی چیست؟

۸۷ ۷۹ – با آنکه مبداء جمیع انبیاء یکی است پس جنگ و قتال ناشی از چیست؟

۸۸ ۸۰ – چرا دین باید سبب الفت و محبت باشد؟

۸۸ ۸۱ – چرا دین باید مطابق علم و عقل باشد؟

۹۰ ۸۲ – چگونه می توان از سیاست الهیه اقتباس نمود؟

هفته دوازدهم : ————————

۹۱ ۸۳ – اعظم موهبت عالم انسانی چیست و چرا؟

۹۲ ۸۴ – " قربیت الهیه به تعمید روح و نار و ماء است." مقصود از روح، نار و ماء چیست؟

۹۳ ۸۵ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " قربیت الهیه به صفای قلب است." بیان مبارک را با ذکر مثالی توضیح دهید.

۹۵ ۸۶ – شرط آنکه فیوضات الهیه ظاهر شود چیست؟

۹۸ ۸۷ – با توجه به تبیینات مبارک چرا در عالم وجود مسئله‌ای از وحدت عالم انسانی و صلح عمومی مهمتر نمی شود؟

۱۰۰ – ۱۰۱ ۸۸ – توضیح دهید چرا به قوهٔ جنسیت و وطنی و سیاست نمی توان صلح عمومی را در عالم مستقر نمود؟ و به چه قوه تحقق می یابد؟

۱۰۰ ۸۹ – حصول هر شئ مشروط به چه چیزهایی است؟

۱۰۱ ۹۰ – با توجه به اینکه ادیان مورث الفت و محبت می باشند چرا سبب اختلاف شده‌اند؟

۱۰۱ ۹۱ – اساس ادیان الهی چیست؟

۱۰۲ ۹۲ – حضرت مسیح چه مللی را و به وسیله چه قوه‌ای به وحدت رساندند؟

۱۰۳ | ۹۳ – توضیح دهید به چه علتی فیض الهی قدیم است ؟

۱۰۵ | ۹۴ – " در کائنات جمادیه فیض الهی مستتر است " از این مطلب استمرار فیض روح القدس در عالم انسانی را نتیجه بگیرید .

۱۰۶ | ۹۵ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " فیوضات الهیه در جمیع کائنات سریان دارد . " بیان مبارک را توضیح دهید .

۱۱۰ | ۹۶ – مقصود از مائده آسمانی چیست ؟

۱۱۱ | ۹۷ – مقصود از وطن حقیقی چیست ؟

۱۱۲ | ۹۸ – حضرت عبدالبهاء در خصوص موءانست اطفال با یکدیگر چه می فرمایند؟

۱۱۴ – ۱۱۷ | ۹۹ – حضرت عبدالبهاء چه نوع روش اداره امور کشور را خوب می دانند؟ چرا ؟

۱۲۰ | ۱۰۰ – حضرت عبدالبهاء نحوهٔ انتخاب روءساء جمهور را به چه صورت مشخص می فرمایند؟ چرا ؟

۱۲۱ | ۱۰۱ – چرا تساوی تام ممکن نیست ؟

۱۲۱ | ۱۰۲ – مقصود از تعدیل معیشت چیست ؟

۱۲۱ | ۱۰۳ – اول شخصی که درعالم اصلاح معیشت نمود که بود؟ و چگونه این عمل را صورت داد؟ از عاقبت عمل او چه نتیجه‌ای می توان گرفت ؟

۱۲۳ – ۱۲۴ | ۱۰۴ – طرق تحقق تعدیل معیشت را ذکر نمائید . (دو طریق)

۱۲۴ | ۱۰۵ – قوانین مزد را چگونه باید اصلاح نمود؟

۱۲۴ | ۱۰۶ – اخذ مالیات به چه شکل باید صورت پذیرد؟

۱۲۵ | ۱۰۷ – هیکل مبارک برای حل مسئله اشتراکیون بجای اعتصاب مزدوران چه راه‌حلی را پیشنهاد می فرمایند؟

۱۲۹ | ۱۰۸ – چرا حقیقت الوهیت منزه از ادراک کائنات است ؟ (۲ دلیل)

۱۳۱ | ۱۰۹ – چرا کائنات از فیض الهی بطور متفاوت بهره می برند؟

۱۳۱ | ۱۱۰ – مقصود از نفوس کاملهٔ بشریه چه کسانی هستند؟ توضیح دهید .

۱۳۲ | ۱۱۱ – حضرت مسیح می فرمایند : " الاب فی الابن " تبیین مبارک حضرت عبدالبهاء در این خصوص را بنویسید .

۱۳۲ | ۱۱۲ – چرا حقیقت الوهیت از صعود و نزول مبرّا است ؟

۱۳۲ | ۱۱۳ – " حضرت بهاءالله اعلان وحدت فیوضات الهیه و وحدت انسانیه فرمود . " این مطلب را توضیح دهید .

۱۳۳ | ۱۱۴ – توضیح دهید چرا اساس ادیان الهی واحد است ؟

۱۳۴ | ۱۱۵ – چرا تقالید سبب بروز اختلاف است ؟

۱۳۴	۱۱۶ – طریق نیل به مساوات حقوق رجال و نساء چیست ؟
۱۳۴	۱۱۷ – تساوی حقوق رجال و نساء بر اساس چه اصل اعتقادی ثابت می شود؟
۱۳۵	۱۱۸ – چرا تربیت نساء اعظم و اهم از تربیت رجال است ؟ توضیح دهید .
۱۳۵	۱۱۹ – نسوانی که فخر رجال نامیده شده‌اند را ذکر نمائید .
۱۳۵	۱۲۰ – منظور از وحدت تربیت چیست ؟ نتایج حاصل از آن چه می باشد؟
۱۳۶	۱۲۱ – توضیح دهید چگونه مساوات حقوق رجال و نساء مانع از حرب می باشد؟
	هفته سیزدهم : ــــــــــــــــ
۱۳۹	۱۲۲ – دو طریقتی که از بدایت خلق آدم تا یومنا هذا در عالم انسانی بوده را ذکر نمائید .
۱۳۹	۱۲۳ – خصوصیات عالم حیوانی چیست ؟ شرح دهید .
۱۴۱	۱۲۴ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " انسان حاکم بر طبیعت است ." با ذکر شواهدی این مطلب را توضیح دهید .
۱۴۲	۱۲۵ – چه موهبتی انسان را " اشرف کائنات " نموده است ؟
۱۴۳	۱۲۶ – نتائج پیروی از طریق دیانت را ذکر نمائید .
۱۴۳	۱۲۷ – آنچه سبب اختلاف ادیان است چیست ؟
۱۴۴ – ۱۴۵	۱۲۸ – چرا انسان باید ترک تقالید نماید؟
۱۴۵	۱۲۹ – بر اساس چه اصل اعتقادی به وحدت عالم انسانی معتقدیم ؟
۱۴۷	۱۳۰ – چرا باید دین مطابق علم و عقل باشد؟ (دو دلیل ذکر نمائید .)
۱۴۷	۱۳۱ – چرا تعصبات هادم بنیان انسانی است ؟
۱۴۸	۱۳۲ – مقصود از تعدیل معیشت چیست ؟
۱۴۸	۱۳۳ – بر اساس چه اصل اعتقادی به مساوات حقوق بشر معتقدیم؟
۱۴۸	۱۳۴ – چگونه می توان وحدت عالم بشر را از صغر سن در قلوب جای داد؟
۱۴۹	۱۳۵ – از جمله طرق انتخاب لسان واحد چیست و چه نتایجی دارد؟ توضیح دهید .
۱۴۹	۱۳۶ – چرا امتیاز رجال نسبت به نساء صحت ندارد؟(دو دلیل)
۱۴۹	۱۳۷ – تفاوت بین رجال و نساء از چیست ؟ توضیح دهید .
۱۵۰	۱۳۸ – وظیفه محکمه کبرای عالم انسانی چیست ؟
۱۵۱	۱۳۹ – در اصطلاح روحانی میت به چه اطلاق می شود؟
۱۵۲	۱۴۰ – چرا عالم انسانی هرقدر ترقی کند باز محتاج تعلیمات روح القدس است؟
۵۷ – ۱۵۵	۱۴۱ – دو سبب از اسباب احتجاب ناس از مظاهر مقدسه را بیان نمائید .تبیین حضرت عبدالبهاء در این خصوص چیست ؟

۱۴۲ – " در کتاب مقدس منصوص است که مسیح از مکان غیرمعلوم می آید. اما حضرت مسیح از ناصره آمد." تبیین مبارک در این خصوص چیست؟	۱۵۷
۱۴۳ – تبیین مبارک در خصوص عصای آهنی حضرت مسیح چه می باشد؟	۱۵۷
۱۴۴ – تبیین مبارک در خصوص سلطنت حضرت مسیح چیست؟	۱۵۷
۱۴۵ – تبیین مبارک در خصوص اینکه حضرت مسیح شریعت تورات را ترویج می کنند چه می باشد؟	۱۵۸
۱۴۶ – حضرت مسیح چگونه شرق و غرب را فتح کردند؟	۱۵۸
۱۴۷ – مقصود از اینکه در ایام ظهور گرگ و میش از یک چشمه می نوشند چیست؟ توضیح دهید.	۱۵۸
۱۴۸ – در جمیع کتب مقدسه بشارتی مذکور است که " بعد از آنکه تاریکی عالم را احاطه نمود آن روشنائی طلوع نماید." تبیین مبارک در این خصوص چیست؟ توضیح دهید.	۱۶۱
۱۴۹ – نتایج تحری حقیقت چیست؟	۱۶۳
۱۵۰ – عواقب تمسک به تقالید چیست؟ چرا؟	۱۶۳
۱۵۱ – حضرت بهاءالله در رسائلی که به ملوک عالم ارسال فرمودند آنان را به چه اموری دعوت نمودند؟	۱۶۵
۱۵۲ – در خصوص الواح مبارک حضرت بهاءالله خطاب به ناپلئون ثالث مختصراً توضیح دهید.	۱۶۵
۱۵۳ – در خصوص لوح مبارک حضرت بهاءالله خطاب به پادشاه ایران مختصراً توضیح دهید.	۱۶۶
۱۵۴ – در خصوص لوح مبارک حضرت بهاءالله خطاب به عبدالعزیز پادشاه عثمانی مختصراً توضیح دهید.	۱۶۷
۱۵۵ – دو پادشاهی که به مقاومت حضرت بهاءالله برخاستند که بودند و عاقبت حال آنها چه شد؟	۱۶۸
۱۵۶ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " انسان درعالم وجود طی مراتب کرده است تا به عالم انسانی رسیده است ..." بیان مبارک را توضیح دهید.	۱۷۰
۱۵۷ – برای نیل به حیات ابدیه چه قوایی را باید کسب نمود؟	۱۷۲
۱۵۸ – انسان دارای چند حیات است؟ نام ببرید.	۱۷۶ – ۱۷۷
۱۵۹ – تفاوت میان انسان و حیوان در حیات جسمانی چیست؟	۱۷۶ – ۱۷۷
۱۶۰ – حیاتی که انسان بواسطه آن ممتاز از حیوان است چه می باشد؟	۱۷۸

۱۷۸ | ۱۶۱ – اگر حیات روحانی با حیات جسمانی مکمل نگردد چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

۱۷۹ | ۱۶۲ – نتیجه حیات جسمانی و حیات روحانی را با ذکر شواهدی از تاریخ توضیح دهید.

۱۷۹ | ۱۶۳ – اصل حیات انسان چیست؟ چرا؟

هفته چهاردهم : _____

۱۸۱ | ۱۶۴ – حضرت عبدالبهاء عالم امکان را به چه تشبیه فرموده‌اند؟ وجوه تشابه آنها را بنویسید.

۱۸۲ | ۱۶۵ – چرا این قرن سلطان قرون است و این عصر آئینه جمیع اعصار؟

۱۸۳ | ۱۶۶ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " فکر انسان مرآت حقایق اشیاء است." منظور مبارک چیست؟

۱۸۳ | ۱۶۷ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " حقیقت انسان مرآت انوار ملکوت است" منظور مبارک چیست؟

۱۸۴ | ۱۶۸ – شرط اینکه حقیقت انسانیه درنهایت جمال و کمال جلوه کند چه می باشد؟

۱۸۵ – ۱۸۶ | ۱۶۹ – چگونه از اصل ترکیب و تحلیل، بقای روح را می توان نتیجه گرفت؟

۱۸۶ | ۱۷۰ – با توجه به اینکه هر یک از کائنات در تحقّق صورتی را می پذیرد بقای روح را اثبات نمائید.

۱۸۷ | ۱۷۱ – با توجه به رابطهٔ اثر و مؤثر بقای روح را اثبات نمائید.

۱۸۷ | ۱۷۲ – دلیل ادراک و احساس انسان در هنگام خواب چه می باشد؟ و از آن چه نتیجه‌ای می توان گرفت؟

۱۸۸ | ۱۷۳ – با وجود دو خصوصیت فکر کردن و مشورت با خود در انسان به چه حقیقتی پی می بریم؟

۱۸۸ | ۱۷۴ – با توجه به تغییر و تحول در جسم انسان بقای روح را اثبات نمائید.

۱۸۸ – ۱۸۹ | ۱۷۵ – آیا عدم احساسات بشر دلیل بر عدم عالم روح است؟ چرا؟ توضیح دهید.

۱۹۱ | ۱۷۶ – سرور حقیقی و فرح روحانی به چه ممکن است؟ چرا؟

۱۹۲ – ۱۹۳ | ۱۷۷ – بر اساس تبیینات مبارکه توضیح دهید هر هنگام که احساسات روحانی در بین بشر ضعیف شد و مادیات غلبه نمود چه اتفاقی در عالم امکان روی داد؟

۱۹۷ | ۱۷۸ – " در قرون اولی ملل از همدیگر فراری بودند و ابناء اوطان از ابناء اوطان دیگر مشمئز و بیزار" هیکل مبارک علّت این امر را چه می فرمایند؟

۱۹۸ – ۲۰۰ | ۱۷۹ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " جمیع کائنات یکی است، وحدت صرف است یعنی کل شئ فیه " اولاً بیان مبارک را توضیح دهید. ثانیاً وحدت عالم

	انسانی را از آن نتیجه بگیرید.
۲۰۴	۱۸۰ – وجه ممیزه انسان نسبت به سایر کائنات چیست؟
۲۰۴	۱۸۱ – منشاء روح انسان به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء چیست؟ و چگونه روح انسان در ظلمت خواهد بود؟
۲۰۴ – ۲۰۵	۱۸۲ – چرا نباید به حیات جسمانی قناعت نمود؟
۲۰۶	۱۸۳ – " نفوس مقدسه الی الابد آثارشان باقی است." هیکل مبارک چه شاهد تاریخی را دال بر این مطلب بیان می فرمایند؟
۲۰۷	۱۸۴ – با توجه به تبیینات مبارکه توضیح دهید که " از برای وجود فنائی نیست."
۲۰۸	۱۸۵ – حیات و ممات را تعریف کنید.
۲۰۸	۱۸۶ – توضیح دهید آیا با تغییر جسم، روح نیز تغییر می کند؟
۲۰۹	۱۸۷ – از قابلیت ادراک انسان در عالم خواب بقای روح را نتیجه بگیرید.
۲۰۹	۱۸۸ – " اثر بی موءثر نمی شود". از این بیان مبارک بقای روح را نتیجه بگیرید.
۲۱۰	۱۸۹ – " هر کائنی در آن واحد صورت واحده دارد." از این مطلب بقای روح را نتیجه بگیرید.
۲۱۰ – ۲۱۱	۱۹۰ – کائنات بر چند قسم است؟ مثال بزنید و خصوصیات هر قسم را بنویسید.
۲۱۱	۱۹۱ – علت سرور احباء در هنگام موت و یا شهادت چه می باشد؟
۲۱۲ – ۲۱۳	۱۹۲ – توضیح دهید انسان اگر تربیت نشود حالتش چگونه است؟ مثال بزنید.
۲۱۳ – ۲۱۴	۱۹۳ – تربیت بر چند قسم است؟ مربی هر قسم چه کسانی هستند؟
۲۱۴	۱۹۴ – چرا انسان ترقیات مادیه حاصل کند باز محتاج به نفثات روح القدس است؟ توضیح دهید.
۲۱۴	۱۹۵ – به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء علت ظهور مظاهر مقدسه چه بوده است؟
۲۱۸	۱۹۶ – از بدایت تاریخ الی الان بین بشر حرب و جدال بوده است. علت آن از چیست؟
۲۱۸	۱۹۷ – بر اساس چه اصل اعتقادی تعصبات مردود است؟
۲۱۹	۱۹۸ – چرا تقالید مانع اتحاد و اتفاق است؟
۲۱۹	۱۹۹ – چرا دین باید مطابق علم و عقل باشد؟
۲۱۹	۲۰۰ – چرا "اگر دین مانع الفت باشد" " بی دینی بهتر می باشد"؟
۲۲۰	۲۰۱ – بر اساس چه اصل اعتقادی به مساوات رجال و نساء معتقدیم؟

۲۱۹ | ۲۰۲ ـ اگر پدر طفلی از تربیت فرزندش عاجز باشد چه باید نمود؟

۲۲۰ | ۲۰۳ ـ در مدارس چه نوع تربیتی باید صورت گیرد؟ چرا؟

۲۲۱ ـ ۲۲۲ | ۲۰۴ ـ "تا از عالم طبیعت انسان تولد نیابد از عالم ملکوت خبر نگیرد." با ذکر مثالی بیان مبارک را توضیح دهید.

هفته پانزدهم : ——————

۲۲۴ | ۲۰۵ ـ بر اساس چه اصل اعتقادی به وحدت عالم انسانی معتقدیم؟

۲۲۴ | ۲۰۶ ـ تعالیم انبیاء الهی سبب حصول چه امری می شود؟

۲۲۵ | ۲۰۷ ـ با وجود اینکه اساس ادیان الهی یکی است چرا نزاع و جدال بین بشر حاصل گشته ؟

۲۲۵ | ۲۰۸ ـ خدا انسان را به چه جهت خلق فرموده؟

۲۲۵ | ۲۰۹ ـ محاربات که واقع شده منبعث از چیست ؟

۲۲۶ ـ ۲۲۷ | ۲۱۰ ـ چرا دین باید مطابق علم و عقل باشد؟ (دو دلیل)

۲۲۷ | ۲۱۱ ـ چرا تعصب دینی مردود است ؟

۲۲۷ | ۲۱۲ ـ چرا تعصب جنسی مردود است ؟

۲۲۹ | ۲۱۳ ـ چرا تعصب وطنی مردود است ؟

۲۲۹ | ۲۱۴ ـ نتیجه تحصیل و نشر معارف چیست ؟

۲۳۰ | ۲۱۵ ـ چرا اگر نساء مثل رجال تربیت شوند در جمیع مراتب مساوی می شوند؟

۲۳۰ | ۲۱۶ ـ نتیجه حاصله از تعلیم وحدت لسان چه می باشد؟

۲۳۰ ـ ۲۳۱ | ۲۱۷ ـ وظیفه محکمه کبری چیست ؟

۲۳۵ | ۲۱۸ ـ "عالم طبیعت ناقص است." چگونه می توان آن را کامل نمود؟

۲۳۴ ـ ۲۳۵ | ۲۱۹ ـ حضرت عبدالبهاء چگونه با ذکر تناقض در عملکرد مادیون عقیده آنها را در خصوص کامل بودن عالم طبیعت رد می فرمایند؟

۲۳۵ ـ ۲۳۶ | ۲۲۰ ـ خدا انبیاء را برای چه فرستاده است و نفحات روح القدس را برای چه دمیده است ؟

۲۳۶ | ۲۲۱ ـ حضرت عبدالبهاء در ارتباط با مسئله تربیت انبیاء و خلق را به چه تشبیه می فرمایند؟ توضیح دهید.

۲۳۷ | ۲۲۲ ـ به فرمودهٔ مبارک اگر در تربیت طفلی کوتاهی گردد چه عواقبی حاصل می شود؟

۲۳۹ | ۲۲۳ ـ به فرمودهٔ مبارک به چه علت حضرت مسیح جمیع بلایا را قبول نمود و از این حیات جسمانی گذشت ؟

۲۴۱	۲۲۴ ـ بعد از مصلوب شدن حضرت مسیح وضعیت حواریون آن حضرت چه شد؟ توضیح دهید.
۲۴۱	۲۲۵ ـ چه نفس مقدسی سبب ثبوت حواریون بعد از حضرت مسیح شد؟
۲۴۵	۲۲۶ ـ به‌فرمودهٔ مبارک اعظم موهبت در عالم انسانی چیست؟ چرا؟
۲۴۶	۲۲۷ ـ حضرت عبدالبهاء علت حرب و قتال و بغض و عداوت را در بین بشر ناشی از چه امری می دانند؟
۲۴۷	۲۲۸ ـ وضعیت قومی که حضرت موسی در بین آنها ظاهر شد را بنویسید و توضیح دهید در اثر تربیت چه تغییراتی در آنها حاصل شد؟
۲۴۸	۲۲۹ ـ با ذکر شاهدی از تاریخ تأثیر دیانت یهود بر فلسفه یونان را توضیح دهید.
۲۴۸	۲۳۰ ـ انتشار صیت حضرت موسی و ترویج کتاب تورات در سراسر جهان توسط چه کسی انجام گرفت؟ توضیح دهید.
۲۵۰	۲۳۱ ـ چرا اهل ادیان نباید با هم درنزاع و جدال باشند؟
۲۵۰ ـ ۲۵۱	۲۳۲ ـ با توجه به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء علت بوجود آمدن اختلاف وضدیت چه می باشد؟
۲۵۱ ـ ۲۵۲	۲۳۳ ـ با توجه به تبیینات مبارکه توضیح دهید که به چه علت تعصب وطنی اوهام است؟
۲۵۵	۲۳۴ ـ به فرمودهٔ مبارک اعظم فیض الهی و مصدر ایجاد چیست؟ چرا؟
۲۵۵	۲۳۵ ـ الف: ارتباط بین کائنات منبعث از چیست؟ ب: عدم این ارتباط چه نتیجه‌ای دربردارد؟
۲۵۶	۲۳۶ ـ قوه محبت را در هر یک از کائنات (جماد ـ نبات ـ حیوان ـ انسان) توضیح دهید.
۲۵۶	۲۳۷ ـ حیات و ممات عالم در چیست؟
۲۶۰	۲۳۸ ـ علت ظهور انبیای الهی چه بوده است؟
۲۶۱	۲۳۹ ـ چرا تقالید هادم بنیان انسانی است؟
۲۶۱	۲۴۰ ـ عواقب حرب چیست؟ ۳ مورد ذکر نمائید.
۲۶۴	۲۴۱ ـ حضرت عبدالبهاء از اینکه مظاهر مقدسه ستایش یکدیگر را کرده‌اند چه نتیجه‌ای می گیرند؟
	هفته شانزدهم:
۲۶۷	۲۴۲ ـ اعظم منقبت عالم انسانی چیست؟ چرا؟ نتایج حاصله از آن را بنویسید.

۲۶۷ – ۲۶۸ | ۲۴۳ – با ذکر شواهدی از تاریخ توضیح دهید چرا دولت علم اعظم از دولت ملوک است ؟

۲۶۸ – ۲۶۹ | ۲۴۴ – حضرت عبدالبهاء می فرمایند: " هر کائنی از کائنات عبارت از جمیع کائنات است ." توضیح دهید .

۲۷۱ – ۲۷۲ | ۲۴۵ – با ذکر شواهدی توضیح دهید " جمیع کائنات اسیر طبیعت است مگر انسان ."

۲۷۲ – ۲۷۳ | ۲۴۶ – چرا جنگ سزاوار انسان نیست ؟

۲۷۴ – ۲۷۵ | ۲۴۷ – مقتضای طبیعت چیست ؟ و چگونه انسان می تواند از آن رهایی یابد؟

۲۷۷ – ۲۷۹ | ۲۴۸ – چرا تعصب وطنی مردود است ؟

۲۸۰ | ۲۴۹ – بر اساس تبیینات مبارک دلایل عدم ادراک حقیقت الوهیت را توضیح دهید. (۴ دلیل)

۲۸۲ | ۲۵۰ – حضرت عبدالبهاء با ذکر چه تشبیهی توضیح می فرمایند: " حقیقت الوهیت مقدس از نزول و صعود است ." ؟

۲۸۴ – ۲۸۷ | ۲۵۱ – حضرت مسیح می فرمایند: "که آفتاب خدا بر جمیع می تابد حتی برگنه‌کار." حضرت عبدالبهاء این مسئله را چگونه تبیین می فرمایند و از آن چه‌نتیجه‌ای می گیرند؟

۲۸۶ | ۲۵۲ – مقصود از ملائکه چه نفوسی می باشد؟

۲۸۷ | ۲۵۳ – تبیین حضرت عبدالبهاء در باره بیان مبارک " ای اهل عالم همه بار یک دارید و ..." را توضیح دهید .

۲۸۹ – ۲۹۰ | ۲۵۴ – حکمت ظهور ادیان الهی بر اساس بیانات حضرت عبدالبهاء چیست ؟

۲۹۲ | ۲۵۵ – اول مربی و معلم حقیقی عالم انسانی کیست ؟

۲۹۲ | ۲۵۶ – علائم حقانیت پیامبران الهی چیست ؟ (۳ مورد)

۲۹۲ – ۲۹۳ | ۲۵۷ – مقصد از نبوت چیست ؟

۲۹۸ | ۲۵۸ – فلاسفه شرق و فلاسفه غرب هر یک میزان ادراک را چه چیز قرار می دهند؟

۲۵۹ – چرا حس میزان تام ادراک نیست ؟ توضیح دهید .

۲۹۹ – ۳۰۰ | ۲۶۰ – ادراکات انسان بر چند قسم است ؟

۳۰۰ | ۲۶۱ – امتیاز ادراک انسان بر حیوان در چیست ؟

۳۰۱ – ۳۰۲ | ۲۶۲ – عقیده فلاسفه غرب در مورد منشاء و نوع انسان چیست ؟ و در این مورد چه برهانی می آورند؟

۳۰۲ | ۲۶۳ – با ذکر شاهدی توضیح دهید که حتی اگر هیئت و صورت انسان تغییر و تبدیل یابد نوعیتش محفوظ می ماند .

۳۰۴ – ۳۰۵	۲۶۴ – فلاسفه شرق چرا عالم انسانی را ممتاز از حیوان دانسته‌اند؟
۳۰۵	۲۶۵ – در انسان چه کمالاتی هست که در طبیعت نیست؟
۳۱۰	۲۶۶ – از جمله حکمای یونانی که از علمای بنی اسرائیل تحصیل حکمت نمودند چه کسانی بودند؟
۳۱۱ – ۳۱۲	۲۶۷ – بر اساس بیانات مبارکه مقصد از بعثت انبیاء و ظهور ادیان چیست؟
۳۱۱ – ۳۱۳	۲۶۸ – حضرت عبدالبهاء دلایل حقانیت پیغمبر و نبوت و برهان وحی را چه ذکر می فرمایند. (دو دلیل)
۳۱۲	۲۶۹ – هر دینی منقسم بر چند قسم است؟ توضیح دهید.
۳۱۳ – ۳۱۴	۲۷۰ – حضرت مسیح چه خدمتی به شریعت حضرت موسی نمود؟
۳۱۷ – ۳۱۸	۲۷۱ – تبیین مبارک در مورد این بیان اشعیا چیست؟" گرگ و میش از یک چشمه نوشند و باز و کبک در یک آشیانه لانه نمایند."
۳۲۲	۲۷۲ – به فرمودهٔ مبارک " جمیع کائنات اسیر طبیعت است مگر انسان " علت چیست؟
۳۲۴	۲۷۳ – جمیع فضائل و امتیازاتی که انسان را ممتاز از طبیعت می نماید حاصل از چیست؟
۳۳۲	۲۷۴ – انسان چگونه می تواند دیگران را حیات ملکوتی بخشد؟ (دو مورد)
۳۳۴	۲۷۵ – با توجه به بیانات مبارک توضیح دهید که صفات الوهیت و ربوبیت تعطیل – پذیر نبوده و نیست؟
۳۳۵ – ۳۳۶	۲۷۶ – حکمت و نتیجه ظهور مظاهر مقدسه چیست؟
۳۳۶	۲۷۷ – حقیقت عالم انسانی حائز چند صورت و جنبه است؟ توضیح دهید.
۳۳۶	۲۷۸ – مقصود از حقیقت ثانویه چیست؟
۳۳۷	۲۷۹ – انسان درچه صورت اشرف مخلوقات و در چه صورت از حیوان پست‌تر می شود؟
۳۳۸	۲۸۰ – صورت طبیعی و صورت ملکوتی انسان را توضیح دهید.
۳۳۹ – ۳۴۰	۲۸۱ – علت ظهور مظاهر مقدسه و استمرار آن را توضیح دهید.
۳۴۰ – ۳۴۱	۲۸۲ – کمالات مظهر فیض الهی باید چگونه باشد تا ثابت شود معلم الهی است؟
۳۴۵	۲۸۳ – انبیای الهی صدمات و بلایا را به چه جهت تحمل فرمودند؟
۳۴۶	۲۸۴ – به فرموده مبارک در صورت عمل به تعالیم چه نتایجی حاصل می شود؟

ضمیمه ۴

اعلام و اصطلاحات

آریان : مردمانی آریانی(هند و ایرانی) را پس از تحقیقاتی که موافق موازین علمی در جمجمه‌ها و زبانها و مذاهب و داستانها و افسانه‌های قبل از تاریخ این ملل شده به هشت شعبه تقسیم کرده‌اند :

۱ ـ آریانی بالاخص ۲ ـ یونان و مقدونی ۳ ـ ارمنی ۴ ـ آلبانیائی(شبه‌جزیره بالکان) ۵ ـ ایتالیایی ۶ ـ سلتی (بومیان اروپای غربی) ۷ ـ ژرمنی (آلمانیهای غربی و شرقی اروپا ، آنگلوساکسونها و اسکاندیناویها) ۸ ـ لیتوانی و اسلاوی (ایرانیان از گروه اول منشعب شده‌اند .)

به عقیده محققین این مردمان در عهدی بسیار قدیم در جایی با هم زندگانی می کرده‌اند و بعد به جهتی که معلوم نیست ، شاید از زیاد شدن سکنه و کمی جا بوده ، هر کدام به طرفی رفته‌اند . زمان جدا شدن این مردمان را از یکدیگر نمی توان محققاً معلوم کرد ولی بعضی تصور می کنند که در حدود سه یا چهار هزار سال ق . م بوده .

(تاریخ ایران باستان ـ صفحه ۹)

آسوریان : (آشوریان) نام قومی از نژاد سامی ساکن بابل که به سواحل وسطای دجله و جبال مجاور آن هجرت کردند و در آنجا دولتی کوچک به نام آسور بنیاد نهادند و آسور نام رب النوعی معبود آنها بود . پایتخت این ملک نیز در ابتدا شهری به همین نام بود ولی در دوره‌های بعد شهر " کالاه " (کالح در تورات) و پس از آن نینوا را عاصمه ملک کردند و استقلال آنان میان قرن هیجدهم و پانزدهم پیش از میلاد است و رفته رفته این دولت بزرگ شد . از طرفی تا مصر و از یک سو تا کویر ایران وارمنستان انبساط یافت و ماد و پارس دست نشانده او شدند و ایلام را از میان برداشت و پس از قریب ده قرن ماد بر آن دست یافته و منقرض گردید (۶۰۶ قبل از میلاد) و در دوره هخامنشیان آسور جزیی از ایران بود .

فرهنگ دهخدا

آمریکا : یکی از قطعات پنجگانه عالم که تا قرن ۱۵ میلادی بر مردم آسیا و اروپا مجهول بود . به سه قسمت ۱ ـ آمریکای شمالی ۲ ـ آمریکای مرکزی ۳ ـ آمریکای جنوبی تقسیم گردیده که در نیمکره غربی قرار دارد .

(فرهنگ معین ـ جلد ۵)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " اول اعلان حریتی که برای سیاهها شد از سفیدان آمریک بود . "

خطابات جلد ۲ ـ صفحه ۴۱

میان ایالات شمالی و جنوبی آمریکا از همان آغاز کار ، تفاوت بزرگ و نمایانی وجود

داشت . ایالات شمالی صنعتی بودند و در آنجا صنایع ماشینی جدید بسرعت رشدمی یافت . در جنوب کشتزارها و مزارع وسیعی وجود داشت که غلامان و بردگان در آنها بکار گمارده می شدند ؛ برده‌داری و برده‌فروشی یک کار رسمی و قانونی بود . در ایالات شمالی این کار مورد پسندنبود... داد وستد بازرگانی بردگان در اوایل قرن هفدهم شروع شد وتا سال ۱۸۶۳ بطور منظم ادامه داشت . در ابتدای کار کشتیهای باربری مخصوص به سواحل غربی افریقا می رفتند که قسمتی از آنجا هنوز هم " ساحل غلامان " نامیده می شود. هر وقت می خواستند هر چه سیاهپوست که به چنگشان می افتاد به راحتی می گرفتند و آنها را به امریکا می بردند . در این ضمن در شمال تبلیغات وسیع و دامنه‌داری برای از بین بردن کامل برده‌فروشی و برده‌داری رشد می یافت . مردمی که هوادار الغای برده‌داری بودند " ابولیسیونیست " (طرفدار الغا) نامیده می شدند و رهبر اصلی ایشان " ویلیام لوید گاریسون" بود . در سال ۱۸۳۱ میلادی گاریسون روزنامه‌ای به نام " لیبراتور" (آزادیبخش) انتشار داد تا بوسیله آن تبلیغات و فعالیتهای ضد برده‌داری خود را تقویت کند... در سال ۱۸۵۹ ، ابراهام لینکلن برای ریاست جمهوری ایالات متحده انتخاب گردید (وی از مخالفان جدی برده‌داری بود) با انتخاب او دولتهای جنوبی از اتحادیه کشورهای متحده کناره گرفتند و رئیس جمهور جداگانه‌ای برای خود برگزیدند (جفرسون داولیس) . این کناره‌گیری موجب جنگ عظیمی شد که مدت ۴ سال ادامه یافت (جنگهای انفصال از آوریل ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵) و نهایتاً با پیروزی ایالات شمالی به پایان رسید . لینکلن برای بار دوم به مقام ریاست جمهوری رسید ولی چند روز بعد از پیروزی ، وی هدف گلوله یکی از مخالفان الغا بردگی قرار گرفته ، کشته شد .درضمن جنگ انفصال کنگره دولتهای متحد شمالی بردگی را لغو کردند (ژوئن ۱۸۶۲) وبردگان ایالات جنوبی نیز آزاد شدند و بعد از جنگ،آزادی آنها رسمیت یافت و حق شرکت در انتخابات را یافتند . اقتباس از تاریخ قرن ۱۹ ومعاصر ـ قسمت ۴

صفحات ۱۰۴۵ ـ ۱۰۴۰

آنیبال : در مدت بیش از یکصد سال رم و کارتاژ با یکدیگر جنگیدند و در فاصله جنگها، دورانهای صلح موقتی و کوتاهی برقرار می شد . آنها بصورت بسیار خشن و وحشیانه با هم می جنگیدند و این جنگها موجب فقر و مصیبت توده‌های مردم می شد . سه جنگ عمده میان آنها روی داد که مجموعاً جنگهای پونیک نامیده می شوند . نخستین جنگ پونیک مدت بیست و سه سال از ۲۶۴ تا ۲۴۱ پیش از میلاد طول کشید و با پیروزی رم به پایان رسید . بیست و دو سال بعد دومین جنگ پونیک روی داد و کارتاژ سردار نامداری را به نام " هانیبال " به جنگ فرستاد که در تاریخ بسیار مشهور است . هانیبال مدت

پانزده سال به رم حمله می برد و اسباب وحشت و اضطراب رومیها شده بود. هانیبال ارتشهای رومی را شکست داد و آنها را قتل عام کرد و مخصوصاً در سال ۲۱۶ پیش از میلاد در جلگه " کان " پیروزی بزرگی بدست آورد. تمام این پیروزیهای هانیبال ، بدون آنکه کمک فراوانی از کارتاژ دریافت دارد بدست آمد. زیرا ارتباط او با کارتاژ قطع شده بود و رومیها در دریا تفوق و تسلط داشتند. اما رومیها که از مقابله با هانیبال در فضای وسیع و دشتهای پهناور می ترسیدند و از چنین جنگهایی می گریختند، می کوشیدند او را خسته کنند و ارتباطش را قطع سازند... هانیبال قسمت عمده‌ای از ایتالیا را ویران ساخت اما مقاومت و سرسختی رم عاقبت به پیروزی منتهی شد. درسال ۲۰۲ پیش از میلاد در جنگی که در " راما " روی داد هانیبال شکست خورد و گریخت. در حالیکه کینه ودشمنی تسکین ناپذیر رم،او را همه جا قدم بقدم دنبال می کرد تا عاقبت خودش را مسموم کرد... (نگاهی به تاریخ جهان ـ جلد ۱ ـ صفحه ۱۶۱)

اتحاد و ترقی (جمعیت) : در سال ۱۸۷۶ در قسطنطنیه شورشهایی بخاطر بدست آوردن یک قانون اساسی صحیح آغاز گشت. سلطان هم با این درخواست موافقت کرد اما بلافاصله بخاطر شورشی که در بلغارستان شروع شد و بدنبال آن هم جنگ با روسیه روی داد ،قانون اساسی کنار گذارده شد... در اوایل قرن بیستم درخواست برای قانون اساسی خیلی نیرومند گردید در این زمان در میان افسران ارتش که تنها کسانی بودند که سازمان داشتند حزب تازه‌ای به نام " حزب ترکیه جوان " به سرعت توسعه یافت. سازمان مخفی " کمیته اتحاد و ترقی" تشکیل گردید و قسمت عمده‌ای از ارتش را زیر نفوذ خود درآورد و در سال ۱۹۰۸ سلطان عبدالحمید را ناچار ساختند که قانون اساسی سال ۱۸۷۶ را که متروک شده بود به رسمیت بشناسد و مورد عمل قرار دهد ... قهرمان و رئیس این انقلاب آرام و بدون خونریزی " انور بیک " بود. " مصطفی کمال " که بعدها رهایی ـ بخش ترکیه شد نیز یکی از رهبران نهضت ترکیه جوان بود... سلطان عثمانی در سال ۱۹۰۹ بر اثر قیام " ترکهای جوان " مستعفی و خلع گردید."

(نگاهی به تاریخ جهان ـ جلد ۲ ـ صص ۴۷ ـ ۱۱۴۴)

اسپرانتو Esperanto : زبانی بین المللی که در سال ۱۸۸۷ م. بوسیلهٔ جزوه‌ای به نام " یک زبان جهانی" معرفی گردید. این زبان از طرف یک طبیب لهستانی از اهالی ورشو بنام دکتر زامنهوف ابداع گردید دستور زبان اسپرانتو بسیار ساده و آسان است و تنها ۱۶ قاعده دارد و استثنایی هم در آن نیست. (معین ـ جلد ۵)

اسلامبول : یا استانبول شهر بندری و عظیم ترکیه بر کنار بسفور و مدخل دریای

مرمره که نام قدیم آن قسطنطنیه بوده است . (۱۹ هزار لغت)

اقلیدس : به معنی کلید هندسه می باشد . وی ریاضی دان یونانی است که در اسکندریه زمان سلطنت بطلمیوس اول به تدریس پرداخت و کتاب اصول را نوشته که آن اساس هندسه مسطحه می باشد . (معین ـ جلد ۵)

الواح ملوک : حضرت ولی امرالله در توقیع منیع قرن می فرمایند : " به ملوک ارض و خلیفه اسلام و ملوک مسیحیه و ناپلئون سوم و شاه ایران و صدراعظم عثمانی و وکلای سلطان و سفیر ملک پاریس و سفیر عجم در مدینه کبیره و مشایخ مدینه و حکماء و اهالی آن و ملاء اعجام و فلاسفه ارض خطابات مهیمنه شدیده مهیجه قهریه متتابعاً از یراعه مظلوم عالم صادر و در نصیحت و عتاب و انذار و کشف اسرار و بیان حقایق و اقامهء دلایل و اتمام حجت لیلاً و نهاراً متحرک ... " (۱۹ هزار لغت)

سلاطین و زمامدارانی که مورد خطاب واقع شدند :

۱ ـ سلطان ایران ، ناصرالدین شاه ـ یک لوح

۲ ـ سلطان عثمانی و خلیفه اسلام ، عبدالعزیز ـ یک لوح

۳ ـ صدراعظم عثمانی ، عالی پاشا ـ دو لوح (الواح رئیس)

۴ ـ امپراتور روسیه ، الکساندر دوم ـ یک لوح

۵ ـ امپراتور اتریش (ملک نمسه) فرانسوا ژوزف مورد خطاب در کتاب اقدس

۶ ـ پادشاه آلمان (ملک برلین) ، ویلهلم اول . مورد خطاب در کتاب اقدس

۷ ـ امپراتور فرانسه ، ناپلئون سوم ، دو لوح

۸ ـ ملکه بریتانیا ، ویکتوریا ، یک لوح

۹ ـ روءسای جمهور آمریکا . مورد خطاب درکتاب اقدس

۱۰ ـ پاپ اعظم ، پی نهم . یک لوح

۱۱ ـ عموم سلاطین و روءسای ارض در سورة الملوک و کتاب اقدس و بعضی از الواح دیگر .

بالکان : بالکان قسمت شبه‌جزیره‌ای جنوب شرقی اروپا ، شامل کشورهای رومانی ، آلبانی ، یوگسلاوی (سابق) ، بلغارستان ، قسمتی از ترکیه و یونان (شبه‌جزیره بالکان) ، یکی از سه شبه‌جزیره معروف جنوب اروپا و شرقی ترین آنست که به کوهستان کارپات در مرکز اروپا منتهی می شود . دریاهای آدریاتیک و یونین در غرب ، دریای مدیترانه درجنوب و دریای آرشیپل و مرمره و دریای سیاه در مشرق آن را احاطه کرده‌اند ... سابقاً رومانی و صربستان و یونان معروفترین کشورهای این شبه‌جزیره بودند . قسمت شرقی و شمال شرقی آن متعلق به دولت ترکیه است و شهر استانبول در آن قرار دارد و در حال

حاضر، این شبه‌جزیره ، یونان و آلبانی ویوگسلاوی و بلغار و ترکیه اروپا را تشکیل می دهد. ناحیه " اپیرو ایلیری " امروز به‌بسنی و قره‌طاغ معروف است . مسیسیه نیزبه یوگسلاوی و بلغارستان تبدیل شده و رومانی نیز نام قسمتی از آن است .قسمت شمال غربی آن ترانسیلوانیا و مجارستان است . تراکیه و مقدونیه وستالی امروز جزء یونان است . تاریخ ترکیه در دویست سال اخیر، تاریخ جنگهای مداوم در مقابل روسیه که در حال توسعه بود و در مقابل شورشهای پیاپی ملیتهای مختلفی که تابع امپراطوری عثمانی بودند، می باشد. یونان ، رومانی، صربستان ، بلغارستان ، مونته‌نگرو و بسنی همه کشورهای بالکان بودند که قسمتی از امپراطوری عثمانی بشمار می رفتند... یونان در سال ۱۸۲۹ با کمک انگلستان ، فرانسه و روسیه از عثمانی جدا شد و استقلال یافت. روسیه یک کشور اسلاو است . بلغارستان و صربستان که در بالکان هستند نیز اسلاو می باشند. روسیه همواره می کوشید خود را مدافع آزادی اسلاوهای بالکان نشان دهد اما محرک اصلی و هدف واقعی روسیه شهر قسطنطنیه بود... جنگهای روسیه و ترکیه از سال ۱۷۳۰ شروع و با فاصله‌هایی از دوره‌های صلح و متارکه در سالهای ۱۷۶۸ ، ۱۷۹۲ ، ۱۸۰۷ ، ۱۸۲۸ ، ۱۸۵۳ ، ۱۸۷۷ و بالاخره ۱۹۱۴، تکرار گردید و ادامه یافت...بر اثر این جنگها کنفرانس بین المللی مشهوری در سال ۱۸۷۸ در شهر برلین تشکیل گردید تا سرنوشت ترکیه را مورد رسیدگی قرار دهد... بر اثر این پیمان که در آن کنفرانس بسته شد و به نام پیمان برلین مشهور گشت کشورهای بالکان یعنی بلغارستان و صربستان ، رومانی و مونتنگرو استقلال یافتند. اطریش ایالت بسنی و هرزگوین را اشغال کرد... انگلستان نیز جزیره قبرس را گرفت . ایتالیا نیز ناحیه طرابلس را در شمال افریقا به تصرف خود درآورد. در این زمان بلغارستان و صربستان و یونان و مونتنگرو که می خواستند ترکیه بکلی از اروپا بیرون برانند و تصرفات اروپایی او را از چنگش بدر آورند چون دیدند فرصت مناسبی فرارسیده است با هم متحد شده "جامعه بالکان " را بوجود آوردند و متفقاً در اکتبر ۱۹۱۲ به ترکیه حمله بردند. ترکیه بکلی فرسوده و از هم گسیخته شده بود. در داخل ترکیه میان مشروطه‌خواهان ومرتجعان بر سر حکومت رقابت شدیدی وجود داشت . در نتیجه عثمانی در مقابل حمله جامعه بالکان بشدت شکست خورد. بدین ترتیب نخستین جنگ بالکان پس از چند ماه به پایان رسید و ترکیه تقریباً بکلی از اروپا بیرون رانده شد و فقط استانبول(قسطنطنیه) برایش باقی ماند. حتی شهر ادرنه (ادریانوپول) که قدیمی ترین پایتخت عثمانی ها در اروپا بود بر خلاف میلش از او جدا گشت . معهذا فاتحان این جنگ خیلی زود بر سر غنیمت به جنگ آورده به جان یکدیگر افتادند. بلغارستان به شکلی ناگهانی وخیانت ـ

آمیز به متفقان سابقش حمله برد. کشتارهای مهیب متقابل روی داد و رومانی که سابقاً خود را دور و بر کنار نگاه داشته بود به امید سود به این معرکه پیوست. درنتیجه بلغارستان تمام آنچه را قبلاً بدست آورده بود از دست داد. رومانی و یونان و صربستان بر وسعت زمینهای قلمرو خود افزودند. ترکیه نیز شهر ادرنه را دوباره تصاحب کرد... بنظر می آید که کشتار و قتل عام و خشونتهای متقابل میان ترکها و ملل بالکان و ارمنی ها یک امر منظم و عادی شده بود که هر دو طرف به آن می پرداختند... بدین قرار پس از جنگهای بالکان ترکیه بسیار ضعیف و فرسوده بود و در اروپا فقط یک جای پای کوچک برای خود داشت سایر نواحی امپراطوری عثمانی هم متزلزل بود و از هم می پاشید ... جنگ بزرگ ۱۹۱۴ درست یکسال پس از آنکه جنگهای بالکان به پایان رسید آغاز گردید. نگاهی به تاریخ جهان ـ جلد ۲ ـ صص ۴۴ ـ ۱۱۴۲

بخت النصر یا نبوکد نصر: پادشاه مقتدر کلدانی در بابل که مکرر اورشلیم را فتح کرد. بار اول احتمالاً در سال ۵۹۷ قبل از میلاد که بر "یهویاقیم" سلطان یهود غلبه نمود و جمعی از اعاظم یهود را به اسارت برد و "صدقیا" را به حکومت گذاشت. دفعه بعد در ۵۸۷ که اورشلیم و معبد را خراب کرد و چندین هزار یهودی را به اسارت به بابل برد که همه آنها تا زمان غلبه کوروش کبیر در اسارت ماندند..

(۱۹ هزار لغت)

بطلمیوس: Batlemyus منجم معروف یونانی و عالم جغرافیا. مجسطی و آثار البلاد از اوست. وی معتقد بود که کرهٔ زمین ثابت است و در مرکز عالم قرار دارد و افلاک دور آن می گردند. (معین ـ جلد ۵)

بوذه: حضرت بودا در ۵۶۳ قبل از میلاد در یکی از شهرهای نپال کنونی در یک خانواده اشرافی متولد شدند. اسمشان "سیدراتا" به معنی روشندل و آگاه و شهرتشان "گوتاما" بود در سی سالگی انزوا گزیدند و در ۳۵ سالگی در محلی در ایالت "بیهار" هندوستان به رسالت مبعوث شدند و تا هشتاد سالگی به سیر و سفر و تبلیغ و هدایت ناس پرداختند و در ۴۸۳ قبل از میلاد صعود کردند. (۱۹ هزار لغت)

پطرس: نام ایشان در زبان سریانی "کیفاس" به معنی سنگ می باشد و اعراب او را "شمعون" نامیده اند و حضرت مسیح او را به جهت اظهار ایمان و اعتقاد به ابن الله بودن مسیح "پطر" به معنی سنگ ـ صخره نامیده و فرمودند "تو سنگی هستی که بر روی تو کلیسای خود را بنا خواهم نمود. وی اعظم حواریون بودند. (قاموس کتاب مقدس)

پولس قدیس: نام او در زبان عبرانی "شاؤل" (و اسم روسی او "پولس") است.

وی اهل " طرسوس " جزء متصرفات روم بوده... او یهودی متعصبی بود و در اوایل ظهور حضرت مسیح در ردیف مخالفین قرار گرفته و مدتها بر علیه مسیحیان اقدام می نمود.. چون جمعی از مسیحیان متواری شدند، پولس برای گرفتاری آنان از رئیس کهنه نامه گرفته به طرف شهری که آنها در آنجا بودند حرکت نمود و به طوری که مذکور است در بین راه به واسطهٔ رؤیایی که دید ایمان آورده به مسیحیان پیوست و از آن به بعد به تبلیغ امر حضرت مسیح پرداخت. (اقتباس از قاموس کتاب مقدس)

تـوران :"توران نام ترکستان است و بعضی از خراسان و آن از مشرق است، به ولایت ماوراءالنهر نیز نسبت داده‌اند. و گفته‌اند که چون این ملک را فریدون به تور پسر بزرگ خود داده بود به " توران " موسوم شد. سرزمین توران به ایران ویج یا خوارزم متصل بوده ، از طرف مشرق تا دریاچه آران که جغرافی نویسان قرون وسطی آن را دریاچه خوارزم نیز نامیده‌اند، امتداد داشته است. جنگهای ایرانیان و تورانیان بخش مهم داستانهای ملی ما را تشکیل می دهند... خوارزمی(نیمه دوم قرن چهارم هجری) در مفاتیح العلوم صفحه ۱۱۴ می نویسد: مرز توران معمولاً نزد ایرانیان ممالک مجاور جیحون است. در شاهنامه توران مملکت ترکان و چینیان است که بواسطه جیحون از ایران جدا می شود. در کتب ایرانی و عرب قرون وسطی تمایل مخصوص به اطلاق توران به سرزمین ماوراءالنهر مشاهده می شود. نزد خاورشناسان ، تورانیان طوایفی بودند در دشتهای روسیه و مستملکات آسیای نوین حالیه یا طوایف چادرنشینی که از دریای قفقاز تا رود سیحون (سیردریا) پراکنده بودند. از اوستا و کتب دینی پهلوی و داستانهای ملی و اقوال مورخان قدیم برمی آید که ایرانیان و تورانیان از یک نژاد بوده‌اند. منتهی ایرانیان زودتر شهرنشین و متمدن شدند و تورانیان به همان وضع بیابانگردی و چادرنشینی باقی ماندند. در کتب متأخر ترک و خزر و چین و ماچین و تبت و شرق را به تفاوت خاک تور و ممالک روم و روس و آلان و مغرب را خاک سرم (سلم) دانسته‌اند. بر خلاف این پندار توران و سرمان و دو مملکت دیگر سائینی و داهی(که در فرودین پشت آمده) هر چهار مانند خود ایران مرز و بوم قوم آریایی است (حاشیه برهان مصحح دکتر محمد معین)." (۱۹ هزار لغت ...)

جنگ جهانی اول : جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ آغاز و تا سال ۱۹۱۸ بطول انجامید. حادثه‌ای که بهانه ایجاد جنگ شد، کشته شدن ولیعهد اطریش در شهر سرایهٔ بود. " آرشیدوک فرانسوا فردیناند" ولیعهد اطریش و همسرش " سوفی دوهوهنبرگ " درسفری رسمی که به شهر سرایهٔ پایتخت بسنی کرده بودند توسط دانشجویی موسوم به گراویلو

پرنزیب در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ هدف گلوله قرار گرفته و کشته شدند. این واقعه سبب کشمکش بین اتریش و صربستان گردیده نهایتاً منجر به جنگ جهانی شد. متحدین در این جنگ کشورهای آلمان، اتریش و ایتالیا بودند و متفقین فرانسه، انگلستان و روسیه تزاری ایتالیا در خلال جنگ از متحدین جدا شده به متفقین پیوست و به جای آن دولت عثمانی به اتحاد آلمان و اتریش درآمد. بعد از چهار سال جنگ و وارد آمدن تلفات جانی و مالی بسیار بر طرفین جنگ، نهایتا در ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۸ پیمان متارکه جنگ به امضای طرفین رسید. امریکا تا سال ۱۹۱۷ در واقع در این جنگ شرکتی نداشت، ولی پس از آنکه در ژانویه ۱۹۱۷ آلمان تمام کشتیها، حتی کشتیهای بی طرف (که کشتیهای امریکا هم جزو آن بود) را غرق نمود، ورود امریکا به جنگ اجتناب ناپذیر شد. لذا امریکا هم در آوریل ۱۹۱۷ به آلمان اعلان جنگ داد و ورود امریکا به جنگ خود موجب پایان سریع جنگ شد. نگاهی به تاریخ جهان ـ جلد ۲ ـ صص ۱۱۸۷ ـ ۱۱۹۱

چنگیز : نام اصلی وی به زبان مغولی تموچین است. او در حدود سال ۵۴۹ هجری در مغولستان تولد یافت. پدرش یسوکای بهادر رئیس و خان قبیله قیات از قبایل مغولی بود. وی سیزده ساله بود که پدرش درگذشت. جمعی از مغولان اطاعتش را گردن ننهادند و تموچین پس از رنج بسیار بر آنان پیروز شد. وی درزمان خوارزمشاهیان (سلطان محمد) بر ایران تاخت در سال ۶۱۸ خوارزم را فتح نمود و پس از آن نیشابور طوس را ویران کرده مشهد را غارت نمود. وی در سال ۶۱۹ بعد از فرار سلطان جلال الدین و کشتار وحشت انگیزی که در سراسر ایران کرد، برای فرونشاندن شورشی که در چین شمالی و تبت به ظهور رسیده بود، به مغولستان برگشت و در آنجا در ۶۲۴ در اثر بیماری درگذشت. (فرهنگ دهخدا)

حادث : کلمهٔ حادث در فلسفه بر دو معنی اطلاق می شود یکی وجود چیزی بعد از عدم آن بنحو بعدیت زمانی که حادث به حدوث زمانی می نامند و دوم نیازمند بودن چیزی به غیر و علت که حادث به حدوث ذاتی می نامند. (فرهنگ علوم عقلی ـ صفحه ۲۰۶)

علم حصولی و علم حضوری : علم حصولی درمقابل علم حضوری قرار دارد و آن علمی است که صورتی از معلوم در نزد عالم حاصل می شود. مثلاً وقتی به درخت سروی بنگریم (یا آن را بنظر آوریم) صورتی از آن در ما برانگیخته می شود. ما عالم هستیم و آن سرو خارجی معلوم و در اینجا بین عالم و معلوم جدائی و افتراق است و علم بوسیلهٔ میانجی است نه بطور مستقیم. اما علم حضوری آن است که معلوم، خود در نزد عالم حاضر باشد (نه صورتش) و واسطه‌ای در بین نباشد. مثل علم ذهن به حالات و کیفیات خودش.
(منطق صوری ـ صص ۶ ـ ۵)

علم حضوری : رجوع شود به علم حصولی

حنا : (حنان ـ حناس) کاهن بزرگ یهود که از حضرت مسیح باز پرسی کرد وی پدر زن " قیافا " بود. قیافا از رؤسای کهنه بود و این هر دو به قتل حضرت مسیح فتوی دادند در کتاب مقدس مسطور است : " لکن چون خود ایشان و رئیس ایشان را قدرت اجرای این حکم نبود بدین واسطه وی را به نزد پیلاطس آوردند تا آنکه وی امر به صلیبش نماید. متی ۲۷ : ۱ و ۲ " (قاموس کتاب مقدس صفحه ۷۰۶)

حواریون : مؤمنین اولیه به حضرت مسیح دوازده نفر بودند که به نام حواریون یا رسل نامیده می شوند و عبارتند از : شمعون پطرس و اندریاس برادرش ، یعقوب ابن زبدی که وی را یعقوب کبیر می گفتند و یوحنا برادرش ، فیلپوس ، برتولما ، توما ، متی که وی را لاوی نیز می گفتند ، شمعون غیور ، لیبوی که بتدی ملقب بود و یهودا نیز خوانده می شد ، یعقوب صغیر الفیوس و یهودای اسخریوطی که حضرت مسیح را تسلیم دشمنان نمود. (قاموس کتاب مقدس ـ صفحه ۴۱۴)

داود : پس از شائول اولین پادشاه یهود ، قبایل و اسباط یهود داوود را که از جوانترین فرزندان (یتا) و از سبط یهودا بود و به دست شموئل نبی تقدیس گشته بود به سلطنت انتخاب نمودند گویند وی چهل سال حکومت نموده و پس از جنگهای بسیار اقوام یهود را متحد نموده ، مقر خود را به اورشلیم انتقال داد. حضرت داوود (داوود بن یسی)در ۷۱ سالگی درگذشت و در کوه صهیون مدفون گردید. مزامیر از اوست (مزامیر سرودها واشعاری است که آهنگ آنها با نی نواخته می شود) (فرهنگ معین ـ جلد ۵)

درزی : " درزی مذهبی است که پیروانش (متجاوز از دویست هزار نفر) در سوریه ولبنان اقامت دارند. عقاید مربوط به اصل و ریشه آنها مختلف است . چون به " حاکم" (ابوعلی منصور) خلیفه فاطمی که از نوادههای اسمعیل بود و خود را خدا خواند ، عقیده دارند آنها را شعبهای از اسمعیلیه تصور می کنند و چون در همان زمان " حاکم" و بعد ازاو (حدود ۱۰۰۰ میلادی) حمزة ابن علی و محمد بن اسمعیل درزی مؤسس این مذهب شدند ، آنها را درزی می خوانند. موحد هستند ولی حاکم را تجسد خدا می دانند. به صداقت و رضا و اطاعت از فرماندهان اهمیت داده و به تناسخ نیز عقیده دارند."

(۱۹ هزار لغت)

سبطی : یهودی اسرائیلی منسوب به اسباط بنی اسرائیل . (۱۹ هزار لغت)

سریانی ـ سریانی : " منسوب به سورستان . نام قوم سامی نژاد که با قوم آرامی

خویشاوند بودند و لهجه آنها را نیز " سریانی" نامند. این لهجه از لهجه‌های مهم آرامی شرقی است و در ایران از خود آرامی معروفتر است ... در قرن دوم میلادی سورستان یکی از مراکز مهم عیسویان گردید و در چند قرن پیش از آن از زمان اسکندر و جانشینان وی " سلوکس " و " انتیوخس " شمال بین النهرین مرکز زبان سریانی بوده ..." (۳۰۲) (فرهنگ دهخدا)

سقلاب : (سقلب ، سقلاب ، صقلاب) طائفه اسلاو که ساکن سواحل رود دانوب بودند و بعد در مشرق اروپا متفرق شدند. منطقه‌ای که طوائف اسلاو در آن اقامت داشتند که شامل نواحی بین قسطنطنیه و بلغار می شده است . (۱۹ هزار لغت)

سلیمان : بعد از داوود نبی که دومین پادشاه یهود بود ، پسرش سلیمان در حالیکه ۲۰ سال داشت به جای وی منصوب گردید. او برای تعمیر بیت المقدس اقدام کرد. عقل و کیاست وی مشهور است . امثال و حکم سلیمان در عهد عتیق (تورات) معروف است .

(فرهنگ معین ـ جلد ۵)

صلیبی (جنگها) : نبردی طولانی بین قوای مسیحی و مسلمان بود که از سال ۱۰۹۵ میلادی (۴۸۹ هـ . ق) آغاز شد و تا سال ۱۲۹۰ میلادی (۶۹۰ هـ . ق) حدود دو قرن ادامه داشت در طی این دو قرن تنها حدود ۷۵ سال از سوی دو طرف متارکه جنگ اعلام گردید. این جنگها به عنوان آزاد کردن بیت المقدس با فرمان پاپ اوربن Urbain در سال ۱۰۹۵ میلادی آغاز گردید و شامل ۹ جنگ بود. جنگهای صلیبی با سقوط عکا آخرین پایگاه صلیبیان در فلسطین بدست الاشرف خلیل فاتح ، سلطان ملوک مصر پایان پذیرفت .

(اقتباس از فرهنگ دهخدا)

طیطوس : (امپراطور رومی ۸۱ ـ ۳۹ میلادی) که در سال ۷۰ میلادی قبل از امپراطور شدن به اورشلیم حمله کرد و پس از تخریب شهر و آتش زدن ابنیه و قتل عام، جمع بسیار زیادی از یهودیان را به اسارت برد. وی از سال ۸۱ ـ ۷۹ امپراطور شد و از ابتدا مواجه با بلای عظمی، آتشفشان " وزو" و از بین رفتن دو شهر " پومپه وهرکولانم" گردید. (۱۹ هزار لغت)

قبطی : مصری ـ اهالی مصر در قدیم (۱۹ هزار لغت)

قدیم : قدیم ذاتی عبارت از موجودی است که وجود او از غیرش نباشد و آن ذات حق است و مقابل آن حدوث ذاتی است قدیم بالزمان موجودی است که وجود او مسبوق به عدم نباشد و مقابل او حادث بالزمان است . (فرهنگ علوم عقلی ـ صفحه ۴۶۳)

قیافا : رجوع شود به حنا

کلدانیان : (در قدیم سرزمین بابل را کلده می نامیدند و آن شامل بخش جنوبی بین النهرین بود) امپراتوری آشور تنها ۱۵۰ سال پس از سارگن دوم طول کشید. سامیان بیابانگرد نوخاسته‌ای از سوی جنوب شرقی بنام کلدانیان با دو گروه از مردم آریایی زبان از سوی شمال که مادها و پارسیان باشند علیه آشور دست بدست دادند و در ۶۰۶ پیش از میلاد نینوا را گرفتند... این مردم از جنگلها و دشتهای شمال وشمال غربی بیرون تاختند. مردمی بودند سخت جان و سلحشور. بعضی از ایشان راه جنوب شرقی گرفتند و از هند سردرآوردند و با خویشتن لهجه‌ای از زبان آریایی بردند که سپس زبان سانسکریت شد و دیگران بسوی سرزمین تمدنهای کهن روی آوردند.

(فرهنگ دهخدا)

کلمبوس : [Christophe , Colomb] دریانورد معروف ایتالیائی و کاشف آمریکا او می خواست راه دریایی بسوی هند را پیدا کند تا اینکه به خدمت ملکهٔ قشتاله (کاستیل) درآمد و در سال ۱۴۹۲ م. از ملکه ایزابل سه کشتی گرفت و بدین وسیله امکان مسافرت و کشف قارهٔ جدید آمریکا را پیدا کرد. وی در سوم اوت ۱۴۹۲ م. بندر " پالوس " (Palos) را ترک گفت و پس از تحمل رنجهای فراوان به سان سالوادور رسید و سپس در جزیره کوبا و هائیتی پیاده شد. دومین سفر وی از ژوئن ۱۴۹۳ م . آغاز گردید در این سفر گوادلوپ ، پورتوریکو ، جامائیک و ساحل جنوب باختری کوبا را شناخت در سومین سفر خود به سال ۱۴۹۸ م . کریستف کلمب پس از رسیدن به ترینیتی (Triniti) درساحل آمریکای جنوبی از " اورنوک " (Orenoque) تا کاراکاس پیش رفت . در چهارمین سفر کلمب که از ۱۵۰۲ تا ۱۵۰۴ م . ادامه داشت ، ساحل آمریکای مرکزی را از هندوراس تا خلیج " دارین " (Darien) کشف کرد. پس از برگشت از آخرین سفر دریایی دیگر کمکی به او نشد و در حال تنگ دستی درگذشت . (فرهنگ معین ـ جلد ۶ ـ ص ۱۵۹۲)

کنفوسیوس : کنفوسیوس (۴۷۹ ـ ۵۵۱ قبل از میلاد) که به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء " تجدید سلوک و اخلاق قدیم نمود" فیلسوف روحانی و حکیم ربانی و جلیل القدری بود که در ۵۵۱ قبل از میلاد در ایالت " لو" در چین متولد شد. از ۲۵ سالگی قیام به نصیحت و ارشاد مردم و خصوصاً تعلیم جوانان کرد. یکبار تا مقام قضاوت و وزارت ـ عدلیه رسید که مورد پسند اغنیاء و توانگران واقع نشد وباز به تعلیم پرداخت تا در سن ۷۲ سالگی از این عالم رفت. (۱۹ هزار لغت)

مجسطی : رجوع شود به بطلمیوس

لاهه ـ(کنفرانس صلح) : لاهه از مهمترین شهرهای هلند و مرکز بعضی سازمانهای بین المللی است . دوکنفرانس بین المللی صلح در آن مدینه تشکیل شد . اولی در ۱۸۹۹ میلادی به دعوت نیکلای دوم امپراطور روسیه و با حضور صد نفر نمایندگان کشورهای عالم که منجر به تشکیل شورای حکمیت و دیوان داوری گردید . کنفرانس دوم در سال ۱۹۰۷ ـ تشکیل و قرار شد سومین کنفرانس در سال ۱۹۱۵ و یا ۱۹۱۶ تشکیل گردد که هرگز عملی نشد زیرا جنگ جهانی اول از ۱۹۱۴ آغاز گردید." جمعیت صلح لاهای " که حضرت عبدالبهاء لوحی در جواب نامه آنها مرقوم فرموده اند غیر این دو کنفرانس است . این لوح بعد از جنگ مزبور نازل گردید . (این لوح در مکاتیب جلد اول صفحه ۲۸۵ و نیز مکاتیب جلد سوم صفحه ۱۰۰ مندرج می باشد .) (۱۹ هزار لغت)

ـ در اثنای جنگ بین المللی اول (۱۸ ـ ۱۹۱۴) جمعیتی از افراد ملل متخاصم وغیر متخاصم بنام " جمعیت مرکزی صلح دائمی" تشکیل و کمیته اجرائی آنها در لاهای (لاهه) پایتخت " هلند" که مملکت بیطرفی بود برقرار گردید . این جمعیت مقاصد خود را که عبارت از بسط صلح و سلام و خاتمه دادن به جنگ مهیب بود از طریق جرائد به اطلاع ملل مختلفه رسانید . چون قسمتی از مرام آنها موافق تعالیم الهیه بود جناب " ابن اصدق"، "جناب احمد یزدانی" و جناب " دکتر ابراهیم پیروز" متفقاً مقالاتی تهیه کرده و ترجمه آن را با اغتنام فرصت انتشار تعالیم مبارکه ، جهت کمیته مزبور ارسال داشتند . پس از تبادل مراسلات عاقبت از طرف کمیته اجرائی عرایض برای تقدیم به حضور حضرت عبدالبهاء به طهران رسید ولی به علت شرایط جنگی ارسال آنها به تأخیر افتاد . بالاخره در سال ۱۹۱۹ جواب مبارک طی لوح مفصلی نازل شد و در سال ۱۹۲۰ توسط جناب " ابن اصدق " و جناب " یزدانی " لوح مزبور و ترجمه اش به کمیته اجرائی صلح در لاهه حضوراً تسلیم گردید ." (جزوه معارف عمومی ـ شماره ۱۵ ـ صفحه ۳۴)

مصریان (اجیپیان ـ اوهامات مصریان) : تمدن مصری که یکی از کهنترین تمدنهاست و می توان شکوفایی آن را از روی پیشینه های فراوان مطالعه کرد ، نشانه پیش درآمد درخشان تاریخ کلی فرهنگ است . آغاز این تمدن در سپیده دم زندگی نوسنگی پنهان است و این همان وقتی است که عوامل فرهنگی بسیاری که از اهمیت بسیار برخوردار است پدید آمده است . سیر ناگسسته تمدن مصری گواهی بر شکوهمندی بسیار این تمدن است . مصر با آفرینش فرهنگ گاوآهن که بازرگانی صنعت و سازمان سیاسی قابل توجهی را ممکن ساخت پیشرفته ترین نوع زندگی اقتصادی عصر خود را به تکامل رساند . مهارت صنعتگران ، مهندسان ، فن ورزان و هنرمندان مصری براستی ستودنی است . هرمهاء پرستشگاههای بزرگ ، تصویرهای بدنبال هم دیواره پرستشگاهها ، تندیسهای فرعونها و سایر آثار

بزرگ نشانه‌ای از نبوغ آفرینشگر مصری است . از این گذشته مصر پیشاهنگ تکوین علوم ریاضی ، شیمی، پزشکی و اخترشناسی بوده است . دستاوردهای عالی، پایداری و تداوم زندگی مصری همراه با پیشینه‌هایی که از این کشور بیش از هر کشور دیگر به جا مانده ، برای پژوهش در پیشرفت انسان چه از جهت اجتماعی و سیاسی و چه از حیث اختراع مهمی در تاریخ که خون زندگی بخش تمدن مصری است ، همواره از مصر موضوع قابل توجهی خواهد ساخت . تأثیر مصر روی تمدن کشورهای همسایه در طول پنج هزار سال یا بیش از این مدت ، از حدو حساب بیرون است ..." (تاریخ تمدن ـ جلد ۱ ـ ص ۷۶)

نصیری : " نصیری ، پیرو مذهب نصیریه می باشد که یکی از مذاهب شیعه و از غلاة حضرت علی است و نصیریها بیشتر در سوریه و قلیلی در ایران اقامت دارند."

(۱۹ هزار لغت)

یوحنای معمدانی : حضرت یحیی بن ذکریا یا یوحنا معمدانی مبشر عظیم الشأن حضرت مسیح بود که از سن سی سالگی در کنار رود اردن مردم را غسل تعمید و توبه و بشارت به ظهور حضرت مسیح می دادند . آن حضرت در راه خدا به درجه شهادت رسیدند و حضرت مسیح در حق او شهادت داده و می فرمایند " در میان زائیده شدگان از زن مثل یحیی برنخاست ." (متی ۱۱ :۱۱) (قاموس کتاب مقدس صفحه ۹۴۶)

یونان : حضرت بهاءالله در لوح حکمت می فرمایند:" فانظروا الیونان انّا جعلناها کرسی الحکمة فی برهة طویلة ..." (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ـ صفحه ۵۰)

یونان از نظر تمدن و معارف و ترقیات فکری و معنوی تاریخ درخشانی دارد . اگر چه مصریان ، هندیان ، کلدانیان و دیگر ملتهای مشرق زمین پیش از یونان به دایره تمدن گام نهاده‌اند ولی تمدن آنان هر یک در جهت خاصی سیر کرده و شکل جامع وکاملی مانند تمدن یونان نداشته‌اند و در هر حال یونان به تمدن باستان جهان کمک شایانی کرده است . در یونان شاعران ، فیلسوفان ، متفکران و دانشمندان بزرگی به عرصه ظهور رسیده‌اند .حکومتهای آنان اغلب به زد و خورد مشغول بودند و مشهورترین وقایع باستانی آن عبارت است از:

۱ ـ جنگ تروا که مشتمل است بر وقایع باستانی مخلوط به افسانه و اساطیر ۲ ـ جنگ با ایران ۳ ـ جنگ با پلوپونی ـ از فلاسفه مشهور یونان سقراط، ارسطو ، افلاطون ، فیثاغورث و بسیاری دیگر را می توان نام برد . (فرهنگ دهخدا)

ضمیمه ۵

مآخذ و منابع کتب مقدسه

مآخذ برخی از آیات با توجه به کلمهٔ اول آیه مبارکه همانگونه که در بیانات حضرت عبدالبهاء مورد استفاده قرار گرفته است ذکر گردیده

الف ـ کتاب مقدس

ـ " نص انجیل است که آفتاب الهی بر مطیع و عاصی پرتو انداخته..."

انجیل متی باب ۵ آیهٔ ۴۴ و ۴۵ ... اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمائید و برای لعن کنندگان خود برکت طلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می سازد و باران بر عادلان و ظالمان می بارانند..."

ـ " در انجیل است که آنچه مال قیصر است به قیصر بدهید و آنچه مال خداست به خدا."

انجیل متی باب ۲۲ آیات ۱۵ به بعد: " پس فریسیان رفته شوری نمودند که چطور او را در گفتگو گرفتار سازند و شاگردان خود را با هیرودیان نزد وی فرستاده گفتند استاد می دانیم که صادق هستی و طریق خدا را براستی تعلیم می نمایی و از کسی باک نداری زیرا که بظاهر خلق نمی نگری . پس به ما بگو رأی تو چیست ؟ آیا جزیه دادن به قیصر رواست یا نه؟ عیسی شرارت ایشان را درک کرده گفت ای ریاکاران چرا مرا تجربه می کنید. سکهٔ جزیه را بمن بنمائید. ایشان دیناری نزد وی آوردند. بدیشان گفت این صورت و رقم از آن کیست ؟ بدو گفتند از آن قیصر. بدیشان گفت مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا."

ـ " مثلاً در تعالیم حضرت مسیح می فرماید اگر کسی بر یمین شما زند یسار را پیش آرید."

انجیل متی باب پنجم آیات ۳۸ به بعد: " شنیده اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی . لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت مکنید بلکه هر که بر رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز بسوی او بگردان و اگرکسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار."

ـ "حضرت مسیح در انجیل می فرماید که این بیاناتی که من می کنم نظیر تخمی است که دهقان می افشاند و آن دانه‌ها بعضی بر سنگ افتد..."

انجیل مرقس باب چهارم ، آیهٔ ۲ الی ۲۱ :"... پس ایشان را به مثل ها

چیزهای بسیار می آموخت و در تعلیم خود بدیشان گفت گوش گیرید اینک برزگری به جهت تخم‌پاشی بیرون رفت و چون تخم می پاشید قدری بر راه ریخته شده مرغان هوا آمده آنها را برچیدند و پاره‌ء بر سنگلاخ پاشیده شد، در جایی که خاک بسیار نبود پس چون که زمین عمقی نداشت بزودی روئید و چون آفتاب برآمد سوخته شد و از آن رو که ریشه نداشت خشکید و قدری در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده آن را خفه نمود که ثمری نیاورد و مابقی درزمین نیکو افتاد و حاصل پیدا نمود که روئید و نمو کرد و بار آورد. بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد. پس گفت هر که گوش شنوا دارد بشنود... و بدیشان گفت آیا این مثل را نفهمیده‌اید پس چگونه سایر مثل ها را خواهید فهمید. برزگر کلام را می کارد و اینانند به کناره‌ء راه، جائی که کلام کاشته می شود و چون شنیدند فوراً شیطان آمده کلام کاشته شده در قلوب ایشان را می رباید و ایضاً کاشته شده‌ء در سنگلاخ کسانی می باشند که چون کلام را بشنوند در حال آن را به‌خوشی قبول کنند ولکن ریشه‌ء در خود ندارند بلکه فانی می باشند و چون صدمه‌ء یا زحمتی به سبب کلام روی دهد در ساعت لغزش می خورند و کاشته شده‌ء در خارها آنانی می باشند که چون کلام را شنوند اندیشه‌های دنیوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر داخل شده کلام را خفه می کنند و بی ثمر می گردد و کاشته شده‌ء در زمین نیکو آنانند که چون کلام را شنوند آن را می پذیرند و ثمر می آورند. بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد"

- " این شخص از ناصره آمده ما او را می شناسیم"

انجیل یوحنا باب هفتم آیه‌ء ۲۵ : " پس بعضی از اهل اورشلیم گفتند آیا این آن نیست که قصد قتل او را دارند و اینک آشکارا حرف می زند و بدو هیچ نمی گویند. آیا روءسا یقیناً می دانند که او در حقیقت مسیح است. لیکن این شخص را می دانیم از کجا است اما مسیح چون آید هیچکس نمی شناسد که از کجاست."

انجیل یوحنا باب هفتم آیه‌ء ۴۱: " و بعضی گفتند مگر مسیح از جلیل خواهد آمد. آیا کتاب نگفته است که از نسل داود و از بیت لحم دهی که داود در آن بود مسیح ظاهر خواهد شد. پس در باره‌ء او در میان مردم اختلاف افتاد."

- " اینست که حضرت مسیح می فرماید که پدر در پسر است یعنی آن آفتاب دراین آینه ظاهر و آشکار است."

انجیل یوحنا باب ۱۴ آیه ۶: " ... عیسی بدو گفت من راه راستی و حیات هستم. هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید. اگر مرا می شناختید پدر مرا نیز می شناختید و بعد از این او را می شناسید و او را دیده‌اید. فیلیپس به وی گفت ای آقا پدر

را به ما نشان ده که ما را کافیست .عیسی بدو گفت ای فیلیپس در این مدت با شما بودم آیا مرا نشناختهء . کسی که مرا دید پدر را دیده است پس چگونه تو می گوئی پدر را به ما نشان بده. آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است . سخن هائی که من به شما می گویم از خود نمی گویم لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می کند ..."

- " در انجیل ذکر شده که حضرت اشعیا فرمود این خلق چشم دارند ولی نمی بینند، گوش دارند ولی نمی شنوند... و حضرت مسیح در کتاب مقدس می فرماید که من آنها را شفا می دهم..."

انجیل متی باب سیزدهم آیهء ۱۰ الی ۱۶ : " ... آنگاه شاگردانش آمده به وی گفتند از چه جهت با اینها به مثلها سخن می رانی. در جواب ایشان گفت دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است لیکن بدیشان عطا نشده. زیرا هر که دارد بدوداده شود و افزونی یابد. اما کسی که ندارد آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد. از این جهت با اینها به مثلها سخن می گویم که نگرانند و نمی بینند و شنوا هستند اما نمی شنوند و نمی فهمند و در حق ایشان نبوت اشعیا تمام می شود که می گوید به سمع خواهید شنید و نخواهید فهمید و نظر کرده خواهید نگریست و نخواهید دید. زیرا قلب این قوم سنگین شده و به گوشها به سنگینی شنیده اند و چشمان خود را بر هم نهاده اند مبادا به چشمها ببینند و به گوشها بشنوند و به دلها بفهمند و بازگشت کنند و من ایشان را شفا دهم"

و نیز در کتاب اشعیاء نبی باب ششم می فرمایند" ... آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت که را بفرستم و کیست که برای ما برود گفتم لبیک مرا بفرست . گفت برو و به این قوم بگو البته خواهید شنید اما نخواهید فهمید و هر آینه خواهید نگریست اما درک نخواهید کرد دل این قوم را فربه ساز و گوشهای ایشان را سنگین نما و چشمان ایشان را ببند مبادا با چشمان خود ببینند و با گوشهای خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت نموده شفا یابند."

-"در شریعت تورات طلاق جائز در شریعت مسیح جائز نه"

انجیل متی باب ۵ آیهء ۳۱ و ۳۲ : " و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامهء بدو بدهد لیکن من به شما می گویم هر کس بغیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد."

- (... تا حقیقت انسانی ... صدق آیه تورات شود) صورت و مثال الهی گردد...

سفر پیدایش. باب اول. آیات ۲۷ و ۲۶ : " ... و خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و برتمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می خزند حکومت نماید. پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید..."

سفر پیدایش باب پنجم آیهٔ اول : " اینست کتاب پیدایش آدم. در روزی که خدا آدم را آفرید به شبیه خدا او را ساخت..."

ـ " لقب حضرت مسیح را بعل زبول گذاشته بودند معنی این لقب یعنی شیطان "

انجیل لوقا باب یازدهم آیهٔ ۱۵ : " لیکن بعضی از ایشان گفتند که دیوها را به یاری بعل زبول رئیس دیوها بیرون می کند و دیگران از روی امتحان آیتی آسمانی از او طلب نمودند. پس او خیالات ایشان را درک کرده بدیشان گفت هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود تباه گردد و خانهٔ که بر خانه منقسم شود منهدم گردد. پس شیطان نیز اگر به ضد خود منقسم شود سلطنت او چگونه پایدار بماند. زیرا می گوئید که من به اعانت بعل زبول دیوها را بیرون می کنم. پس اگر من دیوها را به وساطت بعل زبول بیرون می کنم پسران شما به وساطت که آنها را بیرون می کنند."

ـ " در انجیل می فرماید من اثمارهم تعرفونهم "

انجیل متی باب ۷ آیهٔ ۱۵ به بعد: " اما از انبیای کذبه احتراز کنید که به لباس میش ها نزد شما می آیند ولی در باطن گرگان درنده می باشند. ایشان را از میوه های ایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از خار و انجیر را از خس می چینند. همچنین هر درخت نیکو میوهٔ نیکو می آورد و درخت بد میوهٔ بد می آورد. نمی تواند درخت خوب میوهٔ بد آورد و درخت بد میوهٔ نیکو آورد..."

انجیل متی باب ۱۲ آیهٔ ۳۳ : " درخت را نیکو گردانید و میوه اش را نیکو یا درخت را فاسد سازید و میوه اش را فاسد. زیرا که درخت از میوه اش شناخته می شود."

ـ " حضرت مسیح می فرماید منم نان آسمانی "

انجیل یوحنا باب ششم آیات ۳۰ به بعد: " بدو گفتند چه معجزه ای می نمایی تا آن را دیده به تو ایمان آوریم، چه کار می کنی، پدران ما در بیابان من را خوردند چنان که مکتوب است که از آسمان بدیشان نان عطا کرد تا بخورند. عیسی بدیشان گفت آمین آمین به شما می گویم که موسی نان را از آسمان به شما نداد بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می دهد. زیرا که نان خدا آنست که از آسمان نازل شده به جهان حیات می بخشد. آنگاه بدو گفتند ای خداوند این نان را پیوسته بما بده. عیسی بدیشان گفت من نان حیات هستم. کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود و هر که

به من ایمان آرد هرگز تشنه نگردد..."

- " وقتی پطرس شمشیر کشید گفت بگذار در غلاف."

انجیل یوحنا باب ۱۸ آیهٔ ۱۰ : " آنگاه شمعون پطرس شمشیری که داشت کشیده به غلام رئیس کهنه که ملوک نام داشت زده گوش راستش را برید. عیسی به پطرس گفت شمشیر خود را غلاف کن آیا جامی را که پدر به من داده است ننوشم."

- " وقتی که مسیح را بر صلیب زدند دوازده نفر شاگرد داشت. یکی او را سه دفعه انکار کرد و دیگری به جهت دراهم معدوده او را فروخت."

انجیل یوحنا، باب ۶ آیهٔ ۷۰ : " عیسی بدیشان جواب داد آیا من شما دوازده نفر را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است و این را در بارهٔ یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت زیرا او بود که می بایست تسلیم کننده وی شود و یکی از آن دوازده بود."

انجیل یوحنا باب ۱۳ آیهٔ ۲۱ :" چون عیسی این را گفت در روح مضطرب گشت و شهادت داده گفت آمین آمین به شما می گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد. پس شاگردان به یکدیگر نگاه می کردند و حیران می بودند که این را در بارهٔ که می گوید و یکی از شاگردان او بود که به سینه عیسی تکیه می زد و عیسی او را محبت می نمود. شمعون پطرس بدو اشاره کرد که بپرسد در بارهٔ که این را گفت. پس او در آغوش عیسی افتاده بدو گفت خداوندا کدامست؟ عیسی جواب داد آن است که من لقمه را فروبرده بدو می دهم. پس لقمه را فروبرده به یهودای اسخریوطی پسر شمعون داد. بعد از لقمه شیطان در او داخل گشت، آنگاه عیسی وی را گفت آنچه می کنی زود بکن."

انجیل یوحنا باب ۱۳ آیهٔ ۳۶ به بعد:" شمعون پطرس به وی گفت ای آقا کجا می روی. عیسی جواب داد جائیکه می روم الان نمی توانی از عقب من بیایی ولکن درآخر از عقب من خواهی آمد. پطرس بدو گفت ای آقا برای چه الان نتوانم از عقب سر بیایم. جان خود را در راه تو خواهم نهاد. عیسی به او جواب داد آیا جان خود را در راه من می نهی؟ آمین آمین به تو می گویم تا سه مرتبه مرا انکار نکرده باشی خروس بانگ نخواهد زد." آیهٔ ۱۷ : " آنگاه آن کنیزی که دربان بود به پطرس گفت آیا تو نیز از شاگردان این شخص نیستی؟ گفت نیستم..."

انجیل یوحنا باب ۱۸ آیهٔ ۲۴ به بعد: " پس حنا او را بسته به نزد قیافا رئیس کهنه فرستاد و شمعون پطرس ایستاده خود را گرم می کرد بعضی بدو گفتند آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟ او انکار کرده گفت نیستم. پس یکی از غلامان رئیس کهنه که از خویشان آن کس بود که پطرس گوشش را بریده بود گفت مگر من تو را با او

در باغ ندیدم. پطرس باز انکار کرد که در حال خروس بانگ زد..."

ـ " حضرت مسیح فرمود ولادت ثانویه لازم است..."

انجیل یوحنا باب سوم آیه ۱ : " و شخصی از فریسیان نیقودیموس نام از روسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت ای استاد می دانم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده زیرا هیچکس نمی تواند معجزاتی را که تو می نمایی بنماید. جز اینکه خدا با وی باشد. عیسی درجواب او گفت آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمی تواند دید. نیقودیموس بدو گفت چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد مولود گردد آیا می شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته مولود شود. عیسی در جواب گفت آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است... و کسی به آسمان نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد یعنی پسر انسان که درآسمان است... آنکه به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او می ماند."

ب ـ قرآن مجید

ـ " إِنْ هٰذانِ لَساحِرانِ ..."

سورهٔ "طه" (۲۰) آیهٔ ۶۳: " قالُوا إِنْ هٰذانِ لَساحِرانِ يُرِيدانِ أَنْ يُخْرِجاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِما وَ يَذْهَبا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلى ." ترجمه: (فرعونیان) گفتند این دو نفر (موسی و هارون) دو ساحرند که می خواهند به سحر شما را از زمینتان بیرون کنند و آئین مقدس شما را از بین ببرند."

ـ " و إِنَّكَ لَتَهْدي إِلىٰ صِراطٍ الْمُسْتَقِيمٍ "

سوره " شوری " (۴۲) آیهٔ ۵۲: " وَ كَذٰلِكَ أَوْحَيْنا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتابُ وَ لَا الْإِيمانُ وَلٰكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدي بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّكَ لَتَهْدي إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ." ترجمه:" و این چنین ما روح را برای وحی تو فرستادیم و پیش از آن ندانستی کتاب خدا چیست. و نمی دانستی که ایمان کدام است ولیکن ما آن کتاب را نور گردانیدیم که هر یک از بندگان را که خواهیم به آن هدایت کنیم و البته تو آنان را به راه راست هدایت نمایی."

ـ " در قرآن می فرماید حضرت مریم نامزد کسی نبود ... حضرت مریم را خدا بر جمیع زنان عالم ترجیح و تفوق داد."

سورهٔ " آل عمران " (۳) آیهٔ ۴۲ : " وَ إِذْ قالَتِ الْمَلٰئِكَةُ يا مَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ

اَصْطَفیکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اَصْطَفیکِ عَلیٰ نِساءِ اَلْعالَمینَ ."

ترجمه : و آنگاه فرشتگان گفتند ای مریم بدرستی که خداوند برگزید تو را و پاک ساخت و اختیارت نمود بر زنان جهانیان ."

سورهٔ " آل عمران " (۳) آیهٔ ۴۷ : " ... قالَتْ رَبِّ اَنّیٰ یَکُونُ لی وَلَدٌ وَلَمْ یَمْسَسْنی بَشَرٌ قالَ کَذٰلِکَ اَللّٰهُ یَخْلُقُ ما یَشاءُ اِذا قَضیٰ اَمْراً فَاِنَّما یَقُولُ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ ."

ترجمه : (مریم) گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی باشد و حال آنکه مرا لمس ننموده بشری . گفت این چنین خداوند می آفریند آنچه را که می خواهد چون قرار می گیرد امری کافیست که گوید او را بشو ، پس می شود .

- " حضرت محمد چون مبعوث شد اول اعتراض به اقربای خویش کرد و گفت چرا به مسیح و موسی مؤمن نشدید "

سورهٔ " بقره " (۲) آیهٔ ۸۷ : " وَلَقَدْ اٰتَیْنا مُوسَی اَلْکِتابَ وَقَفَّیْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ اٰتَیْنا عیسَی اَبْنَ مَرْیَمَ اَلْبَیِّناتِ وَ اَیَّدْناهُ بِرُوحِ اَلْقُدُسِ اَفَکُلَّما جاءَکُمْ رَسُولٌ بِما لاتَهویٰ اَنْفُسُکُمِ اَسْتَکْبَرْتُمْ فَفَریقاً کَذَّبْتُمْ وَ فَریقاً تَقْتُلُونَ ."

ترجمه : و به تحقیق به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از بعد وی پیمبرانی فرستادیم و به عیسی فرزند مریم حجتها و معجزات روشن دادیم و نیز او را به روح القدس تأیید کردیم آیا هرگاه شما را پیغمبری آید که دستوراتش بر خلاف هوای نفس شما باشد باید از اوامر و احکامش سرپیچی کنید؟ و گروهی را انکار کرده و برخی را می کشید؟

- " حضرت محمد اول خطابی که به قوم خود کرد گفت موسی پیغمبر خدا تورات کتاب خداست ..." می فرماید ."

سورهٔ "بقره"، آیهٔ ۵۳ : " اِذْ اٰتَیْنا مُوسَی اَلْکِتابَ وَ اَلْفُرْقانَ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ "

ترجمه : به یاد آورید وقتی که برای راهنمایی به موسی کتاب و فرقان عطا کردیم باشد که به راه حق هدایت یابید .

سورهٔ " انعام "، آیهٔ ۹۱ : " قُلْ مَنْ اَنْزَلَ اَلْکِتابَ اَلَّذی جاءَ بِهِ مُوسیٰ نُوراً وَ هُدیً لِلنّاسِ "

ترجمه : بگو کتاب توراتی را که موسی آورد و درآن نور علم و هدایت خلق بود که بر او فرستاد؟

- " در قرآن می فرماید صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لایَعْقِلُونَ ."

سورهٔ " بقره " (۲) آیهٔ ۱۷۱ : " وَ مَثَلُ اَلَّذینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ اَلَّذی یَنْعِقُ بِما لایَسْمَعُ اِلّا دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لایَعْقِلُونَ "

ترجمه : و مَثَل کسانی که کافر شدند همانند کسی است که بانگ زند بر حیوانی که جز

صدایی نشنود (کفار هم) کران و گنگان و کورانند پس ایشان هرگز درنمی یابند ."

ـ " الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس ..."

سورهٔ " آل عمران " (۳) آیهٔ ۱۳۴ : " الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین ."

ترجمه : کسانی که انفاق می کنند به هنگام وسعت و تنگدستی و خشم خویش را فرو- می خورند و درمی گذرند از گناه مردم و خداوند نیکوکاران را دوست دارد .

ـ " ... چنانکه در قرآن می فرماید . کل شیء حی "

" أ و لم یر الذین کفروا أن السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی أفلا یؤمنون ." (سورهٔ " انبیاء " ۲۱ ـ آیهٔ ۳۰)

ترجمه : آیا کافران ندیدندکه آسمانها و زمین بسته بودند و ما آنها را شکافتیم و هر چیز را به نعمت آب زنده گرداندیم . آیا هنوز ایمان نمی آورند؟)

ـ " در قرآن می فرماید لاتری فی خلق الرحمن من تفاوت "

سورهٔ " ملک " (۶۷) آیهٔ ۳ . " الذی خلق سبع سموات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور "

ترجمه : خداوندی است که هفت آسمان را به طبقاتی منظم آفرید و هرگز در آفرینش خداوند بخشنده هیچ کژی و بی نظمی بچشم نمی خورد پس دیده خویش را به آسمان بگردان که هیچ نقصان و خللی در آن توانی یافت ."

ـ " و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین "

سورهٔ " انبیاء " (۲۱) آیهٔ ۱۰۷ . ترجمه : " ما تو را نفرستادیم جز اینکه رحمتی و بخششی برای عالمیان باشی ."

ـ " صریح قرآن است که مسیح کلمة الله بود "

سورهٔ " آل عمران " (۳) آیات ۴۵ و ۴۶ : " إذ قالت الملئکة یا مریم إن الله یبشرک بکلمة منه اسمه المسیح عیسی ابن مریم وجیها فی الدنیا و الاخرة و من المقربین یکلم الناس فی المهد و کهلا و من الصالحین "

ترجمه : یاد کن هنگامی که گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خداوند بشارت می دهد تو را به کلمه‌ای از او (فرزندی که) اسم او مسیح عیسی فرزند مریم است که آبرومند است در دنیا و آخرت و از مقربان و نزدیکان درگاه خداوند است و سخن گوید (فرزند تو) مردم را در گهواره و در (سن) بزرگی از شایستگان است .

ـ " هذا هو الحق و ما بعد الحق إلا الضلال المبین ..."

فذلکم الله ربکم الحق فما ذا بعد الحق إلا الضلال فأنی تصرفون ..." سورهٔ

" یونس " (۱۰) ـ آیهٔ ۳۲

ترجمه : این چنین خداوندی به حقیقت پروردگار شماست . پس بعد از بیان این همه دلایل حق (ایمان نیاوردن) جز گمراهی چه باشد؟ پس چگونه از پرستش او منصرف می گردید؟

ـ " یُرِیدُونَ اَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَ یَأْبَی اللّٰهُ اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ ..."

سورهٔ " توبه " (۹) آیهٔ ۳۲ : " یُرِیدُونَ اَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَ یَأْبَی اللّٰهُ اِلّا اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ ."

ترجمه : می خواهند که نور خداوند را با این گفتار ناپسند و ابلهانه شان خاموش کنند ولی هرگز خداوند نگذارد مگر آنکه هر آن بر نور خویش بیفزاید و تمام کند و اگر چه کافران را ناخوش آید .

ضمیمه ۶

* اسامی اشخاص مهمی که به حضور مبارک مشرف شدند

در مدت توقف حضرت عبدالبهاء در ایالات متحده امریکا و نیز ممالک اروپا تعداد بسیاری از نفوس مهمه و مقامات رسمیه به حضور مبارک مشرف و از خوان نعمتش متنعم گردیدند، در میان این گروه تعدادی از دانشمندان و معاریف علوم مختلفه بودند که اسامی تعدادی از آنها، به همراه محل تشرف ذکر می گردد:

۱ ـ گراهام بل ـ مخترع تلفن ـ واشنگتن

۲ ـ آدمیرال پری ـ کاشف قطب شمال ـ واشنگتن

۳ ـ دریاسالار وین رایت

۴ ـ ادیسون ـ مخترع معروف ـ نیویورک

۵ ـ پروفسور وامبری ـ زبانشناس و محقق مجاری ـ بوداپست

۶ ـ پروفسور چینی ـ فیلسوف و مؤلف انگلیسی ـ اکسفورد انگلستان

۷ ـ پروفسور ادوارد براون ـ مستشرق ـ دوبار در لندن و یک بار در پاریس

۸ ـ توماس کلهچین ـ دکتر الهیات و پروفسور کتب مقدسه و عضو فرهنگستان انگلستان

۹ ـ مادام دیولافوا ـ باستان شناس فرانسوی ـ پاریس

۱۰ ـ ملکیور دووکه ـ باستان شناس فرانسوی ـ وین

۱۱ ـ پروفسور ایگناتیوس گولدزیهر ـ بوداپست

۱۲ ـ تئودور پول ـ فیلسوف انگلیسی ـ اسکندریه

۱۳ ـ دکتر جوردن ـ رئیس دانشگاه لیلند استانفورد

۱۴ ـ پروفسور جاکسون ـ امریکا

۱۵ ـ دکتر مارتین مایر ـ امریکا

۱۶ ـ رابیند رانات تاگور ـ امریکا

همچنین در بین ملاقات کنندگان تعدادی از مقامات مذهبی نیز بودند از جمله:

۱۷ ـ بِشپ ـ رئیس اساقفه کلیسای اسنشن ـ نیویورک

۱۸ ـ اسقف الکساندر جیوابین ـ بوداپست

۱۹ ـ رَبّای استون وایز ـ امریکا

۲۰ ـ رَبّای ئوزف لیوی ـ امریکا

۲۱ ـ رَبّای ابرام سیمون ـ امریکا

گروهی از مقامات دولتی و بزرگان مملکتی نیز به حضور رسیدند. از جمله:

۲۲ ـ فرانکلین مک وه ـ خزانه‌دار کل ایالات متحده امریکا

۲۳ ـ لی مک کلانگ ـ وزیر مالیه امریکا ـ واشنگتن

۲۴ ـ یوسف ضیاء پاشا ـ سفیر عثمانی ـ واشنگتن

۲۵ ـ سفیر انگلیس در امریکا ـ واشنگتن

۲۶ ـ تئودور روزولت ـ رئیس جمهور سابق امریکا ـ واشنگتن

۲۷ ـ پرنس محمد علی پاشا برادر خدیو مصر ـ نیویورک

۲۸ ـ مستر پن شو ـ وزیر کابینه امریکا ـ ییلاق میلفرد

۲۹ ـ مستر توپاکیان ـ جنرال قنسول ایران ـ انگل وود

۳۰ ـ عده‌ای از رجال ایران از جمله انتظام السلطنه ، سفیر ایران در فرانسه، جناب قائم مقام کاشانی و محمد خان معیرالممالک (داماد ناصرالدین شاه) از رجال سیاسی ایران ـ پاریس

۳۱ ـ عبدالصمد خان ـ وزیرمختار ایران ـ پاریس

۳۲ ـ سرتوماس بارکلی ـ وزیرامور خارجه انگلستان ـ لندن

۳۳ ـ احمد عزت پاشا و منیر پاشا از پاشاوات عثمانی ـ پاریس

۳۴ ـ مهاراجه راج پوتانا ـ ملک زاده هند ـ لندن

۳۵ ـ مستر و میسیز موزر ـ از بزرگان انگلستان ـ پاریس

۳۶ ـ سر ریچارد ولیدی استپلی از سران ملت انگلیس ـ لندن

۳۷ ـ ظل السلطان ـ پسر ناصرالدین شاه که سبب قتل و شهادت حضرات سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان بود ـ پاریس

۳۸ ـ جلال الدوله ـ پسر ظل السلطان و نوه ناصرالدین شاه که سبب شهادت احبای یزد بود ـ پاریس

۳۹ ـ اسمعیل میرزا و اکبر میرزا پسران ظل السلطان ـ پاریس

جناب زرقانی در کتاب بدایع الاثار ذکر می نمایند که حضرت عبدالبهاء فرموده بودند یکی از حکمتهای توقف طولانی حضرتشان در پاریس همین ملاقات با شرقیان و به خصوص ایرانیان بوده تا نظر آنها نسبت به امر عوض شود.

۴۰ ـ رشید پاشا والی سابق بیروت ـ پاریس

۴۱ ـ شیخ علی یوسف مدیر جریده مؤیّد ـ مصر

۴۲ ـ اندرو کارنگی ـ امریکا

۴۳ ـ محمد ولی خان تنکابنی سپهسالار ـ امریکا

۴۴ ـ سردار جلیل کلبادی

۴۵ ــ سید حسن تقی زاده

۴۶ ــ علامه محمد خان قزوینی

۴۷ ــ سردار اسعد

ــ برای تهیه این فهرست از کتب قرن بدیع جلد سوم ، دو جلد بدایع الاثار جناب زرقانی کتاب رحیق مختوم جلد دوم و همچنین مجله پیام بهائی شماره ۱۵۷ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی ، " مقاله جستجویی در خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء " به قلم خانم عهدیه استفاده شده است .

* نقل از پایان نامه " شرحی بر خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء "

ضمیمهٔ ۷

معانی لغات دو خطبه عربی ـ خطابات جلد ۱

صفحه ۳

تُنَبِّئُ : (نَبَاءَ ـَـ) خبر می دهد

اِنْطَبَعَتْ : (طَبَعَ) نقش یافت

اِرْتَسَمَتْ : (رَسَمَ) نمایش یافت ـ تصویر یافت

مُمَثِّلَةً : قرار داده

مَا يَنْطِقُ : (نَطَقَ ـِـ) بر زبان نمی راند سخنی را ـ سخن نمی گوید

يُوحى : (وَحَى ـِـ) وحی می شود او را ـ الهام می شود او را

مَهَابِط : محل فرود آمدن (مفرد: مَهْبِط)

صفحهٔ ۴

مَا اَرْسَلْنَاكَ : (رَسَلَ) نفرستادیم تو را ـ برنگماشتیم تو را

اَنْ تَنْسِجَ : (نَسَجَ ـُـ) اینکه ببافد

عَنَاكِب : حشرهٔ تننده (مفرد: عنکبوت)

لُعَاب : آب دهان ـ بزاق

حَمَا : گل سیاه و لجن

اَدَقّ : دقیقتر (بین) ـ باریکتر (بین) ـ ریزتر (بین)

مَا اَنْزَلَ : فرونفرستاد

لَيْسَ : نیست

لَاتَكَادُ : نزدیک نمی شود ـ نمی رسد

تُحِيطَ بِه : (حوط ـ حاط) احاطه می کند او را ـ اطراف او را می گیرد

لَاتَكَادُ الْعُقُول تُحِيط بِه : نمی رسد عقول را به اینکه احاطه کند او را

تَسَعُهُ : (وَسِعَ ـَـ) دربرمی گیرد او را ـ فرا می گیرد او را ـ احاطه می کند.

لَاتُدْرِكُهُ : (دَرَكَ) نمی رسد او را ـ درنمی یابد او را ـ درک نمی کند او را ـ پی نمی برد او را

يُدْرِكُ : (دَرَكَ) درمی یابد ـ می رسد ـ درک می کند ـ می دانند ـ پی می برد

اَمْعِنُوا النَّظَر : (مَعَنَ) موشکافی کنیم ـ دورا ندیشی کنیم ـ درست رسیدگی کنیم

صفحه ۵

تَرَى : (رَاَى ـَـ) می بینیم ـ درمی یابیم

دَانِيَة : پست ـ پائین

لَايَكَاد : نزدیک نمی شود ـ نمی رسد

وَلَوْكَانَتْ : (كَانَ ـُـ) حتی اگر باشد ـ اگر چه باشد

لَايَسْتَطِيعُ : (طَاعَ) نمی توانند ـ قدرت و توانایی ندارد

ذَاهِل : گیج و سرگشته ـ فراموشکار

تَتَكَشَّف : (كَشَفَ) آشکار می شود

صفحه ۶

يَعْرِف : (عَرَفَ ـِـ) می شناسد ـ می دانند

ضَعُفَ : (ضَعُفَ ـُـ) ضعیف و سست و ناتوان گردید

جَلَّ : (جَلَّ ـِـ) بزرگ منزلت است

عِقَال : بند ـ پای بند

فَمَا بَقِيَ : (بَقِيَ ـَـ) پس باقی نماند

مَا عَرَفْنَاكَ : (عَرَفَ ـِـ) نشناختیم تو را ـ ندانستیم تو را

تَجلّی : (جلی) نمایان و روشن می شود ـ تجلی می کند

یُسَبِّحُ : (سَبَحَ) تسبیح می گوید ـ سبحان اللّه می گوید

لاشَکَّ : (شَکَّ ـُـ) گمانی نیست ـ شکی نیست ـ تردیدی نیست

آخِذَة : گیرنده

نواصی : پیشانی ـ گوشه (مفرد : ناصیه)

تُخْرِجُها : (خَرَجَ ـُـ) خارج می سازد آن را ـ بیرون می آورد آن را

تُعرِضها : (عَرَضَ ـِـ) پیدا و ظاهر می سازد آن را

اَفهام : تصور چیزی و درک آن (مفرد : فهم)

اَسمیٰ : برتر و بالاتر

صفحه ۷

اِطَّلَعَ بِها : (طَلَعَ) واقف گردید به آن ـ آگاه شد به آن

اَخْرَجَها : (خَرَجَ) خارج ساخت آن را ـ بیرون آورد آن را

عَرَضَها : (عَرَضَ ـِـ) پیدا و آشکار ساخت آن را

فَثَبَتَ : (ثَبَتَ ـُـ) به ثبوت رسید

لاسیّما : خصوصاً

مُنْطَبِعَة : نقش یافته

لایُریٰ : (رَأیٰ) دیده نمی شود

تَفیض : (فاضَ ـُـ) جاری می شود ـ منتشر می گردد

لَتَهْدِی : (هَدیٰ ـِـ) البته هدایت و راهنمایی می کنی

اَشْرَقَتْ : (شَرَقَ) درخشید ـ تابید ـ طلوع کرد

تَنَزَّلَتْ : (نَزَلَ ـِـ) فرود آمد

سُمُوّ : بلندی ـ ارتفاع

دَخَلَتْ : (دَخَلَ ـُـ) درآمد ـ داخل شد

حَلَّتْ : (حَلَّ ـُـ) : فرود آمد ـ جانشین شد

نَقْصِدَ : (قَصَدَ ـِـ) درنظر گرفتیم

فاضَتْ : (فاضَ ـِـ) منتشر شد

صفحه ۸

اَنْ یَنْقَلِبَ : (قَلَبَ) اینکه عوض می کند ـ اینکه تغییر می دهد

قَلَب : تغییر شکل ـ تبدیل ـ دگرگونی

اَنْ یَسْتَفیضَ : (فاضَ) اینکه طلب فیض می کنند

نَنْظُر : (نَظَرَ ـُـ) می نگریم ـ نظر می کنیم

سَطَعَتْ : (سَطَعَ ـَـ) درخشید ـ پرتو افکند

وَهّاج : نیک افروزنده

زُجاج : شیشه

ظَهَرَتْ : (ظَهَرَ ـَـ) آشکار گردید

شاعَت : (شاعَ ـِـ) آشکار و فاش شد ـ هویدا شد

ذاعَتْ : (ذاعَ ـِـ) منتشر و پراکنده گردید ـ فاش و آشکار گردید

اَدْهار : روزگار ـ زمانه (مفرد : دهر)

صفحه ۱۰

اِلیٰ مَتیٰ : تا کِی

هُجُوع : خوابیدن

سُبات : خواب ـ راحت

قَهقَریٰ : برگشت به عقب ـ پس رفتن

عَمیٰ : کوری (مجازاً به معنای فقدان بصیرت)

شَقاء : گمراهی ـ سختی ـ بدبختی

حَمِیَّة : تعصب

واهِیَة : بی بنیاد ـ بی اساس

کِفاح : در جنگ روبرو شدن

نِزال : درگیر نبرد شدن ـ مقابله و منازعه کردن

خَتَمَ اللّه : (خَتَمَ ـِـ) مهر زد خداوند

غِشاوَة : پوشش

لَمْ تَنْتَبِهُ : (نَبَهَ) متوجه نمی شوند

قَدْ فاضَتْ : (فَیَضَ ـِـ) به تحقیق جاری شده

صفحهٔ ۱۱

رَبّیٰ : (رَبَیَ) تربیت کرد

فُطُور : شکافها

فَلْنَتْبَعَ : (تَبِعَ ـَـ) پس باید پیروی بکنیم

لِنَتْرُکَ : (تَرَکَ ـُـ) باید رها بکنیم

لِنَلْتَئِمَ : (لَئَمَ) باید گرد هم آوریم ـ باید جمع کنیم ـ باید موافق کنیم

تِئام : دوگانگی

لِنَمْتَزِج : (مَزَجَ) باید مخلوط شویم ـ باید امتزاج یابیم

لِنَتَّحِدَ : (وَحَدَ) باید اتحاد یابیم ـ باید یکی شویم

نُؤَسِّسُ : (اَسَّسَ) بنا می کنیم

یُوافِقُ : (وَفَقَ) همراهی و موافقت دارد

اُسْوَة : سرمشق ـ مقتدی

طُوِیَ : (طَوَیَ ـَـ) درهم پیچید

شَحْناء : دشمنی ـ کینه‌ورزی ـ حسد

ظَلام : تاریکی ـ سیاهی

آلام : دردها (مفرد : اِلَم)

داعِیَة : ندا کننده ـ دعوت کننده

قَرَّتْ : (قَرَّ ـِـ) روشن شد

قَدْ وَعَتْ : (وَعَیَ یَعِی) به تحقیق شنیده است

صفحه ۱۲

اَلَسْتُمْ : آیا نیستید

اَعْیُنٌ : چشمه‌ها (مفرد : عین)

رَیْب : شک و تردید

شرائع : مجموعه‌های احکام و تعالیم الهی ـ ادیان (مفرد : شریعت)

قَدْ تَحَقَّقَتْ : (حَقَّ) ثابت و محقق شد

ما بَعَثْتُهُمْ : (بَعَثَ ـُـ) برنمی انگیزد شما را

تَثْقِیف : تعلیم و تهذیب کردن ـ پاک کردن

تَدَرُّج : بالا رفتن

مَعارِج : پله‌ها ـ نردبانها

اَختارهم اللّه : (خار) برگزید خداوند ایشان را

نِقْمَة : عقوبت ـ مجازات

دَعوا : (دعا ـُـ) دعوت کردند ـ خواندند

تَمَسَّکُوا : (مَسَکَ) چنگ زدند ـ آویزان شدند

عُروة الوُثقیٰ : دستاویز محکم ـ کنایه از عقیده درست و تمسک به دین الهی است

اَنْقَذوا : (نَقَذَ) نجات دادند

سافِلَة : پست و فرومایه

حَضیض : پستی ـ نقطه مقابل اوج

نُهیٰ : عقل و خرد

اَمْعَنَ النَّظَر فِی الحَقیقَةِ التّاریخ : درحقیقت تاریخ موشکافی و بازرسی دقیق کند .

اَنْقَذَ : (نَقَذَ) نجات داد

ذُلّ : خواری ـ حقارت

هَوان : ذلیل و حقیر و ضعیف شدن

اَسْر : حبس

خَذلان :خواری و بی بهره‌گی

رَبّاهم : (ربی) تربیت کرد ایشان را

اوصَلَهُم: (وصل) رساند ایشان را

مَهَّدَ : (مَهد) آماده کرد

اِستَضعفوا : (ضعف) ضعیف شدند ـ ضعیف دانستند

صفحه ۱۳

جَعَلَهُمْ: (جَعَلَ ـَـ) قرار داد ایشان را

حَمَلَة: حمل کنندگان (مفرد: حامل)

اَسوا : (اَسَّ) بنا نهادند

ذَلَّتْ : (ذلّ ـُـ) خوار کرد ـ خوار شد

خَضِعَتْ : (خَضِعَ ـَـ) خمید

خَضَعَتْ : (خَضَعَ ـَـ) اطاعت کرد

اَعْناقهم : گردنها (مفرد: عُنق)

خَشَعَتْ : (خَشَع ـَـ) خاموش شد

خَشَعَتْهُم : اظهار فروتنی و عجز کردند در برابر ایشان

فَنُفِخَ : (نَفَخَ ـُـ) پس دمیده شد

اَحْیاهُمْ: (حَیَ) زنده کرد ایشان را

طَبَّقَ : (طَبَقَ) پوشاند ـ منتشر کرد

صِیتِهم : شهرت و آوازهٔ ایشان

واد: (وادی) دره ـ بیابان

مَتحاربه : در جنگ با یکدیگر

لایَعْلَمُونَ : (عَلِم ـِـ) نمی دانند

لایَعْرِفونَ : (عَرَفَ ـِـ) نمی دانند ـ آگاه نمی باشند

لایُدْرِکونَ : (دَرَک) درک نمی کنند

مُتَشَتّت : متفرق ـ پراکنده

رِمال : شن ها ـ ماسه‌ها

لَبَن : شیر (آشامیدنی)

نَخیل : درخت خرما

اَعْناب : انگورها (مفرد: عِنَب)

نَفْخ : دمیدن

اِیقاد: برافروختن ـ روشن کردن

فَتَنَوَّرَتْ : پس روشن شد (نور)

شاسعه : بعید ـ دور

صفحه ۱۴

خاویة: خالی ـ خراب ـ منهدم ـ زمین خالی از اهل خود

اَرجاء : اطراف ـ نواحی

فَانتَهَضَ :(نَهَضَ) پس برخاست

رَقْد: خواب

ضَلال : از راه دین گمراه شدن

فَاتَّسَعَتْ: (وَسَع) پس وسیع شد

اِنْشَرَحَتْ : (شَرَح) گشایش یافت

فَرَتَّلْتُ : (رَتَلَ) پس خواند

نَجَوا : (نَجَحَ ـَـ) کامیاب و پیروز شدند نجات یافتند

وَصَلوا : (وَصَلَ ـِـ) رسیدند

فَاَصْبَحوا : (صَبَحَ) پس روشن کردند

تُنْصِفوا : (نَصَفَ) انصاف می دهید

ضَئیل : نزار ـ حقیر

خاضَتْ : (خاضَ ـُـ) وارد شدند

مَکَّنَهُمْ : (مَکَنَ) نیرومند و مسلط گردانند ایشان را

یَشْهَدَ : (شَهِدَ ـَـ) شهادت می دهد

وَرَیٰ : مردم

خافقه : در اهتزاز

صُروح : قصر ـ بنای عالی (مفرد: صرح)

عُصْبة : دسته ـ جمعیت

اِقْتَبَسْتُ : (قَبَسَ) اقتباس کرد ـ فرا گرفت

سَطَعَتْ : (سَطَعَ ـَ) درخشید

صفحه ۱۵

اِئتَلَفَتْ : (اَلَـــفَ) اجتماع کرد

اِتَّحَدَ : (وَحَدَ) متحد کرد (شد)

اِتَّفَقَتْ : نزدیک و متفق کرد (شد) (وَفَقَ)

بَشَّرَ : (بَشَرَ) بشارت داد ـ مژده داد

سَلَف : گذشته

خَلَف : جانشین ـ بازمانده

صَدَقَ : (صَدَق) تصدیق کرد

تَتَجادَلُون : (جَدَل) مجادله می کنید

تَتَنازَعُون : (نَزَع) اختلاف می کنید

یَجُوز : (جازَ ـُ) جایز می باشد

ارتیاب : شک کردن ـ بدگمان بودن

اَوْهَن : سست تر

بَدار : بشتاب

اِغْتَنَمْتُمْ : (غَنَم) غنیمت شمردید

غَضَضْتُمْ : (غَضَّ ـُ) پائین انداختید

خُضْتُمْ : (خاضَ ـُ) فرورفتید

فَیُؤَیِّدُکُمْ : (أَیَّدَ) پس تأئید می کند شما را

مَنِ اتَّبَعَ : (تَبَع) کسی که پیروی کرد .

هُدی : رستگاری ـ طریق ـ طاعت

کتابنامهٔ اعلام ، اصطلاحات و لغات

۱ ـ حضرت بهاءالله ، مجموعه الواح مبارکه . قاهره : مطبعه سعادة ، ۱۳۳۸ هـ . ق

۲ ـ حضرت محمد ، قرآن کریم . طهران : موءسسه انتشارات فراهانی ، ۱۳۹۳ هـ . ق

۳ ـ کتاب مقدس ، چاپ انجمن پخش کتب مقدسه در بین ملل ، ۱۹۸۰ م

۴ ـ هاکس ، جیمز . قاموس کتاب مقدس . طهران : کتابخانه طهوری ، چاپ دوم ، ۱۳۴۹

۵ ـ نوزده هزار لغت

۶ ـ دهخدا ، علی اکبر . فرهنگ دهخدا . طهران : چاپخانه مجلس ، ۱۳۳۳ شمسی

۷ ـ معین ، محمد . فرهنگ معین . طهران : انتشارات امیرکبیر ، چاپ چهارم ۱۳۶۰ شمسی

۸ ـ بندر ریگی ، محمد . (مترجم) ترجمه منجدالطلاب . فرهنگ عربی به‌فارسی ـ طهران: انتشارات اسلامی ، چاپ سوم ، ۱۳۶۱ شمسی

۹ ـ سجادی ، جعفر . فرهنگ علوم عقلی . طهران : انتشارات کتابخانه ابن سینا ، چاپ اول ، ۱۳۴۱ شمسی

۱۰ ـ ماله ، آلبر . تاریخ قرن نوزدهم و معاصر . ترجمه حسین فرهودی . طهران : کتابخانه ابن سینا ، ۱۳۴۴

۱۱ ـ نهرو ، جواهر لعل . نگاهی به تاریخ جهان . ترجمه محمود تفضلی . طهران : انتشارات امیرکبیر ، چاپ چهارم ، ۱۳۵۱ شمسی

۱۲ ـ لوکاس ، هنری . تاریخ تمدن . ترجمه عبدالحسین آذرنگ . طهران : انتشارات کیهان ، چاپ اول ، ۱۳۶۶ شمسی

۱۳ ـ خوانساری ، محمد . دورهٔ مختصر منطق صوری . طهران : انتشارات و چاپ دانشگاه طهران ، ۱۳۶۸ شمسی

۱۴ ـ پیرنیا ، حسن (مشیرالدوله) . ایران باستان . طهران : چاپ فرهنگ ، دنیای کتاب ، ۱۳۶۲ شمسی

۱۵ ـ پایان نامه " شرحی بر خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه "، معارف عالی